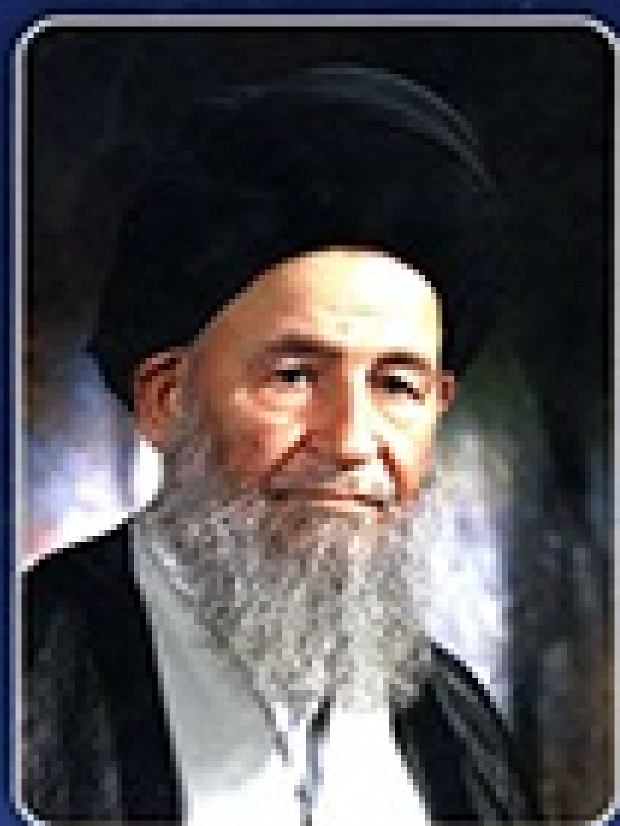
احکام جوانان



مطابق با فتاوای فقیه اهل بیت عصمت و طهارت

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی

بسم الله الرحمن الرحیم

احکام جوانان

نویسنده:

آیت الله سیدمحمدعلی علوی گرگانی

ناشر چاپی:

فقیه اهل بیت علیهم السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

احکام جوانان ----- ۷

مشخصات کتاب ----- ۷

اشاره ----- ۷

فهرست موضوعات ----- ۱۱

مقدمه ----- ۱۴

نکاتی اخلاقی از معظم له به جوانان عزیز ----- ۱۶

احکام تقلید ----- ۱۸

مطَهِّرات (پاک کننده ها) ----- ۲۲

احکام تخلّی (دستشویی) ----- ۳۶

احکام استبراء ----- ۳۷

نجاسات ----- ۳۹

احکام نجاسات ----- ۴۵

وضو ----- ۴۹

غسل ----- ۶۴

تیمّم ----- ۷۹

نماز ----- ۸۸

شکیّات ----- ۱۲۹

روزه ----- ۱۶۰

خمس ----- ۱۷۶

زکاه ----- ۱۸۱

حج ----- ۱۸۳

خرید و فروش ----- ۱۸۵

صلح ----- ۱۸۸

قرض ---------- ۱۹۰
ازدواج ---------- ۱۹۴
احکام نگاه کردن ---------- ۲۰۲
مسائل متفرقه زناشویی ---------- ۲۰۴
غصب ---------- ۲۰۶
مالی که انسان آن را پیدا می کند ---------- ۲۰۸
سربریدن و شکار حیوانات ---------- ۲۱۰
خوردنیها و آشامیدنیها ---------- ۲۱۴
نذر ---------- ۲۱۷
قسم ---------- ۲۱۹
امر به معروف و نهی از منکر ---------- ۲۲۱
درباره مرکز ---------- ۲۳۲

احکام جوانان

مشخصات کتاب

سرشناسه : علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : احکام جوانان/ مطابق با فتاوی سید محمد علی علوی گرگانی.

مشخصات نشر : قم: فقیه اهل بیت(ع)،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۴ص.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال:چاپ سوم: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۱۶-۱-۴

يادداشت : چاپ سوم.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : شیعه -- عقاید

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ع۸الف۳ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۹۶۵۰۸

ص:۱

اشاره

فهرست موضوعات

مقدمه●●● ۷

نکاتی اخلاقی از معظم له به جوانان عزیز●●● ۹

احکام تقلید●●● ۱۱

مطَهّرات (پاک کننده ها)●●● ۱۵

احکام تخلّی (دستشویی)●●● ۲۹

احکام استبراء●●● ۳۰

نجاسات●●● ۳۲

احکام نجاسات●●● ۳۸

وضو●●● ۴۲

غسل●●● ۵۷

تیمّم●●● ۷۲

نماز●●● ۸۱

شکیّات●●● ۱۲۲

روزه●●● ۱۵۳

خمس●●● ۱۶۹

زکاه●●● ۱۷۴

حج●●● ۱۷۶

خرید و فروش●●● ۱۷۸

قرض●●● ۱۸۳

ازدواج●●● ۱۸۷

احکام نگاه کردن●●● ۱۹۵

مسائل متفرقه زناشویی●●● ۱۹۷

غصب●●● ۱۹۹

مالی که انسان آن را پیدا می کند●●● ۲۰۱

سربریدن و شکار حیوانات●●● ۲۰۳

خوردنیها و آشامیدنیها●●● ۲۰۷

نذر●●● ۲۱۰

قسم●●● ۲۱۲

امر به معروف و نهی از منکر●●● ۲۱۴

مقدمه

دوران جوانی دوران حساسی در زندگی انسان می باشد، دورانی که انسان آینده خود را پایه گذاری می کند و به سمت ساختن زندگی خوب و با سعادت پیش می رود. این دوران، فصل نبوغ فکری و تکامل عقلی است و لذا از حساسیت بالایی برخوردار می باشد اسلام برای این دوران برنامه های خاصی در نظر گرفته است که جوانان با پیروی از آن می توانند به رستگاری برسند. چرا که در این راه موانع و دامهای فراوانی وجود دارد و افرادی هستند که قصد تخریب روحیه پاک جوان و آلوده کردن او به زرق و برق دنیا و تباه کردن او را دارند. اسلام از میان تمام اقشار جامعه به نسل جوان اهمیت فراوانی داده است و توصیه فراوانی به احترام گذاشتن به نسل جوان کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اوصیکم بالشبّان خیراً فانّهم ارقّ افئدهً انّ ا... بعثنی بالحق بشیراً ونذیراً فخالفنی الشبّان وخالفنی الشیوخ:

یعنی نسبت به جوانان نظر خوب داشته باشید چرا که قلب آنان انعطاف پذیر است خداوند مرا به حق مبعوث کرد تا به مردم بشارت

دهم و آنها را از عذاب او بترسانم پس جوانان با من همکاری کردند اما پیرمردها با من مخالفت کردند.

معظم له نیز به پیروی از دستورات اسلام نسبت به جوانان مهربان و با احترام فراوان برخورد می کردند و علاقه فراوانی به راهنمایی آنان دارند.

این مجموعه طبق خواهش مقلّدین و جوانان عزیز و به دستور معظم له آماده شده است تا راهنمای جوانان در احکام آنان باشد.

امید است جوانان عزیز با برخورداری و استفاده از این کتاب نسبت به انجام تکالیف خود کوشا باشند.

نکاتی اخلاقی از معظم له به جوانان عزیز

۱ ــ دنیـا را خانه آرامش خود قرار ندهیـد و بدانیـد که «دار الـدنیا بالبلاء محفوفه» یعنی خانه دنیا همراه با سـختیها و رنجها می باشد.

۲ ــ هم نشینی با فقهاء و علماء موجب زیادشدن فضل و کمال انسان است.

۳ ــ کسانیکه به درجات بالای معنوی می رسـند بخاطر زیارت عاشوراهایی است که به آن مقیـد بودنـد و بخاطر قرائت قرآنی است که به آن توفیق داشته اند.

۴ ــ صبر کردن در مقابل مشـکلات ثواب دارد شـما بایـد فشار کمبودها را تحمل کنیـد و با سـختی ها بسازید و به خدا توکل کنید و باور کنید که خداوند، صبر شما را جبران می کند و شما را در این راه کمک می کند.

۵ ــ شبها به پرونده اعمال خود رسیدگی کنید و همیشه در حال راز و نیاز باشید.

۶ ــ در مجالس موعظه و روضه شرکت کنید و بهره ببرید که هرچه داریم از این مجالس است.

۷ ـ نظم در کار را شعار خود دهید و تمام زندگی خود را بر اساس نظم به پیش ببرید

۸ ـ علم را وسیله کسب فضایل و اخلاق و تقوا قرار دهید تا به مقامات بالای معنوی برسید.

۹ ـ هرچه در این دنیا دلمشغولی و سرگرمی بیشتر داشته باشید، در آخرت بیشتر معطل خواهید شد و بیشتر حساب پس خواهید داد.

۱۰ ـ زیر سایه ولایت اهل بیت علیهم السلام زندگی کنید و امیرالمؤمنین علیه السلام را الگوی خود قرار بدهید چرا که علی علیه السلام «باب العرفان» است.

۱۱ ـ همیشه در حال استغفار کردن باشید تا خدا شما را مورد عفو قرار دهد.

۱۲ ـ خدا را فراموش نکنید.

۱۳ ـ صله رحم را بجا آورید و نمونه باشید.

۱۴ ـ کمال مرد به ادب اوست. سعی کنید در زندگی و گفتار خود ادب داشته باشید و از بدزبانی پرهیز کنید.

۱۵ ـ مراقب زبان خود باشید. اگر مواظب زبان باشید، خیلی از گناهان کم می شود.

۱۶ ـ خوشا به حال جوانانی که اهل مسجدند و کبوتران حرم خدا هستند.

۱۷ ـ همه کارهایتان به خدا منتهی می شود. برای خدا کار کنید که اگر روزی از این دنیا رفتیم مرگمان هم اثر داشته باشد.

۱۸ ـ در دوران جوانی خود را اصلاح کنید که در پیری نخواهید توانست.

بسم اللّه الرحمن الرحيم

اَلحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ والصَّلاهُ وَالسَّلامُ عَلی خَیرِ خَلقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

الطّاهِرینَ وَلَعْنَهُ اللّهِ عَلی أعْدائِهِمْ أجْمَعینَ إلی یَوْمِ الدّین

احکام تقلید

مسأله ۱ ــ عقیـده مسـلمان به اصول دین بایـد از روی دلیل باشـد و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید اما در احکام دینی یا باید انسان خود مجتهد باشد تا بتواند احکام را از روی دلیل بدست آورد یا از مجتهد تقلید کند یا احتیاط کند.

مسأله ۲ ــ به مجتهـدی که دیگران از او تقلیـد می کننـد مرجع تقلیـد گفته می شـود و به کسـی که از مرجعی تقلیـد می کند «مقلّد» گفته می شود.

مسأله ۳ ــ تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است.

مسأله ۴ _ مجتهدی که از او تقلید می شود باید دارای شرائط زیر باشد:

۱ _ مرد باشد ۲ _ بالغ باشد ۳ _ عاقل باشد ۴ _ شیعه دوازده امامی باشد ۴ _ حلال زاده باشد ۵ _ زنده باشد

مسأله ۵ _ عادل کسی است که دارای ملکه عدالت باشد و کارهایی را که بر او واجب است بجا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند و اگر از اهل محل یا همسایگان او یا دوستان او حال او را بپرسند خوبی او را تصدیق نمایند.

مسأله ۶ _ بهتر است انسان از مجتهدی که اعلم است تقلید کند و در صورتیکه اعلمیت مجتهدی احراز شود واجب است از او تقلید شود گرچه احراز اعلمیت مشکل است

مسأله ۷ _ مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

۱ _ خود انسان یقین به اجتهاد یا اعلمیت او پیدا کند

۲ _ دو نفر عادل اجتهاد یا اعلمیت او را تصدیق کنند به شرط آن که دو نفر عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکند

۳ _ بطوری شایع شود که انسان اطمینان پیدا کند

مسأله ۸ _ تقلید ابتدایی از مجتهد مرده جایز نیست و اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند بمیرد احوط این است که از مجتهد زنده تقلید کند گرچه اگر مجتهد مرده اعلم باشد باقی ماندن بر تقلید او در مسائل عمل کرده شده جایز است

مسأله ۹ _ راههای بدست آوردن فتوای مجتهد بدین گونه است

۱ _ دیدن در رساله مجتهد

۲ _ شنیدن از خود مجتهد

۳ _ شنیدن فتوای مجتهد از دو نفر عادل

۴ _ شنیدن از فردی که به گفته او اطمینان دارد

مسأله ۱۰ _ زمانی تقلید بر انسان واجب می شود که به سن بلوغ برسد

مسأله ۱۱ _ علائم بلوغ پسران یکی از این امور است:

۱ _ خروج منی ۲ _ روییدن موی خشن در زیر شکم (بالای عورت) ۳ _ کامل شدن پانزده سال قمری

مسأله ۱۲ _ علائم بلوغ دختران یکی از این دو امر است

۱ _ روییدن موی خشن در زیر شکم (بالای عورت)

۲ _ تمام شدن ۹ سال قمری

مسأله ۱۳ _ واجب است انسان مسائلی را که غالباً به آنها احتیاج دارد، یاد بگیرد

مسأله ۱۴ _ در مواردیکه مجتهد در مسأله ای احتیاط واجب کند و فتوا ندهد مقلّد می تواند در آن مسئله رجوع به مجتهد دیگر کند.

مسأله ۱۵ _ اگر فتوای مجتهدی عوض شود و مقلّد به آن فتوا آگاهی پیدا کند باید طبق آن عمل کند و نمی تواند به فتوای سابق عمل کند اما تا زمانیکه علم به فتوای جدید پیدا نکرده می تواند به فتوای قبلی عمل کند و در مواردیکه شک کند که فتوای مجتهد عوض شده جستجو لازم نیست.

استفتائات تقلید

سئوال: آیا زن در انتخاب مرجع تقلید خود تابع شوهر است؟

جواب: زن در انتخاب مرجع تقلید مستقل است

سئوال: حکم ولایت امر یا فتوای او در صورت مخالفت با رأی مرجع تقلید کدام رجحان دارد؟

جواب: در صورتیکه فتوای مجتهد با فتوای ولایت فقیه متفاوت باشد مقلد هر کدام باید به فتوای مجتهد خود عمل کند ولی اگر حکم حکومتی ولی فقیه با حکم مجتهد متفاوت باشد حکم ولیّ فقیه مقدم است.

مطَهّرات (پاک کننده ها)

از نظر اسلام طهارت و پاکی بدن و محیط اطراف در زندگی انسان اهمیت فراوانی دارد و لذا دانستن مطهرات برای هر مکلّفی لازم است.

دوازده چیز نجاست را پاک می کند و آنها را مطهرات گویند

۱ _ آب

۲ _ زمین

۳ _ آفتاب

۴ _ استحاله

۵ _ کم شدن دو سوم انگور

۶ _ انتقال

۷ _ اسلام

۸ _ تبعیّت

۹ _ برطرف شدن عین نجاست

۱۰ _ استبراء حیوان نجاستخوار

۱۱ _ غائب شدن مسلمان

۱۲ _ انقلاب

۱ _ آب

یکی از بهترین وسایل پاک کننده آب است و آن یا مطلق است و یا مضاف و آب مطلق بر پنج قسم است: ۱ _ آب کر ۲ _ آب قلیل ۳ _ آب جاری ۴ _ آب باران ۵ _ آب چاه

مسأله ۱ _ آب کر در صورتی نجس می شود که بو یا رنگ یا مزه آن بوسیله نجاست تغییر کند اما آب قلیل به محض اتصال با نجاست، نجس می شود

مسأله ۲ _ آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می شود و از آن جدا می گردد نجس است و اگر به بدن یا لباس هم ترشح کند آن را نجس می کند

مسأله ۳ _ اگر مخرج بول یا غائط را با آب قلیل بشویند، این آب با پنج شرط پاک است:

۱ _ بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد

۲ _ نجاست دیگری از خارج به آن نرسد

۳ _ نجاست دیگری مثل بو یا خون یا غائط از مخرج بول یا غائط بیرون نیامده باشد

۴ _ ذره های غائط در آب پیدا نباشد

۵ _ بیشتر از مقدار معمول نجاست به اطراف مخرج بول یا غائط نرسیده باشد

مسأله ۴ _ آب جاری مثل آب نهر یا لوله و امثال آن نجاست را پاک می کند مگر اینکه بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند

مسأله ۵ ـ آب باران اگر به چیزی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه ببارد آن را پاک می کند و اگر آب باران از روی نجاست ترشح به جای دیگر کند در صورتیکه عین نجس در آن نباشد یا بو یا رنگ یا مزه آن تغییر نکند، پاک است.

مسأله ۶ ـ آب مضاف به آبی گفته می شود که آن را از چیز دیگر بگیرند مثل آب هندوانه و آب پرتقال

مسأله ۷ ـ آب مضاف نجاست را پاک نمی کند هرچند زیاد هم باشد و اگر ذره ای نجاست در آب مضاف بریزد تمام آب نجس می شود هر چند آن آب زیاد هم باشد

مسأله ۸ ـ آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند:

اوّل آن که مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را پاک نمی کند،

دوم آن که پاک باشد،

سوم آن که وقتی چیز نجس را می شویند، آب مضاف نشود وبو یا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد،

چهارم آن که بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد

پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کر شرطهای دیگری هم دارد که بعدا گفته می شود.

مسأله ۹ ـ ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، و شستن آن در آب کر و جاری یک مرتبه کافی است، ولی ظرفی را که سگ

لیسیده یا از آن ظرف آب یا چیز روان دیگر خورده، باید اوّل با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد یک مرتبه در آب کر یا جاری یا دو مرتبه با آب قلیل شست و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ درآن ریخته باشد.

مسأله ۱۰ ــ ظرف نجس را با آب قلیل دو گونه می شود آب کشید: ۱ــ آن که سه مرتبه پر کنند وخالی کنند، ۲ ــ آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

مسأله ۱۱ ــ اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می شود، و در فرش ولباس ومانند اینها فشار لازم نیست.

مسأله ۱۲ ــ اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند ابتدا یک مرتبه آب روی آن بریزند بطوریکه بول در آن چیز نماند و سپس دو مرتبه دیگر آب روی آن بریزند تا پاک شود ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید (وغساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می شود، خود بخود یابوسیله فشار می ریزد).

مسأله ۱۳ ــ اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که غذاخور نشده نجس شود و یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آب برسد پاک می شود

مسأله ۱۴ ــ اگر چیزی بغیر بول نجس شود، چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاک

می گردد و نیز اگر در دفعه اوّل که آب روی آن می ریزنـد نجاست آن برطرف شود و بعـد از برطرف شـدن نجاست هم آب روی آن بریزند پاک می شود ولی در هر دو صورت لباس ومانند آن را باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید.

مسأله ۱۵ _ هر چیز نجس، تـا عین نجـاست را از آن برطرف نکننـد پاک نمی شود، ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانـده باشد اشـکال ندارد، پس اگر خون را از لباس برطرف کنند ولباس را آب بکشـند ورنگ خون در آن بماند پاک می باشد، اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال بدهند که ذره های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.

مسأله ۱۶ _ غذای نجسی که لای دندانها مانده اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد پاک می شود.

مسأله ۱۷ _ اگر موی سر و صورت زیاد باشد و آب هم قلیل، احتیاطاً باید فشار دهند که غساله آن جدا شود.

۲ _ زمین

مسأله ۱: زمین با سه شـرط کف پا وته کفش نجس را پاک می کنـد: اوّل آن که زمین پاک باشد، دوم آن که خشک باشد ، سوم آن که اگر عین نجس مثـل خون و بول، یـا متنجس مثـل گلی که نجس شـده در کف پا و ته کفش باشـد، به واسـطه راه رفتن یا مالیدن پا بزمین برطرف شود، و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجرفرش ومانند اینها باشد و با راه رفتن

روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش پاک نمی شود.

مسأله ۲ ــ برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگرچه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

مسأله ۳ ــ اگر بعد از راه رفتن، بو یا رنگ یا ذره های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود ، در کف پا یا ته کفش بماند اشکال ندارد اگرچه احتیاط مستحب آن است که به قدری راه برود تا آنها برطرف شوند.

مسأله ۴ ــ توی کفش و مقداری از کف پا که بزمین نمی رسد، به واسطه راه رفتن پاک نمی شود و پاک شدن جوراب به واسطه راه رفتن محل اشکال است.

۳ ــ آفتاب

مسأله ۱ ــ آفتاب زمین و ساختمان و چیزهائی که مانند درب و پنجره، در ساختمان به کار برده شده و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده اند با پنج شرط پاک می کند:

اوّل آن که چیز نجس به طوری تر باشد ، که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود، پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند،

دوم آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب آن را برطرف کند،

سوم آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از

پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی شود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد،

چهارم آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند، پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد،

پنجم آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کندپس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند.

مسأله ۲ ـ در پاک شدن حصیر نجس بوسیله آفتاب اشکال است ولیکن درخت و میوه های آن و گیاه به واسطه آفتاب پاک می شود.

مسأله ۳ ـ اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شک کند که زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه، یا تری آب به واسطه آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است و همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.

۴ ـ استحاله

مسأله ۱ ـ اگر جنس عین نجس به طوری عوض شود که بصورت چیز پاکی در آید پاک می شود، و می گویند استحاله شده است، مثل آن که

سگ در نمکزار فرو رود و نمک شود ولی اگر جنس آن عوض نشود مثل آن که گندم نجس را آرد کننـد یا نان بپزند پاک نمی شود. لازم به ذکر است اگر چیزی که نجاست بر روی آن افتاده است، استحاله شود پاک شدن آن خالی از اشکال نیست و لذا به احتیاط واجب باید از آن اجتناب شود مثل آنکه چوب متنجس خاکستر شود .

مسأله ۲ _ چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.

۵ _ کم شدن دوسوم آب انگور

مسأله ۱ _ آب انگوری که به آتش جوشیده اگر آنقدر بجوشد که ۳۲ آن کم شود و یک قسمت آن باقی بماند حلال و پاک است بنابر نجاست آن ولی اگر بخودی خود جوش بیاید فقط به سرکه شدن حلال می شود بنابر احتیاط واجب.

مسأله ۲ _ آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یانه خوردنش حلال است.

مسأله ۳ _ اگر یک دانه انگور در چیزی که به آتش می جوشد بیفتد و بجوشد پاک است اگرچه خوردن آن حرام است.

مسأله ۴ _ چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید حرام نمی شود.

۶ _ انتقال

مسأله ۱ _ اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد،

یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می گردد و این را انتقال گویند، پس خونی که زالو از انسان می مکد چون خون زالو به آن گفته نمی شود و می گویند خون انسان است نجس است.

مسأله ۲ _ اگر کسی پشه ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه است پاک می باشد و همچنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزو بدن پشه حساب شود، امّا اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد، که بگویند خون انسان است، یا معلوم نباشد که جزو خون پشه است یا خون انسان، نجس می باشد.

۷ _ اسلام

مسأله ۱ _ اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید: « اشهد ان لا إله إلّا اللّه واشهد انّ محمّدا رسول اللّه »، مسلمان می شود و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است ولی اگر موقع مسلمان شدن، عین نجاست به بدن او بوده، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد، بلکه اگر پیش از مسلمان شدن عین نجاست برطرف شده باشد، اقوی آن است که جای آن را آب بکشد.

مسأله ۲ _ اگر موقعی که کافر بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد نباید آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او باشد و اگر

در بدن او باشد، باید از آنها اجتناب کند.

۸ _ تبعیّت

مسأله ۱ _ تبعیّت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود.

مسأله ۲ _ اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم پاک می شود، ولی اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن شراب از آن ظرف اجتناب کنند.

مسأله ۳ _ آب انگور اگر به آتش جوش بیاید و پیش از آن که دو قسمت از سه قسمت آن کم شود به جایی بریزد، بنابر احتیاط مستحب باید آنجا را آب بکشند، ولی ظرفی که آب انگور در آن جوش می آید و چیزهائی که مانند کفگیر برای پختن آب انگور بکار می رود، بعد از کم شدن دو قسمت آب انگور پاک می شود بنابر نجاست او، ولی گذشت که در جمیع صور پاک است.

مسأله ۴ _ تخته یا سنگی که روی آن میّت را غسل می دهند و پارچه ای که با آن عورت میّت را می پوشانند و دست کسی که او را غسل می دهد، بعد از تمام شدن غسل، پاک می شود.

مسأله ۵ _ کسی که چیزی را با دست خود آب می کشد، بعد از پاک شدن آن چیز، دست او هم پاک می شود.

مسأله ۶ _ اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته اند جدا شود، آبی که در آن می ماند پاکست.

۹ _ برطرف شدن عین نجاست

مسأله ۱ _ اگر بـدن حیوان به عین نجاست مثل خون، یا متنجّس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شونـد، بـدن آن حیوان پاک می شود و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی، مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهـان از بین برود، آب کشیـدن توی دهـان لازم نیست ولی اگر دنـدان عاریه در دهان نجس شود، بنابر احتیاط لازم باید آن را آب بکشند در صورتی که نجاست از خارج بوده باشد و امّا اگر نجاست داخلی باشد پاک است.

مسأله ۲ _ اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، و نداند خون به آن رسیده، آن غذا پاک است.

مسأله ۳ _ مقداری از لبها و پلک چشم که موقع بسـتن، روی هم می آید و نیز جایی را که انسان نمی داند از ظاهر بدن اسـت یا باطن آن، اگر نجس شود به واسطه از بین رفتن عین نجاست پاک می شود.

۱۰ _ استبراء حیوان نجاستخوار

مسأله ۱ _ بول و غائط حیوانی که بخوردن نجاست انسان عـادت کرده نجس است، و اگر بخواهنـد پـاک شود، بایـد آن را اسـتبراء کننـد یعنی تا مـدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاسـتخوار به آن نگویند، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهنـد، و بنـابر اقوی بایـد شتر نجاسـتخوار را چهل روز و گاو را بیست روز و گوسـفند را ده روز و مرغابی را پنـج روز و مرغ خانگی را سه روز، از خوردن نجاست

جلوگیری کننـد و غـذای پاک به آنها بدهنـد، و اگر بعد از این مدت باز هم نجاسـتخوار به آنها گفته شود بنابر احتیاط واجب باید تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاستخوار به آنها نگویند آنها را از خوردن نجاست منع نمایند.

۱۱ ـ غائب شدن مسلمان

مسأله ۱ ـ اگر بـدن یا لباس مسـلمان یا چیز دیگری کهماننـد ظرف و فرش در اختیار اوست، نجس شود و آن مسـلمان غائب گردد، بشرط آنکه احتمال پاک شدن آن را ولو بنحو اتفاق بدهد پاک است .

مسأله ۲ ـ اگر خود انسـان یقین کنـد که چیزی که نجس بوده پـاک شـده است، یـا دو عـادل و حـتی اگر یـک نفر هم که از حرف او اطمینان حاصل می شود به پاک شدن آن خبر دهند، آن چیز پاک است و همچنین است اگر کسی که چیز نجس در اختیـار اوست بگویـد آن چیز پاک شـده، اگر قرینه بر اتهام او در گفتارش نباشـد پاک است یا آن که مسـلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد، اگرچه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه پاک است.

۱۲ ـ انقلاب

مسأله ۱ ـ اگر شراب بخودی خود یا به واسطه آن که چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته اند سرکه شود، پاک می گردد.

مسأله ۲ ـ سرکه ای که از انگور و کشمش و خرمای نجس درست کنند نجس است.

استفتائات طهارت

سئوال ۱: آبهای مخلوط با کلر که از شیر خارج می شود چه حکمی دارد؟

جواب: حکم آب مطلق را دارد

سئوال ۲: آبی که در هنگام طهارت به بدن ترشّح می کند آیا پاك است یا نجس؟

جواب: بستگی به شرایط دستشویی ها دارد و معمولاً در توالت هایی که آب لوله کشی با شیلنگ نصب است ترشحات پاك می باشد مگر آنکه ذرات نجاست در آب باشد.

سئوال ۳: کف اتاقی که موزائیك و یا سیمانی است اگر نجس شد و با آب قلیل خواستیم پاك کنیم باید چند بار آب بریزیم و حکم غساله آن را بیان فرمائید؟

جواب: امکان پاك شدن کف اتاق موزائیکی و یا سیمانی با آب قلیل نیست مگر آنکه محدوده پخش شده نزدیک راه فاضلاب باشد که هر دفعه که شسته می شود آب آن داخل فاضلاب هدایت شود

سئوال ۴: در مواردی که شی ء متنجس احتیاج به تعدّد شستن دارد آیا موالات لازم است؟

جواب: موالات لازم نیست اما تا زمانیکه در مرتبه آخر آب نگرفته طهارت حاصل نمی شود

سئوال ۵: اگر کفش آدم نجس باشد آیا با راه رفتن روی برف

پاک می شود؟

جواب: پاک نمی شود

سئوال ۶: آیا ته کفش یا پای نجس با راه رفتن روی موزائیک و آسفالت پاک می شود؟

جواب: با راه رفتن روی موزائیک پاک می شود اما آسفالت آن را پاک نمی کند

سئوال ۷: شستن لباس بوسیله ماشینهای لباسشوئی تمام اتوماتیک چه صورتی دارد؟

جواب: اگر در حال حرکت گردونه به آب کرّ متصل باشد پاک می کند و الا پاک شدن لباس نجس بوسیله این نوع ماشینها مشکل است

احکام تخلّی (دستشویی)

سئوال ۱ ــ واجب است انسـان در همه حـال و همچنین در هنگـام تخلّی عـورت خود را از مکلّفین دیگر و همچنین از دیوانه و بچه های ممیّز که خوب و بد را می فهمند، بپوشاند

سئوال ۲ ــ واجب است که انسـان در هنگام تخلّی رو به قبله یا پشت به قبله نباشـد و برگردانـدن عورت به تنهایی کفایت نمی کند

سئوال ۳ ــ مخرج بول بـا غیر آب پاک نمی شود و در مورد آب کر و جاری اگر یک مرتبه بشوینـد کافیست ولی با آب قلیل باید دو مرتبه شسته شود

سئوال ۴ ــ با سـنگ و کلوخ وماننـد اینها اگر خشک و پاک باشـند می توان مخرج غائط را پاک کرد و بایـد عین غائط را از بین برد اما باقیماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد

احکام استبراء

سئوال ۵ _ استبراء عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می دهند برای آنکه یقین کنند بول در مجری نمانده است و صورت آن، بدین گونه است که بعد از بول سه دفعه با انگشت میان دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد انگشت شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

سئوال ۶ _ رطوبت هایی که از انسان خارج می شود بر چند قسم است:

۱ _ بول و منی که هر دو نجس هستند

۲ _ وَدْی که آن آبی است که بعد از بول بیرون می آید و کمی سفید و چسبنده است و آن پاک است مگر آنکه با بول نجس شود

۳ _ مَذْی و آن آبی است که هنگام ملاعبه و بازی با همسر بیرون می آید که پاک است گرچه مستحب است بعد از بیرون آمدن آن وضو بگیرد

۴ _ وَذْی که گاهی بعد از منی بیرون می آید و پاک است مگر بوسیله

منی نجس شود.

لازم بذکر است که این آب ها در صورتی پاک هستند که همراه با بول یا منی نباشند

استفتائات طهارت و استبراء

سئوال: بعضاً دیده می شود که بعد از بول و کمی فشار دادن مایع سفید رنگی شبیه منی از من خارج می شود آیا این مایع حکم منی را دارد و غسل واجب می شود؟

جواب: این مایع همان وَدْی است و پاک است و غسل هم ندارد مگر آنکه حالت فرد بگونه ای باشد که یقین کند منی از او خارج شده است که غسل دارد

نجاسات

مسأله ۱ _ نجاسات دوازده چیز است ۱ _ بول (ادرار) ۲ _ غائط (مدفوع) ۳ _ منی ۴ _ مردار ۵ _ خون ۶ و ۷ _ سگ و خوک ۸ _ کافر ۹ _ شراب ۱۰ _ فقاع ۱۱ و ۱۲ - عرق جنب از حرام و عرق شتر نجاستخوار

بول و غائط

مسأله ۲ _ بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد یعنی اگر رگ او را ببرند خون از آن جستن می کند، نجس است اما بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد و همچنین حیوانات کوچک همانند حشرات که گوشت ندارند پاک است

مسأله ۳ _ اگر حیوان حلال گوشتی نجاست خوار شود، ادرار و مدفوع او نجس است و همچنین حیوانی که انسان او را وطی کرده باشد

مسأله ۴ _ ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت همانند گاو و گوسفند پاک است

مردار

مسأله ۵ _ مردار به حیوانی گفته می شود که خودش مرده باشد و یا برخلاف دستور اسلام کشته شده باشد

مسأله ۶ _ مردار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است مثل ماهی اما اجزای حیواناتی که خون جهنده دارند چنانچه روح داشته باشد همانند گوشت و پوست نجس است ولی اگر روح نداشته باشد مثل مو و کرک و پشم پاک است

مسأله ۷ _ تمام اجزای بدن سگ و خوک نجس است خواه روح داشته باشد یا نداشته باشد

مسأله ۸ _ پوست های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده اگرچه آنها را بکنند پاک است اما بنابر احتیاط واجب از پوستی که موقع افتادن آن نرسیده ولی آن را کنده اند اجتناب شود

مسأله ۹ _ دواجات روان و عطر و روغن که از خارج می آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاک است و همچنین گوشت و پیه و چربی که در بازار مسلمین فروخته می شود پاک است حتی اگر بداند که آن مسلمان از دست کافر گرفته است مگر اینکه علم داشته باشد که آن حیوان ذبح شرعی نشده بوده و یا خودش مرده است.

مسأله ۱۰ _ بدن انسان مرده نجس است مگر آنکه در معرکه جنگ شهید شده باشد

احکام خون

مسأله ۱۱ _ خون حیواناتی که خون جهنده دارند نجس است اما

حیواناتی مثل ماهی که خون جهنده ندارند، خونشان پاک است

مسأله ۱۲ _ بنابر احتیاط واجب از تخم مرغی که ذره ای خون در آن است باید اجتناب کرد ولی اگر خون در زرده باشد تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده آن پاک است

مسأله ۱۳ _ خونی که از لای دندان بیرون می آید اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است و فرو بردن آن جایز است

مسأله ۱۴ _ اگر خون در غذایی که در حال جوشیدن است بیفتد تمام غذا را نجس می کند

مسأله ۱۵ _ زردآبه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود، پاک است مگر آنکه با خون مخلوط شده باشد

کافر

مسأله ۱۶ _ تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبت های او هم نجس است

مسأله ۱۷ _ کسی که با یکی از ائمه علیهم السلام دشمنی کند و یا دشنام دهد نجس است

مسأله ۱۸ _ کسی که پیغمبر یا یکی از ائمه علیهم السلام را انکار کند و یا یکی از امور بدیهی دین مثل نماز و روزه را انکار کند مرتدّ است و نجس می باشد

مسأله ۱۹ _ منکر یکی از ضروریات و بدیهیات دین مرتد محسوب

می شود که بدیهی بودن آن چیز در اسلام برای او آشکار شود و با توجه و علم آن چیز را انکار کند

شراب و فقاع

مسأله ۲۰ _ الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و امثال آن بکار می رود اگر انسان نداند که در آن از چیز مست کننده و روان استفاده شده است، پاک می باشد

مسأله ۲۱ _ اگر انگور و آب انگور بخودی خود یا به واسطه پختن جوش بیاید خوردن آن حرام است اما پاک می باشد.

مسأله ۲۲ _ خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند پاک هستند ولی خوردن آنها بنابر احتیاط واجب حرام است و علامت جوش آمدن آنها ترکیدن آن ها است

مسأله ۲۳ _ آب جو نجس است اما ماءالشعیر پاک است مشروط بر اینکه مست کننده نباشد

عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاستخوار

مسأله ۲۴ _ عرق جنب از حرام بنابر احتیاط واجب نجس است: چه در حال جماع بیرون آید یا بعد از آن، از مرد باشد یا از زن، از زنا باشد یا از لواط یا از وطی ونزدیکی کردن با حیوانات یا از استمناء. (واستمناء آن است که انسان باخود کاری کند که منی از او بیرون آید).

مسأله ۲۵ _ اگر انسان در موقعی که نزدیکی با زن حرام است مثلاً در

روزه ماه رمضان، و در زمان حیض، با زن خود نزدیکی کند، به احتیاط واجب از عرق خود اجتناب نماید.

راه ثابت شدن نجاست

مسأله ۲۶ _ نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود:

اوّل آن که خود انسان یقین کند چیز نجس است، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید بنابراین غذا خوردن در قهوه خانه ها و مهمان خانه هایی که مردان لا ابالی وکسانی که پاکی و نجاست را مراعات نمی کنند و در آنها غذا می خورند، اگر انسان یقین نداشته باشد، غذایی را که برای او آورده اند نجس است، اشکال ندارد.

دوم آن که کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگویند ظرف یا چیز دیگری که در اختیار اوست نجس می باشد.

سوم آن که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است و نیز اگر یکنفر عادل هم بگوید چیزی نجس است و از گفته او اطمینان حاصل شود بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کرد.

راه نجس شدن چیزهای پاك

مسأله ۲۷ _ اگر چیز پاك به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی بدیگری برسد چیز پاك نجس می شود و

اگر تری به قدری کم باشد که بدیگری نرسد، چیزی که پاک بوده نجس نمی شود.

مسأله ۲۸ ــ هرگاه شیره و روغن ومانند اینها طوری شل باشد که اگر مقداری از آن ملاقات با نجاست کرد وعرف جمیع آن را ملوث می بیند مثل روغن در تابستان، همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می شود ولی اگر غلیظ وسفت باشد مثل شیره و روغن در زمستان، فقط جایی که نجاست به آن رسیده، نجس می باشد پس اگر فضله موش در آن بیفتد جایی که فضله افتاده نجس وبقیه پاک است.

مسأله ۲۹ ــ اخلاطی که از بینی یا گلو می آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می باشد.

احکام نجاسات

مسأله ۳۰ _ نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فورا آن را آب بکشند.

مسأله ۳۱ _ دادن قرآن به کافر حرام وگرفتن قرآن از او واجب است در صورتی که موجب هتک یا نجاست آن بشود ولی اگر برای آگاهی بگیرد با حفظ شرائط، دادن به او حرام نیست و گرفتن هم واجب نمی باشد.

مسأله ۳۲ _ خوردن وآشامیدن چیز نجس حرام است و همچنین خورانیدن آن به دیگری بنابر احتیاط واجب حرام است واما خورانیدن آن به اطفال جائز است اگرچه ترک آن بنابر احتیاط مستحب بهتر است و اگر خود طفل غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، لازم نیست از او جلوگیری کنند.

مسأله ۳۳ _ اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است بنابر احتیاط باید به مهمانها بگوید؛ ولی اگر یکی از مهمانها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد، مگر مسبّب باشد.

مسأله ۳۴ _ نجس کردن تربت امام حسین علیه السلام اگر موجب هتک

حرمت و اهـانت شود حرام است و احتیاطـاً اگر ملاـحظه کرد که تربت امام حسـین علیه السـلام نجس شـده است آن را پاکیزه کند

استفتائات نجاسات

سئوال ۱: آیا پوششـی که روی زخم ها بوجود می آید و معمولاً از خون و ترشّـحات زخم تشـکیل شده است حکم نجاست را دارد یا خیر؟

جواب: در صورتی که یقین دارد خون است باید اجتناب نماید و در صورتی که پوشـش آن سـفت شده است و حالت پوسـت خشک شده را پیدا کرده است، پاک است.

سئوال ۲: خونابه ای که از زخم بعد از قطع شدن خون جمع می شود و بیرون می آید چه صورت دارد؟

جواب: در صورتیکه زخم پـاک نشـده باشـد خونـابه هم نجس است ولی اگر زخم پـاک شـده است و همراه آن خون نباشـد، پاک است.

سئوال ۳: اگر لباس شخصـی به منی، خون یا غائط نجس گردد سپس این شخص لباس را آب بکشد و بعد از طهارت به وسیله آب در محل نجاست لکه یا لکه هایی ببیند آن وقت شک کند که این عین نجاست است یا رنگ آن چه وظیفه ای دارد؟

جواب: باید وارسـی کند که اگر رنگ نجاست در آن باقی مانده باشد ولی عین نجس وجود ندارد، پاک است ولی اگر سفت باشد و لکه هایی از نجاست در آن باقی مانده نجس است.

سئوال ۴: آیا اهل کتاب نجس هستند و آیا می شود با آنها محشور و هم غذا شد؟

جواب: بنظر ما اهل کتاب نجس هستند و از مباشرت با آنها با رطوبت باید اجتناب نمود

سئوال ۵: آیا تارک الصلاه که عمداً نماز نمی خواند کافر هستند؟

جواب: تا زمانی که انکار نماز نکند مسلمان و پاک است

سئوال ۶: آیا علی اللهی نجس است؟ رفتن به خانه آنان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حقیقتاً حضرت علی علیه السلام را خدا بدانند نجس هستند و رفتن به خانه آنها باید با اجازه حاکم شرع باشد چون مالک نیستند.

سئوال ۷: آیا بهائیان پاک هستند یا نجس؟ آیا مالک هستند یا خیر؟

جواب: بهائیان کافر و نجس هستند و مالک هم نیستند و لذا اگر از آنها قصد خرید دارید باید با اجازه از حاکم شرع باشد

سئوال ۸: مجوس و صابئین را در چه گروهی از کفار می دانید و حکم نجاست یا طهارت آنان چیست؟

جواب: از نظر ما این دو گروه از اهل کتاب هستند و هر دو گروه نجس هستند.

سئوال ۹: آیا الکل نجس است؟

جواب: الکل طبیعی نجس است چون مست کننده است ولی الکل صنعتی اشکالی ندارد

سئوال ۱۰: آیا الکل که در انواع ادکلنها و عطرها و برخی رنگ ها و داروها بکار می رود پاک است؟

جواب: تا یقین به نجاست پیدا نکرده پاک است و ظاهراً الکل صنعتی به آن افزوده می شود که این قسم از الکل پاک است

سئوال ۱۱: استعمال ادکلنهایی که از خارج وارد می کنند و نمی دانیم از چه موادی ساخته شده چه حکمی دارد؟

جواب: پاک است

سئوال ۱۲: فضله لاک پشت و ماهی چه حکمی دارد؟

جواب: فضله لاک پشت و ماهی پاک است.

سئوال ۱۳: اگر بدن خیس عرق باشد و یک جائی از بدن نجس گردد آیا تمام بدن نجس می شود؟

جواب: اگر عرق جریان پیدا کند تا هرجا که جریان پیدا کرده و از روی نجس عبور کرده نجس است ولی اگر جریان پیدا نکرده فقط اطراف نجس، متنجّس است

وضو

برای بجا آوردن نماز درست و کامل شرائطی وجود دارد که یکی از آن شرائط، داشتن وضو است. البته در بعضی موارد لازم است انسان غسل کند همانطور در برخی موارد خواندن نماز با تیمّم هم کفایت می کند که به احکام اینها خواهیم پرداخت.

چگونه وضو بگیریم؟

مسأله ۱ ـ در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کشند.

مسأله ۲ ـ درازای صورت را باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می آید تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است، و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

مسأله ۳ ـ اگر احتمال دهد چرك یا چیز دیگری در ابروها و

گوشه های چشم و لب او هست که نمی گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید پیش از وضو وارسی کند که اگر هست برطرف نماید .

مسأله ۴ _ اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است ورساندن آب به زیر آن لازم نیست.

مسأله ۵ _ اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.

مسأله ۶ _ شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی شود واجب نیست

مسأله ۷ _ بایدصورت و دست ها را از بالا به پایین شست و اگر ازپایین به بالا بشویَد وضو باطل است.

مسأله ۸ _ اگردست را تر کند وبه صورت ودستها بکشد،چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست آب کمی بر آنها جاری شود کافی است.

مسأله ۹ _ بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

مسأله ۱۰ _ برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسأله ۱۱ _ کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را

بشوید وضوی او باطل است.

مسأله ۱۲ _ بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده است مسح کند و احتیاط واجب آن است که با باطن دست راست بوده باشد و احتیاط واجب آن است که مسح از بالا به پایین بوده باشد.

مسأله ۱۳ _ یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد، و هر جای این قسمت را به اندازه طول یک انگشت و عرض یک انگشت باید مسح کند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

مسأله ۱۴ _ لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید و اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر می رسد جلوی سرجمع کند وبر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.

مسأله ۱۵ _ بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند و احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح نماید.

مسأله ۱۶ _ احتیاط واجب آن است که تمام روی پا مسح شود.

مسأله ۱۷ _ در مسح پا دست را بر انگشتها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد و اگر تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد جائز است، ولی اوّلی موافق با احتیاط می باشد.

مسأله ۱۸ _ در مسح سر وروی پا باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسأله ۱۹ _ جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط تری از کف دست است اشکال ندارد.

مسأله ۲۰ _ اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از تری صورت و ابرو و مژگان وریش که داخل حد صورت است بگیرد و با آن مسح نماید.

مسأله ۲۱ _ اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح آن را آب بکشد باید تیمم نماید و احتیاط واجب آن است که جبیره هم نماید.

وضوی ارتماسی

مسأله ۱ _ وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آ ب فرو برد و یا آنها را اوّل در آب فرو برد و بعد به قصد وضو بیرون آورد و اگر موقعی که دستها را در آب فرو می برد، نیّت کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می شود به

قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است.

مسأله ۲ ـ اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی دهد اشکال ندارد.

شرائط وضو

شرائط صحیح بودن وضو سیزده چیز است:

شرط اول: آن که آب وضو پاک باشد.

شرط دوم: آن که مطلق باشد.

مسأله ۱ ـ اگر غیر از آب گل آلود مضاف آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است باید تیمّم کند و اگر وقت دارد واجب آن است که صبر کند تا آب صاف شود ووضو بگیرد.

شرط سوم: آن که آب وضو و بنابر احتیاط واجب فضائی که در آن وضو می گیرد مباح باشد.

مسأله ۲ ـ وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه حرام و باطل است و احوط آن است که محل ریزش آب وضو مباح باشد.

مسأله ۳ ـ کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند حوض آن را برای مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می خوانند، نمی تواند از حوض آن مسجد وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً

کسانی هم که نمی خواهند در آنجا نماز بخوانند از حوض آن مسجد وضو می گیرند، می تواند از آن حوض وضو بگیرد.

شرط چهارم وپنجم: آن که ظرف آب وضو مباح باشد و از طلا ونقره نباشد .

مسأله ۴ _ اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره است، و آب را از آنها بردارد وبصورت ودستها بریزد وضوی او صحیح است وامّا صحت وضو به نحو ارتماسی مشکل است.

شرط ششم: آن که اعضاء وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد .

مسأله ۵ _ اگر پیش از تمام شدن وضو جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است.

مسأله ۶ _ اگر غیر از اعضاء وضوجایی از بدن نجس باشد وضو صحیح است ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.

شرط هفتم: آن که وقت برای وضو و نماز کافی باشد.

مسأله ۷ _ هرگا وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمّم کند ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است باید وضو بگیرد.

شرط هشتم: آن که به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است .

شرط نهم: وضو را به ترتیبی که گفته شد بجا آورد و اگر به این ترتیب

وضو نگیرد باطل است.

شرط دهم: آن که کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.

مسأله ۸ _ اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد به شرط این که موالات عرفا به هم خورده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلّی است که می خواهد بشوید یا مسح کند، خشک شده باشد مثلاً موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید، رطوبت دست راست خشک شده باشد وصورت تر باشد وموالات به هم نخورده باشد وضو صحیح است، گرچه احتیاط مستحب آن است که وضو را باطل کند و از سر بگیرد.

مسأله ۹ _ راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند وضوی او صحیح است.

شرط یازدهم: آن که شستن اعضای وضو را خود انسان انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پا به او کمک نماید، وضو باطل است.

شرط دوازدهم: آن که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

شرط سیزدهم: آن که در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

مسأله ۱۰ _ اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند، و نیز اگر

ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

مسأله ۱۱ _ اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه باید وارسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده برطرف شده یا آب بزیر آن رسیده است

مسأله ۱۲ _ اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضاء وضو ببیند ونداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

احکام وضو

مسأله ۱ _ کسی که در کارهای وضو و شرائط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می کند، باید به شکّ خود اعتنا نکند.

مسأله ۲ _ اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه بنا می گذارد که وضوی او باقیست ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده ووضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر وضوی او باطل است.

مسأله ۳ _ کسی که می داند وضو گرفته وحدثی هم از او سر زده، مثلاً بول کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، چنانچه پیش از نماز است، باید وضو بگیرد، و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکند ووضو بگیرد، و اگر بعد از نماز است نمازی که خوانده صحیح است وبرای نمازهای بعد باید وضوبگیرد.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسأله ۱ ــ برای پنج چیز وضو گرفتن واجب است:

اوّل برای نمازهای واجب غیر از نماز میّت،

دوم برای سجده وتشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد و احتیاط واجب آن است که برای سجده سهو هم وضو بگیرد،

سوم برای طواف واجب خانه کعبه،

چهارم اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد،

پنجم برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده، یا بیرون آوردن آن از مستراح ومانند آن، در صورتی که مجبور باشد، دست یا جای دیگر بدن خود را بخط قرآن برساند، ولی چنانچه معطّل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن است، باید بدون این که وضو بگیرد، قرآن را از مستراح ومانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد.

مسأله ۲ ــ مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن بخط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است، و احتیاط استحبابی آن است که موی خود را هم بخطّ قرآن نرساند، ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مسّ آن اشکال ندارد.

مسأله ۳ ــ کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد مسّ نماید و احتیاط وجوبی آن است که اسم مبارک پیغمبر و ائمه علیهم السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام را هم مس ننماید.

مسأله ۴ ــ اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد،

وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است و اگر نزدیک وقت نماز به قصد مهیّا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد.

چیزهایی که وضو را باطل می کند

مسأله ۱ ـ هفت چیز وضو را باطل می کند:

اوّل بول،

دوم غائط،

سوم باد معده،

چهارم خوابی که به واسطه آن چشم نبیند وگوش نشنود ولی اگر چشم نبیند وگوش بشنود وضو باطل نمی شود،

پنجم چیزهائی که عقل را از بین می برد مانند: دیوانگی ومستی وبیهوشی،

ششم استحاضه زنان که بعدا گفته می شود،

هفتم کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند جبیره نامیده می شود.

مسأله ۱ ـ اگر در یکی از جاهای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است وآب برای آن ضرر ندارد، باید بطور معمولی وضو گرفت.

مسأله ۲ _ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت ودستها است وروی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، احتیاط واجب آن است که دست تر بر آن بکشد و احتیاط استحبابی آن است که بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد ودست تر را روی پارچه هم بکشد و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است ونمیشود آب کشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا ـ به پایین بشوید و بنابر احتیاط پارچه پاکی روی زخم بگذارد ودست تر روی آن بکشد، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست باید اطراف زخم را بشوید و بنابر احتیاط استحبابی تیمّم هم بنماید.

مسأله ۳ _ اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است وآب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند ووضو بگیرد، چه زخم ومانند آن در صورت ودستها باشد یا جلوی سر وروی پاها.

مسأله ۴ _ اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم وچیزی که روی آن گذاشته پاك است ورسانیدن آب بزخم ممکن است وضرر هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن ورساندن آب بروی زخم ممکن باشد، باید آن را آب بکشد وموقع وضو آب را بزخم برساند و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب بروی زخم ممکن نیست، یا زخم نجس است ونمیشود آن را آب کشید، باید

اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است باید روی آن را مسح کند و اگر جبیره نجس است، یا نمی شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً ـ دوایی است که به دست می چسبد، پارچه پاکی را به طوری که جزء جبیره حساب شود، روی آن بگذارد ودست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد به شستن اطراف آن و تیمّم هم بکند.

مسأله ۵ ــ اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جبیره ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمّم هم بنماید.

مسأله ۶ ــ اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره ای بگیرد وتیمّم هم بنماید.

مسأله ۷ ــ اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته وبرداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند، و به احتیاط واجب تیمّم هم نماید و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت ودستها است اطراف آن را بشوید و اگر در سر است اطراف آن را مسح کند و اگر روی پاها باشد اطراف آن را مسح کند وبرای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید.

مسأله ۸ ــ اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقّت دارد که نمی شود تحمّل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند، و بنابر احتیاط مستحبّ تیمّم هم بنماید.

مسأله ۹ ــ غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است و بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد.

مسأله ۱۰ ــ نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره ای خوانده صحیح است اگر عذرش تا آخر وقت مستمرّ باشد و اگر در اثناء وقت عـذرش برطرف شود اعاده با وضوء واجب است، و اگر بعـد از وقت عـذرش برطرف شـد، برای نمازهای بعد باید وضـو بگیرد.

استفتائات وضو

سئوال ۱: اگر در وضو گرفتن سـهواً دسـتها از پـایین به بالاـ شسـته شود چه حکمی دارد مثلاًـ از نوک انگشـتان به طرف آرنج شسته است؟

جواب: اگر سهواً انجام گیرد بشرط آنکه آب را دوباره از طرف آرنج به سر دست برساند وضو صحیح است

سئوال ۲: کشیدن مسح سر از پائین به بالا چه صورت دارد؟

جواب: بنظر ما به احتیاط واجب باید از بالا به پایین سر مسح شود

سئوال ۳: اگر روی اعضاء مسح کمی تری باشد آیا مسح کشیدن صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر تری دست بر پا یا سر غالب شود این مقدار رطوبت اشکال ندارد

سئوال ۴: اگر هنگام مسح کشیدن سر، رطوبت دست با صورت تماس پیدا کند چه صورت دارد؟

جواب: احتیاطاً دوباره وضو بگیرد

سئوال ۵: کسی که بعد از اتمام شستن دست چپ در وضو و قبل از اینکه مسح کند دست چپ او به دست راست تماس حاصل کند یا دست راست به دست چپ آیا می تواند با آن دست مسح کند

جواب: اگر آب سر دست غلبه کند به آب دست دیگر مسح اشکال ندارد ولی اگر آب دست بر آب سر دست دیگر غلبه کند مسح اشکال دارد و به احتیاط واجب نباید آب دست به دست دیگر برسد

سئوال ۶: در مکانهای عمومی یا صحن ائمه یا امامزادگان بعضی خانمها در کنار حوض در حضور نامحرم وضو می گیرند آیا وضوی آنها صحیح است.

جواب: وضو گرفتن در محلی که نامحرم زن را می بیند جایز نیست و وضو باطل است.

سئوال ۷: اگر وضو گرفتن زن منحصر به حضور نامحرم باشد تکلیف چیست؟

جواب: باید تیمم کند

سئوال ۸: اگر محل زخم بیش از حدّ معمول با پارچه بسته شده است آیا وضوی جبیره احتیاج به تیمّم هم دارد؟

جواب: بعد از وضوی جبیره باید تیمم هم انجام دهد.

سئوال ۹: اگر زخم در محل مسح سر باشد و امکان پاک کردن آن نیست وظیفه چیست؟

جواب: در صورتی که امکان مسح بر یکی از دو طرف سر امکان دارد باید بر آن طرف مسح کند و الاّ بر جبیره مسح نماید

سئوال ۱۰: اگر خون مردگی زیرپوست جمع شود چگونه باید وضو گرفت؟

جواب: لازم نیست خون را از زیرپوست خارج کند مگر آنکه پوست سوراخ شده باشد بطوری که خون زیرپوست موجب گردد اطراف آن نجس شود در این صورت باید خون را خارج کنند و اگر امکان نداشته باشد وضوی جبیره بگیرد.

سئوال ۱۱: آیا بستن شیر با توجه به اینکه شیر آب تر می باشد پیش از تمام شدن شستن دست چپ در صحت وضو اشکالی وارد می کند یا خیر؟

جواب: در صورتی که تری دست غلبه بر آب شیر کند اشکالی ندارد گرچه خلاف احتیاط است

سئوال ۱۲: آیا رنگ خودکار و قلم و لکه های رنگ و چربی مانع از وضو می باشد؟

جواب: اگر رنگ خودکار و امثال آن دارای جرم باشد و روی پوست را گرفته باشد مانع وضو هست و باید برطرف شود والا مانع وضو نیست

سئوال ۱۳: وضو گرفتن در زیر باران چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه برای او امکان دارد که زیر سقف برود یا باران بحدی کم است که آب وضو بر آب باران غلبه می کند وضوی او صحیح است ولی اگر باران شدید باشد بطوریکه بر آب وضو غلبه کند باید در همان حال وضو بگیرد و نیت کند و احتیاطاً بعد از آن تیمم هم بکند.

غسل

غسلهای واجب هفت است اوّل غسل جنابت، دوّم غسل حیض، سوم غسل نفاس، چهارم غسل استحاضه، پنجم غسل مس میت، ششم غسل میت، هفتم غسلی که بواسطه نذر و قسم واجب می شود.

احکام جنابت

مسأله ۱ _ به دو چیز انسان جنب می شود: اوّل: جماع، دوم: بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار.

مسأله ۲ _ اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و از بیرون آمدن آن، بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی ندارد ولی در مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آید و در موقع بیرون آمدن بدن سست شود، در حکم منی است.

مسأله ۳ ــ اگر از مردی که مریض نیست آبی بیرون آید که یکی از سه نشانه ای را که در مسأله پیش گفته شد داشته باشد و نداند نشانه های دیگر را داشته یا نه، چنانچه استبراء از بول نکرده باشد و وضو هم داشته و رطوبت هم خارج شود وضو لازم است و اگر وضو نداشته باز وضو کفایت می کند و غسل لازم نیست و چنانچه استبراء از بول نموده باشد با داشتن وضو چیزی برای او لازم نیست و با نداشتن وضو تنها اکتفا بوضوء می شود امّا اگر استبراء کرده و یقین دارد رطوبتی که از او خارج شده یا بول است یا منی باید احتیاط کند بجمع بین غسل و وضو .

مسأله ۴ ــ اگر نعوذ باللّه حیوانی را وطی کند، یعنی با او نزدیکی نماید ومنی از او بیرون آید غسل تنها کافی است، و اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از وطی وضو داشته باز هم غسل تنها کافی است، و اگر وضو نداشته احتیاط واجب آن است که غسل کند، و وضو هم بگیرد.

مسأله ۵ ــ اگر منی از جای خود حرکت کند وبیرون نیاید، یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

مسأله ۶ ــ اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود اوست وبرای آن غسل نکرده، باید غسل کند ونمازهایی را که یقین دارد، بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند، ولی نمازهایی که احتمال می دهد، بعد از بیرون آمدن منی خوانده لازم نیست قضا نماید.

چیزهایی که بر جنب حرام است

مسأله ۱ ــ پنج چیز بر جنب حرام است:

اوّل رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن، یا باسم خدا و بنابر احتیاط واجب باسم پیغمبران وامامان علیهم السلام وحضرت زهراء علیهاالسلام ، به طوری که در وضو گفته شد،

دوم رفتن در مسجد الحرام ومسجد پیغمبر اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود،

سوم توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد وحرم امامان بنابر احتیاط واجب ملحق به مسجد النّبی است و در رواق امامان هم مکث به احتیاط واجب جایز نیست،

چهارم گذاشتن چیزی در مسجد،

پنجم خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است: اوّل سوره سی ودوم قرآن (الم تنزیل)، دوم سوره چهل ویکم (حم سجده)، سوم سوره پنجاه وسوم (والنجم)، چهارم سوره نود وششم (اقرء) و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است و حتی بسم اللّه را هم اگر به نیّت این سوره ها بخواند حرام است .

چیزهائی که بر جنب مکروه است

مسأله ۱ ــ نه چیز بر جنب مکروه است:

اوّل و دوم خوردن وآشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد و یا استنشاق ومضمضه نماید یا دستها را بشوید مکروه نیست،

سوم خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب

ندارد، بلکه بهتر ترک قرائت قرآن است،

چهارم رساندن جایی از بدن به جلد وحاشیه وبین خطهای قرآن، پنجم همراه داشتن قرآن

ششم خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، بدل از غسل تیمّم کند مکروه نیست،

هفتم خضاب کردن بحنا ومانند آن، هشتم مالیدن روغن به بدن،

نهم جماع کردن بعد از آن که محتلم شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.

غسل جنابت

مسأله ۱ _ غسل جنابت بخودی خود مستحبّ است وبرای خواندن نماز واجب ومانند آن واجب می شود، ولی برای نماز میّت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

مسأله ۲ _ لازم نیست در وقت غسل نیّت کند که غسل واجب یا مستحبّ می کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافیست.

مسأله ۳ _ اگر یقین کند وقت نماز شده و نیّت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است.

احکام غسل

غسل خواه مستحب باشد یا واجب به دو صورت می توان انجام داد:

۱ ــ ترتیبی ۲ ــ ارتماسی:

۱ ــ غسل ترتیبی: باید به نیت غسل اوّل سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ بدن را بشوید.

۲ ــ غسل ارتماسی: باید به نیت غسل ارتماسی در آب فرو رود بطوریکه آب تمام بدن را فراگیرد ولو تدریجاً

مسأله ۱ ــ اگر عمداً یا از روی فراموشی یا بواسطه ندانستن مسئله غسل ترتیبی را به صورت بالا نگیرد از جایی که مخالفت ترتیب را نموده باید از همان جا اعاده کند.

مسأله ۲ ــ اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته ونداند کجای بدن است، باید دوباره غسل کند.

مسأله ۳ ــ اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافی است و اگر از طرف راست باشد باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید، و اگر سر وگردن باشد باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

مسأله ۴ ــ اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است ولی اگر در شستن مقداری از طرف راست شک کند، در حال شستن طرف چپ بنابر احتیاط واجب ، اعتنا به آن شک بنماید و همچنین است اگر شک در شستن عضوی بعد از داخل شدن در شستن عضو دیگر کند که به آن شک اعتنا بنماید و آن عضو را بشوید.

مسأله ۵ ـ اگر به نیت غسل ارتماسی در آب فرو رود چنانچه پای او روی زمین باشد باید از زمین بلند کند.

مسأله ۶ ـ در غسل ارتماسی لازم است هنگام نیّت مقداری از بدن بیرون آب باشد .

مسأله ۷ ـ اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

مسأله ۸ ـ کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، نمی تواند غسل ارتماسی بکند و همچنین کسی که روزه واجب گرفته نمی تواند غسل ارتماسی کند ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.

مسأله ۹ ـ در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاك باشد ولی در غسل ترتیبی پاك بودن تمام بدن لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است.

مسأله ۱۰ ـ کسی که از حرام جنب شده اگر بخواهد با آب گرم غسل کند عرق می کند و چون عرق او بنابر احتیاط واجب نجس است، باید با آب سرد غسل کند و اگر آب سرد پیدا نکند یا برای او ضرر داشته باشد نمی تواند در بیرون از آب غسل ترتیبی کند ولی می تواند بعد از آن که تمام بدن زیر آب رفته باشد نیّت غسل ترتیبی کند و به نیّت سر و گردن بدن را حرکت دهد بعد یك مرتبه به نیّت طرف راست و مرتبه دیگر به نیّت طرف چپ بدن را حرکت دهد که در اینصورت غسل او صحیح است .

مسأله ۱۱ _ جایی که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، بنابر احتیاط واجب باید بشوید.

مسأله ۱۲ _ چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند و اگر پیش از آن که یقین کند برطرف شده غسل نماید، غسل او باطل است.

مسأله ۱۳ _ در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید وشستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشوند، غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد باید آنها را بشوید تا آب به بدن برسد.

مسأله ۱۴ _ تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل: پاک بودن آب وغصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فورا قسمت دیگر را بشوید بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدّتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد.

مسأله ۱۵ _ اگر شک کند که غسل کرده یا نه باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسأله ۱۶ _ اگر در بین غسل، حدث اصغر از او سر زند مثلاً بول کند، غسل را رها کند و دوباره غسل نماید و وضو هم بگیرد و یا آن که

آن غسل را تمام کند و دوباره بنابر احتیاط واجب غسل کند به قصد تمام یا اتمام و بعد از آن وضو هم بگیرد و احتیاطاً غسل دوم را مثل اوّل در ترتیبی و ارتماسی بودن انجام دهد .

مسأله ۱۷ _ کسی که چند غسل بر او واجب است می تواند به نیّت همه آنها یک غسل بجا آورد، و اگر یکی از آنها غسل جنابت بوده وقصد غسل جنابت را به تنهایی بنماید کافی است ووضو لازم نیست و اگر غیر از جنابت را قصد کند باز کافی است ولیکن بنابر احتیاط وضو هم بگیرد.

مسأله ۱۸ _ اگر بر جایی از بدن، آیه قرآن یا اسم خداوند تعالی نوشته شده باشد، بنابر احتیاط واجب اگر ممکن است باید آن را از بین ببرد و اگر ممکن نیست ، باید وضو وغسل را ارتماسی انجام دهد، و چنانچه بخواهد وضو یا غسل راترتیبی بجا آورد، باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

مسأله ۱۹ _ کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسلهای دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

استحاضه

یکی از خونهایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است و در بعضی صور زن باید غسل استحاضه انجام دهد

مسأله ۱ _ خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ وسرد است وبدون فشار و سوزش بیرون می آید وغلیظ هم نیست ولی ممکن

است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار وسوزش بیرون آید.

مسأله ۲ _ استحاضه سه قسم است: قلیله ومتوسّطه و کثیره، استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه ای را که زن داخل فرج می نماید آلوده کند و در آن فرو نرود، استحاضه متوسّطه آن است که خون در پنبه فرو رود، اگرچه در یک گوشه آن باشد، ولی از پنبه به دستمالی که معمولاً زنها برای جلوگیری از خون می بندند، نرسد، استحاضه کثیره آن است که خون پنبه را بگیرد و به دستمال هم برسد.

توجه: تفصیل احکام زن مستحاضه و اقسام آن را در رساله مشاهده فرمایید

حیض

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن باید بعد از پاک شدن از خون حیض، غسل حیض را انجام دهد.

مسأله ۱ _ خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ وگرم ورنگ آن سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید.

مسأله ۲ _ زنهای قرشیّه بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند، یعنی خون حیض نمی بینند و زنهایی که قرشیّه نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند.

مسأله ۳ _ خونی که دختر پیش ازتمام شدن نه سال و زن بعد از

یائسه شدن می بیند حیض نیست.

مسأله ۴ ـ دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد حیض نیست، و اگر نشانه های حیض را داشته باشد، حیض است ومعلوم می شود نه سال او تمام شده است.

مسأله ۵ ـ مدّت حیض کمتر از سه روز وبیشتر از ده روزنمی شود، و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست.

مسأله ۶ ـ باید سه روز اوّل حیض پشت سر هم باشد، پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند ویک روز پاک شود ودوباره یک روز خون ببیند، حیض نیست.

مسأله ۷ ـ لازم نیست درتمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج خون باشد کافی است، و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود ومدّت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده، باز هم حیض است.

مسأله ۸ ـ چند چیز بر حائض حرام است:

اوّل عبادت هایی که مانند نماز باید با وضو یاتیمّم بجا آورده شود ولی بجا آوردن عبادت هایی که وضو و غسل و تیمّم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میّت مانعی ندارد،

دوم تمام چیزهائی که بر جنب حرام و در احکام جنابت گفته شد، سوم جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگرچه به مقدار ختنه گاه داخل شود ومنی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط

واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و جواز وطی در دُبُر زن حائض محلّ اشکال است .

توجه: تفصیل احکام حیض و تقسیمات آن را در رساله مشاهده فرمایید

نفاس

مسأله ۱ ـ از وقتی که اوّلین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید، هر خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود خون نفاس است و زن را در حال نفاس، نفساء می گویند و وقتی زن از خون نفاس پاک شد باید غسل کند و عبادتهای خود را بجا آورد.

مسأله ۵۱۶ ـ ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود.

توجه: تفصیل احکام نفاس را در رساله مشاهده فرمایید

غسل مسّ میّت

مسأله ۱ ـ اگر کسی بدن انسان مرده را که سرد شده وغسلش نداده اند مسّ کند یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند باید غسل مسّ میّت نماید، چه در خواب مسّ کند چه در بیداری، با اختیار مسّ کند یا بی اختیار حتّی اگر ناخن واستخوان او به ناخن و استخوان میّت برسد باید غسل کند، ولی اگر حیوان مرده ای رامسّ کند غسل بر او واجب نیست.

مسأله ۲ _ برای مسّ مرده ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست اگرچه جایی را که سرد شده مسّ نماید.

مسأله ۳ _ اگر موی خود را به بدن میّت برساند یا بدن خود را به موی میّت یا موی خود را به موی میّت برساند، غسل واجب نمی شود این حکم در هر سه مورد در صورتی است که موی نازک چسبیده به بدن نباشد.

مسأله ۴ _ اگر از بدن زنده ای قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن که آن قسمت را غسل دهند، انسان آن را مسّ نماید، بنابر احتیاط واجب غسل مسّ میّت کند و اگر عضو قطع شده از میّت باشد واجب است غسل مسّ میّت نماید. ولی اگر قسمتی که جدا شده، استخوان نداشته باشد برای مسّ آن، غسل واجب نیست در صورتی که از بدن زنده باشد.

مسأله ۵ _ برای مسّ استخوانی که گوشت ندارد و آن را غسل نداده اند، اگر از مرده جدا شده باشد، بنابر احتیاط واجب باید غسل کرد و همچنین است برای مسّ دندانی که از مرده جدا شده، در صورتی که آن مرده را غسل نداده باشند و اگر استخوانی از زنده جدا شده باشد مسّ او غسل ندارد و همچنین برای مسّ دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، یا گوشت آن خیلی کم است، غسل واجب نیست.

مسأله ۶ _ غسل مسّ میّت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند ولی کسی که غسل مسّ میّت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند بنابر احتیاط واجب باید وضو هم بگیرد.

مسأله ۷ ـ اگر چند میّت را مسّ کند یا یک میّت را چند بار مسّ نماید، یک غسل کافی است.

مسأله ۸ ـ برای کسی که بعد از مسّ میّت غسل نکرده است، توقّف در مسجد وجماع وخواندن سوره هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد ولی برای نماز ومانند آن باید غسل کند و بنابر احتیاط واجب وضو هم بگیرد.

استفتائات غسل

سئوال ۱: اگر شخصی در وسط غسل بول کرد آیا غسل او صحیح است یا خیر و اگر صحیح است آیا با همان غسل می شود نماز خواند یا باید وضو گرفت ضمناً اگر دوباره غسل کند آیا می توان با آن غسل بدون وضو نماز خواند یا خیر؟

جواب: باید غسل را تمام کند و یک غسل دیگر هم انجام دهد و وضو هم بگیرد

سئوال ۲: کسی که شک دارد آیا غسلش را صحیح انجام داده یا نه چه وظیفه ای دارد؟

جواب: اگر بعد از فراغ از غسل باشد غسلش صحیح است و اگر در اثناء باشد باید دوباره غسل کند

سئوال ۳: اگر کسی غسل جنابت را انجام داد و بعد از مدتی متوجه شد که طرف راست او مانعی از رسیدن آب داشت و بعد از غسل هم حدث اصغری مثل بول از او سر زده وظیفه او چیست؟

جواب: باید آن موضع و ما بعد آن را به نیت غسل بشوید و برای نماز وضو هم بگیرد

سئوال ۴: شخصی که بعد از نماز صبح جنب می شود و امکان غسل کردن هم دارد ولی تا ظهر غسل را به تأخیر می اندازد آیا تأخیر او حرام است یا خیر؟

جواب: واجب نیست که فوراً غسل را انجام دهد

سئوال ۵: آیا فرد جنب می تواند ادعیه و زیارات و توسلات را بخواند یا باید اوّل غسل کند؟

جواب: اشکالی ندارد اما اگر آیه ای از سوره های دارای سجده واجبه در دعا و زیارت او هست نمی تواند آن را قرائت کند مثلاً در دعای کمیل آیه «افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً» را نخواند البته اگر با غسل دعا خوانده شود امری پسندیده و خوب است و سعی شود با حالت جنابت دعا خوانده نشود.

سئوال ۶: آیا بیرون آمدن منی بدون شهوت و بی اختیار و بدون جستن و سست شدن بدن غسل دارد؟

جواب: اگر منی بعد از جنابت در مجرا مانده و استبراء هم نکرده است غسل دارد و در غیر این صورت غسل ندارد

سئوال ۷: اگر کسی غسل مس میّت به عهده دارد ولی فراموش کرد و در این بین غسل واجب دیگری مثل غسل جنابت انجام داد آیا کفایت از غسل مس میت می کند؟

جواب: بعید نیست که کفایت کند

سئوال ۸: آیا فقط مسّ میت مسلمان موجب غسل است یا هر میتی ولو کافر یا مشرک باشد؟

جواب: غسل مسّ میت واجب است و فرقی بین مسلمان و غیر آن نیست

تیمّم

تیمّم بر دو قسم است ۱ ــ تیمّم بدل از وضو ۲ ــ تیمّم بدل از غسل

مسأله ۱ ــ در تیمّم بدل از وضو چهار چیز واجب است:

اوّل نیّت،

دوم زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم به آن صحیح است، سوم کشیدن تمام کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا ابروها وبالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود،

چهارم کشیدن تمام کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن تمام کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

مسأله ۲ ــ در تیمّم بدل از غسل، بعد از آن که نیّت کرد و به دستوری که در مسأله پیش گفته شد، دستها را به زمین زد و به پیشانی وپشت دستها کشید، به احتیاط واجب باید یک مرتبه دیگر دستها را به زمین بزند و به پشت دستها بکشد و احتیاط آن است که تیمّم را چه بدل از وضو باشد چه بدل از غسل، به این ترتیب بجا آورد: یک مرتبه دستها را

به زمین بزند و به پیشانی وپشت دستها بکشد ویک مرتبه دیگر به زمین بزند وپشت دستها را مسح نماید.

موارد لزوم تیمّم

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمّم کرد

اول: آنکه تهیه آب بقدر وضو یا غسل ممکن نباشد

مسأله ۳ _ اگر وقت نمازتنگ باشد، یا از دزد ودرنده بترسد، یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمّل کند، جستجو لازم نیست.

مسأله ۴ _ اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود، معصیت کرده ولی نمازش با تیمّم صحیح است و احتیاط مستحبّ آن است که قضا نماید خصوصا اگر علم پیدا کند که اگر جستجو می کرد، آب پیدا می نمود.

مسأله ۵ _ کسی که یقین دارد آب پیدا نمی کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد، نمازش باطل است.

مسأله ۶ _ اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، اگر وقت باقی است به احتیاط واجب باید اعاده کند ولی اگر وقت تمام شده قضا واجب نیست .

مسأله ۷ _ کسی که یقین دارد وقت نماز تنگ است، اگر بدون

جستجو با تیمّم نماز بخواند، و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته، احتیاط واجب آن است که دوباره نمازش را بخواند.

مسأله ۸ _ اگر پیش از وقت نماز، وضو داشته باشد وبداند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیّه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، احتیاط واجب آن است که آن را باطل نکند.

مسأله ۹ _ کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد ومیداند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد.

دوّم: آنکه به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور یا نداشتن وسیله برای آب کشیدن از چاه دسترسی به آب نداشته باشد.

سوّم: آنکه از استعمال آب بر جان خود بترسد یا بترسد که مریض شود یا مرضش طولانی شود که باید تیمّم کند

مسأله ۱۰ _ اگر آب گرم برای او ضرر ندارد باید با آب گرم وضو یا غسل را بگیرد

مسأله ۱۱ _ کسی که مبتلا به درد چشم است وآب برای او ضرر دارد، باید تیمّم نماید.

مسأله ۱۲ _ کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو وغسل او صحیح است، ولکن بنابر احتیاط مستحبّ اعاده نماید.

چهارم: آنکه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خود یا خانواده او یا رفقای او یا حتی مرکب سواری او تلف شوند و یا به مشقّت شدید بیفتند که در این صورت باید تیمّم کند

پنجم: کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمّم نماز بخواند

ششم: اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است مثل ظرف غصبی، آب یا ظرف دیگری ندارد، باید تیمّم کند

هفتم: اگر وقت تنگ باشد بطوریکه اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام یا مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود باید تیمم کند

مسأله ۱۳ _ اگر عمدا نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمّم صحیح است، اگرچه احتیاط اکید آن است که قضای آن نماز را بخواند.

مسأله ۱۴ _ اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد، یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبّی آن مثل اقامه وقنوت بخواند، باید غسل یا وضو بگیرد ونماز را بدون کارهای مستحبّی آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

چیزهائی که تیمّم به آنها صحیح است

مسأله ۱۵ _ تیمّم بخاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است، ولی

احتیاط مستحبّ آن است که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگری تیمّم نکند.

مسأله ۱۶ _ تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است ولی تیمّم به گچ و آهک پخته، بنابر احتیاط ، اشکال دارد، و در صورتی که غیر از آنها ندارد احتیاط واجب این است که تیمّم به آنها بنماید و نماز بخواند و بعد هم قضا نماید ، و تیمّم به سنگ معدن مثل سنگ عقیق باطل می باشد.

مسأله ۱۷ _ کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است، باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید، و اگر چیزی که تیمّم به آن صحیح است ندارد، احتیاط واجب آن است که با برف یا یخ اعضاء وضو یا غسل را نمناک کند، و اگر این هم ممکن نیست به یخ یا برف تیمّم نماید، ولی در دو صورت اخیر نمازی را که خوانده باید قضا کند.

مسأله ۱۸ _ اگر با خاک وریگ، چیزی مانند کاه که تیمّم به آن باطل است مخلوط شود، نمی تواند به آن تیمّم کند ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ، از بین رفته حساب شود، تیمّم به آن خاک و ریگ صحیح است.

مسأله ۱۹ _ چیزی که بر آن تیمّم می کند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمّم به آن صحیح است ندارد، بنابر احتیاط واجب نماز را بدون تیمّم بخواند و بعد هم قضای آن را بجا آورد.

مسأله ۲۰ _ اگر یقین داشته باشد که تیمّم به چیزی صحیح است و با

آن تیمّم نماید، بعد بفهمد تیمّم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمّم خوانده باید دوباره بخواند.

مسأله ۲۱ ــ چیزی که بر آن تیمّم می کند ومکان آن چیز، باید غصبی نباشد، پس اگر بر خاك غصبی تیمّم کند، یا خاکی را که مال خود اوست بی اجازه در ملك دیگری بگذارد وبر آن تیمّم کند تیمّم او باطل می باشد.

احکام تیمّم

مسأله ۲۲ ــ اگر مختصری از پیشانی وپشت دستها را هم مسح نکند، تیمّم باطل است چه عمدا مسح نکند یا مسأله را نداند یا فراموش کرده باشد، ولی دقّت زیاد هم لازم نیست وهمینقدر که بگویند تمام پیشانی وپشت دست مسح شده کافی است.

مسأله ۲۳ ــ برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

مسأله ۲۴ ــ پیشانی وپشت دستها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد، که نگویند تیمّم می کند باطل است.

مسأله ۲۵ ــ در تیمّم باید پیشانی وکف دستها وپشت دستها پاك باشد و اگر کف دست نجس باشد ونتواند آن را آب بکشد، اگر نجاست او مسری نباشد بنابر احتیاط واجب تیمّم را با کف دست نجس و

همچنین با پشت دست مسح نماید، و اگر مسری باشد تیمّم به پشت دست کافی است.

مسأله ۲۶ ـ انسان باید برای تیمّم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها مانعی باشد مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نماید.

مسأله ۲۷ ـ اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است وپارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمّم به آن صحیح است بزند و به پیشانی وپشت دستها بکشد.

مسأله ۲۸ ـ اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمّم کرده یا نه، تیمّم او صحیح است.

مسأله ۲۹ ـ کسی که وظیفه اش تیمّم است بنابر احتیاط واجب نمی تواند پیش از وقت نماز برای نماز تیمّم کند، ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبّی تیمّم کند وتا وقت نماز عذر باقی باشد، اگر مأیوس از پیدا کردن آب باشد، می تواند با همان تیمّم نماز بخواند.

مسأله ۳۰ ـ اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمّم کند، بعد از برطرف شدن عذر تیمّم او باطل می شود.

مسأله ۳۱ ـ چیزهائی که وضو را باطل می کند، تیمّم بدل از وضو را هم باطل می کند وچیزهائی که غسل را باطل می نماید، تیمّم بدل از غسل را هم باطل می نماید.

مسأله ۳۲ _ اگر بـدل از غسـل جنابت تیمّم کنـد، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد ولی اگر بـدل از غسـلهای دیگر تیمّم کند باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمّم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

استفتائات تیمّم

سئوال ۱: شخصی که چشمش را عمل کرده که هم آب برای آن ضرر دارد و هم تیمّم مضرّ است چه وظیفه ای دارد؟

جواب: اگر نمی تواند وضو و حتی تیمّم کند باید نماز را بخواند و بعد هم قضا نماید

سئوال ۲: آیا با تیمّم بدل از غسل می شود قرآن را لمس کرد و وارد مسجد شد؟

جواب: اگر عـذر او فقط برای یک روز باقی است احتیاطاً از مسّ کتاب و دخول در مسـجد اجتناب نمایـد و اگر عذر او ادامه دار باشد اشکال ندارد.

سئوال ۳: در ماه رمضان فردی عمـداً غسل نمی کنـد تا وقت تنگ شود سـپس تیمّم می کنـد و تا طلوع آفتاب کاری که مبطل طهارت باشد انجام نمی دهد آیا با تنگی وقت می شود با همین تیمم نماز خواند یا خیر؟

جواب: با آن تیمّم نمی توانـد نماز بخوانـد و بایـد غسل کنـد و اگر از غسل کردن هم معـذور است باید مجدّداً تیمّم کند مگر آنکه عذرش از اول که تیمم کرده تا وقت تنگی نماز باقی بوده باشد

سئوال ۴: آیا تیمم بر موزائیک و سنگ مرمر صحیح است؟

جواب: تیمم بر سنگ مرمر اشکال ندارد اما تیمم بر موزائیک صحیح نیست

سئوال ۵: آیا به جهت کسالت و تنبلی می توان بجای غسل تیمم نمود یا خیر؟

جواب: صحیح نیست مگر آنکه وقت تنگ شود

سئوال ۶: اگر کسی تا به حال تیمم را اشتباه می گرفته آیا باید نماز و روزه های خود را قضا کند؟

جواب: باید اعمالی را که با آن تیمم اشتباه انجام گرفته، قضا کند

سئوال ۷: اگر کسی نمازش را با تیمّم بخواند و بعداً معلوم شود که وقت برای وضو یا غسل داشته نمازش چه صورت دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نماز را اعاده کند.

نماز

نماز مهمترین دستور دینی است که اگر قبول درگاه خداوند شود عبادتهای دیگر هم قبول می شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی شود حضرت صادق علیه السلام فرمودند: محبوبترین اعمال در نزد خداوند نماز است و آن آخرین وصایای پیغمبران خدا است و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند هر چیزی را چهره ای است و چهره دین شما نماز است و سعی کنید کمال و زیبایی این چهره را حفظ کنید

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است اول: نمازهای یومیّه دوم: نماز آیات سوم: نماز میّت چهارم: نماز طواف واجب خانه کعبه پنجم: نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است ششم: نمازی که بواسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود

نمازهای واجب یومیه

نمازهای واجب یومیه پنج است

نماز ظهر و عصر که هر کدام چهار رکعت است

نماز مغرب سه رکعت است

نماز عشا چهار رکعت است

نماز صبح دو رکعت است

مسأله ۱ _ در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرائطی که گفته می شود دو رکعت خواند.

وقت نمازهای یومیّه

مسأله ۲ _ وقت نماز صبح از طلوع فجر تا طلوع آفتاب است و وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا مغرب است و وقت نماز مغرب و عشا از مغرب تا نصف شب است

طلوع فجر

نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول گویند و هنگامی که آن سفیده پهن شد فجر دوّم و ابتدای وقت نماز صبح است.

ظهر شرعی

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می کند سایه آن به طرف مغرب می افتد و هرچه آفتاب بالا می آید سایه کم می شود و وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و

رو به افزایش گذاشت ظهر شرعی است که ابتدای وقت نماز ظهر است.

مغرب

مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر بگذرد.

نیمه شب

برای محاسبه نیمه شب که پایان وقت نماز عشا است احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب تا اذان صبح را دو نیم کنیم.

احکام اوقات نماز

مسأله ۱ _ نماز ظهر وعصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند.

وقت مخصوص نماز ظهر از اوّل ظهر است تاوقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد، که اگر کسی سهوا تمام نماز عصر را در این وقت بخواند، نمازش صحیح است ولی احتیاطا یک نماز چهار رکعتی به قصد ما فی الذمّه بخواند وقصد ظهر وعصر را بالخصوص ننماید ووقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد، که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر رابخواند، ومابین وقت مخصوص نماز ظهر ووقت مخصوص نماز عصر، وقت

مشترک نماز ظهر ونماز عصر است، که اگر کسی در این وقت اشتباها تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بعد از آن بجا آورد.

مسأله ۲ _ اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهوا مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد باید نیّت را به نماز ظهر برگرداند یعنی نیّت کند که آنچه که تا بحال خوانده ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آن که نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند، و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد والتفات هم در وقت مختص بوده نماز صحیح است و بعد عمل کند به آنچه در مسأله قبل گفته شد و اگر التفات در وقت مشترک بوده، اگرچه شروع در نماز، در وقت مختصّ به ظهر باشد عدول صحیح است.

مسأله ۳ _ نماز مغرب وعشا هرکدام وقت مخصوص ومشترکی دارند: وقت مخصوص نماز مغرب از اوّل مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد، که اگر کسی مثلاً مسافر باشد وتمام نماز عشا را سهوا در این وقت بخواند، نمازش صحیح است ولی احتیاط نماز مغرب را بخواند و عشاء را به صورت شکسته بجا آورد، و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد ، که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را نخواند، باید اوّل نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند وبین وقت مخصوص نماز مغرب ووقت مخصوص نماز عشا،

وقت مشترک نماز مغرب و عشا است، که اگر کسی در این وقت اشتباها نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

مسأله ۴ _ وقت مخصوص ومشترک که معنای آن در مسأله پیش گفته شد، برای اشخاص فرق می کند، مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اوّل ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است تمام شده وداخل وقت مشترک می شود و برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد.

مسأله ۵ _ اگر پیش از خواندن نماز مغرب سهوا مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را، در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیّت را به نماز مغرب برگرداند ونماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باید نماز را تمام کند، بعد نمازمغرب را بخواند وامّا اگر تمام آنچه را خوانده در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از دخول در رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، نمازش صحیح است ونیّت را به نماز مغرب برگرداند، گرچه دوباره خواندن موافق با احتیاط است.

مسأله ۶ _ موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

مسأله ۷ _ اگر یقین کند وقت داخل شده ومشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است ولی اگر

در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده، وشک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه نمازش صحیح است.

مسأله ۸ _ اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه بجا آوردن بعضی از کارهای مستحبّ نماز، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید آن مستحبّ را بجا نیاورد، مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود، باید قنوت نخواند.

مسأله ۹ _ کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیّت ادا بخواند ولی نباید عمدا نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

مسأله ۱۰ _ مستحبّ است انسان نماز را در اوّل وقت آن بخواند وراجع به آن خیلی سفارش شده است و هرچه به اوّل وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسأله ۱۱ _ هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اوّل وقت نماز بخواند، ناچار است مثلاً با تیمّم یا با لباس نجس نماز بخواند، چنانچه بداند عذر او تا آخر وقت باقی است می تواند در اوّل وقت، نماز بخواند، ولی اگر احتمال دهد که عذر او از بین می رود لازم است صبر کند تا عذرش برطرف شود.

مسأله ۱۲ _ کسی که مسائل نماز وشکیّات وسهویّات را نمی داند واحتمال می دهد که یکی از اینها در نماز پیش آید، باید برای یاد گرفتن اینها نماز را از اوّل وقت تأخیر بیندازد، ولی اگر اطمینان دارد که نماز را

بطور صحیح تمام می کند، می تواند در اوّل وقت مشغول نماز شود، پس اگر در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش نیاید، نماز او صحیح است و اگر مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش آید، جائز است به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد عمل نماید ونماز را تمام کند ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده دوباره بخواند و اگر صحیح بوده اکتفاء به همان نماز بنماید.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

مسأله ۱ _ انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر، ونماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمدا نماز عصر را پیش از نماز ظهر ونماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

مسأله ۲ _ اگر به نیّت نماز ظهر، مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی تواند نیّت را به نماز عصر برگرداند، بلکه باید نماز را بشکند ونماز عصر را بخواند وهمینطور است در نماز مغرب وعشا.

مسأله ۳ _ برگرداندن نیّت از نماز قضا به نماز ادا و از مستحبّ به نماز واجب جائز نیست.

مسأله ۴ _ اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد، انسان می تواند در بین نماز نیّت را به نماز قضا برگرداند، ولی باید برگرداندن نیّت به نماز قضا ممکن باشد مثلاً اگر مشغول نماز ظهر است، در صورتی می تواند نیّت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکوع رکعت سوم نشده باشد.

احکام قبله

مسأله ۱ ـ خانه کعبه که در مکّه معظّمه می باشد قبله است، و باید روبروی آن نماز خواند ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافیست، و همچنین است کارهای دیگری که باید رو به قبله انجام گیرد، مانند سر بریدن حیوانات.

مسأله ۲ ـ کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید صورت وسینه وشکم وجلوی پاهای او رو به قبله باشد ولازم نیست که انگشتان پای او هم رو به قبله باشد ولی مستحبّ است.

مسأله ۳ ـ نماز احتیاط وسجده وتشهّد فراموش شده را باید رو به قبله بجا آورد، و بنابر احتیاط وجوبی سجده سهو را هم رو به قبله بجاآورد.

پوشانیدن بدن در نماز

مسأله ۱ ـ مرد باید در حال نماز اگرچه کسی او را نمی بیند، عورتین خود را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

مسأله ۲ ـ زن باید در موقع نماز تمام بدن حتّی سر و موی خود را بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود ودستها تا مچ و پشت پاها تا مچ پا لازم نیست و احتیاط واجب آنست که کف پا را بپوشاند ، امّا برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت وقدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

مسأله ۳ _ موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهّد فراموش شده را بجا می آورد، بلکه بنابر احتیاط در موقع سجده سهو هم باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

مسأله ۴ _ اگر انسان عمدا در نماز عورتش را نپوشاند، نماز باطل است و همچنین اگر از روی ندانستن مسأله بوده باشد، نماز او باطل است.

مسأله ۵ _ اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیداست، باید آن را بپوشاند و احتیاط مستحبّ آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند ، ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده، نمازش صحیح است.

لباس نمازگزار

لباس نمازگزار شش شرط دارد

۱ _ پاک باشد

۲ _ مباح باشد

۳ _ از اجزاء حیوان مردار نباشد

۴ _ از حیوان حرام گوشت نباشد

۵ و ۶ _ اگر نمازگزار مرد است لباس او از ابریشم خالص و طلاباف نباشد

شرط اوّل

مسأله ۱ _ کسی که نمی داند با بدن ولباس نجس نماز باطل است،

اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می باشد.

مسأله ۲ _ اگر به واسطه ندانستن مسأله، چیز نجسی را نداند نجس است، مثلاً نداند عرق جنب از حرام نجس است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسأله ۳ _ اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحبّ آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند.

مسأله ۴ _ اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضانماید.

مسأله ۵ _ کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده نماز او صحیح است.

مسأله ۶ _ اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است اگر چه مستحبّ است که اعاده کند .

مسأله ۷ _ کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد، باید نماز را برهنه بخواند و احتیاطا اعاده یا قضا نماید و اگر به واسطه سرما ومانند آن نمی تواند لباسش را بیرون آورد، باید با لباس نجس نماز بخواند ونماز او صحیح است واعاده نمی خواهد.

شرط دوم

مسأله ۱ ـ کسی که می داند پوشیدن لباس غصبی حرام است، ولی نمی داند نماز را باطل می کند، اگر عمدا با لباس غصبی نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسأله ۲ ـ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است ولی اگر کسی خودش لباس را غصب نماید وفراموش کند که غصب کرده است و با آن نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب، نماز را اعاده نماید و هرگاه از روی بی مبالاتی باشد به طوری که اگر یادش بیاید اعتنایی نمی کند ، بنابر اقوی نمازش باطل است.

شرط سوّم

مسأله ۱ ـ لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می کند، نباشد بلکه اگر از حیوان مرده ای که مانند ماهی ومار خون جهنده ندارد لباس تهیّه کند، احتیاط واجب آن است که با آن، نماز نخواند.

مسأله ۲ ـ هرگاه چیزی از مردار مانند گوشت وپوست آن که روح داشته همراه نمازگزار باشد، اگرچه لباس او نباشد بنابر احتیاط واجب، نمازش باطل است.

مسأله ۳ ـ اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو وپشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد، یا با لباسی که از آنها تهیّه کرده اند، نماز

بخواند نمازش صحیح است.

شرط چهارم:

مسأله ۱ _ لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، و اگر مویی از آن همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

مسأله ۲ _ اگر مو وعرق وآب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد اشکال ندارد و همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.

مسأله ۳ _ اگر با لباسی که فراموش کرده که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید وامّا اگر نداند که این پوست حرام گوشت است نماز او صحیح است.

شرط پنجم و ششم:

مسأله ۱ _ پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام ونماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز وغیر نماز اشکال ندارد.

مسأله ۲ _ زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه وانگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی زینت کردن به طلا، برای زن در نماز وغیر نماز اشکال ندارد.

مسأله ۳ _ اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباس از طلا است یا شک داشته باشد و با آن نماز بخواند، نماز او صحیح است .

مسأله ۴ _ لباس مرد نمازگزار بایـد ابریشم خالص نباشـد و در غیر نماز هم پوشـیدن آن برای مرد حرام است و همچنین اسـت بنابر اقوی عرقچین وبند شلوار و هر چیزی که تنها با آن نماز نمی توان خواند.

مسأله ۵ _ اگر آستر تمـام لباس یا آستر مقـداری از آن اگرچه تا نصف آن ابریشم خالص باشـد، پوشـیدن آن برای مرد، حرام ونماز در آن باطل است.

مسأله ۶ _ پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

احکام لباس نمازگزار

مسأله ۱ _ پوشـیدن لباس غصبی وابریشـمی خالص وطلا باف ولباسی که از مردار تهیّه شده در حال ناچاری مانعی ندارد و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد وتا آخر وقت لباس دیگری غیر از اینها ندارد، می تواند با این لباسها نماز بخواند.

مسأله ۲ _ احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد اگر قصد تشبّه داشته باشد ولی اگر با آن لباس نماز بخواند صحیح است اگر چه احتیاط مستحبّ ترک آن است .

مواردی که لازم نیست بدن ولباس نمازگزار پاک باشد

مسأله ۱ _ در سه صورت که تفصیل آنها بعدا گفته می شود، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

اوّل: آن که به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن اوست، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.

دوم: آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم (که تقریبا به اندازه گودی کف دست است) به خون آلوده باشد.

سوم: آن که ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند و در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

اوّل: آن که لباس های کوچک او مانند جوراب وعرقچین نجس باشد.

دوم: آن که لباس زنی که پرستار پسر بچه است نجس شده باشد و برخی از احکام این پنج صورت در مسائل بعد گفته می شود.

مسأله ۲ _ اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای خودش سخت است تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می تواند با آن خون نماز بخواند، و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته اند و نجس شده، در بدن یا لباس او باشد.

مسأله ۳ _ اگر خون بریدگی و زخمی که بزودی خوب می شود وشستن آن آسان است، در بدن یا لباس نمازگزار باشد، باید پاك شود و با آن بدن یا لباس نمی تواند نماز بخواند و اگر نماز خواند نماز باطل است .

مسأله ۴ _ اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد، به

رطوبت زخم نجس شود، جائز نیست با آن نماز بخواند، ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

مسأله ۵ _ اگر از زخمی که توی دهان وبینی ومانند اینها است، خونی به بدن یا لباس برسد، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند و همچنین است خون بواسیر در صورتی که دانه هایش بیرون نباشد، ولی با خون بواسیری که دانه های آن بیرون است، می شود نماز خواند.

مسأله ۶ _ اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود تا وقتی همه خوب نشده اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد، ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شوند، هر کدام که خوب شد بنابر احتیاط واجب باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

مسأله ۷ _ اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد، ورطوبتی به آن برسد، در صورتی که خون ورطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود واطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است بلکه اگر رطوبت وخون به اندازه درهم نشود واطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد مگر آن که رطوبت خشک و عین او زایل شود.

مسأله ۸ _ اگر لباسهای کوچک نمازگزار مثل عرقچین وجوراب که نمی شود با آنها عورت را پوشانید، نجس باشد چنانچه از مردار وحیوان حرام گوشت درست نشده باشد، نماز با آنها صحیح است در

صورتی که در جای خود بکار برده شوند وگرنه حکم محمول متنجّس را دارند، و نیز اگر با انگشتری نجس نماز بخواند، اشکال ندارد.

مسأله ۹ _ نمازخواندن با چیز نجسی مانند دستمال و کلید و چاقو صحیح است.

استفتائات لباس و بدن نمازگزار

سئوال ۱: آیا بودن طلا از هر نوع در جیب لباس نمازگزار مبطل نماز است؟

جواب: حمل طلا در جیب و امثال آن موجب بطلان نماز نمی شود

سئوال ۲: بدن کسی خونی بوده و با آن نماز خوانده است و بعداً فهمید تکلیف او چیست؟

جواب: اگر قبل از شروع به نماز توجه به خونی بودن بدن داشته ولی غفلت کرده است و نماز را بدون جستجو از مقدار خون خوانده است باید اعاده کند ولی اگر تا بعد از خواندن نماز متوجه نشده اعاده ندارد

سئوال ۳: دندان طلا برای مردان که هم برای طبی و هم برای زینت باشد در چه صورت نماز دارد؟

جواب: اگر صدق زینت کند محل اشکال است ولو طبّی باشد پس نباید با آن نماز خواند

سئوال ۴: بدست کردن طلای سفید و حلقه پلاتین چه حکمی دارد و آیا دست کردن طلای نامزدی برای مرد جایز است؟

جواب: دست کردن طلای سفید و زرد حتی اگر برای نامزدی باشد حرام است و نماز با آن باطل است اما حلقه پلاتین مانعی ندارد.

سئوال ۵: اگر در حال نماز از دهان یا بینی نمازگزار خون بیاید آیا نماز باطل است؟

جواب: در صورت تنگی وقت با آن حال نماز بخواند و اگر وقت دارد چنانچه به لباس یا بدن سرایت کرد نماز را بشکند و تطهیر نماید و آنگاه نماز را مجدّداً بخواند

سئوال ۶: اگر زن در هنگام نماز یا پس از آن دریابد که برخی از اندامش که پوشیدن آن لازم بوده، نمایان بوده است تکلیفش چیست؟

جواب: اگر در بین نماز بفهمد باید سریعاً بپوشاند و نماز صحیح است و اگر بعد از نماز فهمید ظاهراً نماز صحیح است گرچه احتیاط در این است که اعاده کند

سئوال ۷: پوشاندن پاها در نماز برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب: ظاهر و روی پا را لازم نیست بپوشاند اما کف پا بنابر احتیاط واجب باید پوشیده شود

سئوال ۸: آیا پوشاندن صورت و کفین برای زنان واجب است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب پوشاندن آنها لازم است

سئوال ۹: آیا پوشاندن زیرچانه در نماز لازم است؟

جواب: زیرچانه باید پوشانده شود

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار ده شرط دارد

شرط اوّل: آنکه مباح باشد

مسأله ۱ ـ کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، نمازش باطل است .

مسأله ۲ ـ اگر در جایی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده، نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است ولی کسی که خودش جایی را غصب کرده، اگر فراموش کند و در آنجا نماز بخواند ، بنابر احتیاط واجب اعاده نماید.

مسأله ۳ ـ اگر بداند جایی غصبی است ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در آنجا نماز بخواند، نماز او باطل می باشد در صورتی که جاهل مقصّر باشد.

شرط دوم: مکان نمازگزار باید بدون حرکت باشد

مسأله ۱ ـ نماز خواندن در ماشین و ترن و امثال آن در صورت تنگی وقت اشکال ندارد اما بقدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند به طرف قبله برگردد.

شرط سوم: در جایی که احتمال دهد نماز را نمی تواند تمام کند نماز نخواند

شرط چهارم: در جایی که ماندن در آن جا حرام است نماز نخواند مثل زیر سقفی که در حال خراب شدن است

شرط پنجم: آنکه روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام

است مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده نماز نخواند

شرط ششم: آنکه در جایی که سقف کوتاه دارد بطوریکه نمی تواند کامل بایستد یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد نماز نخواند

شرط هفتم: بنابر احتیاط واجب نباید جلوتر از قبر امام علیه السلام یا پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز بخواند

شرط هشتم: آنکه مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد ولی جایی که پیشانی را بر آن میگذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد

شرط نهم: بنابر احتیاط مستحب باید زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد.

مسأله ۱ ـ اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند، نماز آنان صحیح است اگرچه مکروه می باشد، در صورتی که فاصله کمتر از یک وجب نباشد و اگر کمتر باشد، بطلان نماز بعید نیست.

شرط دهم: آنکه جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سرانگشتان پای او بیش از چهار انگشت بسته پایین تر یا بلندتر نباشد

مسأله ۱ ـ بودن مرد و زن نامحرم در جایی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی تواند وارد شود، حرام است و نیز در آنجا نماز خواندن خالی از اشکال نیست ولی اگر یکی از آنها مشغول نماز باشد ودیگری که با او نامحرم است وارد شود نماز او اشکال ندارد.

مسأله ۲ ـ در جایی که تار ومانند آن استعمال می کنند ماندنش حرام و بنابر احتیاط، نماز در آنجا باطل است.

استفتائات مکان نمازگزار

سئوال ۱: شخصی فرش منزلش نجس است حال شخص مهمان که پای او خیس است می خواهد نماز بخواند آیا اعلام به او واجب است.

جواب: بنظر ما اعلام به مهمان واجب است

سئوال ۲: اگر خانه کسی غصبی بود و شوهر به زن و بچه ها اجازه خروج نمی دهد که بیرون نماز بخوانند تکلیف چیست؟

جواب: در صورتیکه مجبور باشند که در خانه نماز بخوانند اشکال ندارد ولی اگر شوهر فقط منع کرده و آنها می توانند در خارج از خانه نماز بخوانند به منع او توجه نکنند و در خارج از منزل نماز بخوانند

احکام مسجد

مسأله ۱ ـ نجس کردن زمین وسقف وبام وطرف داخل دیوار مسجد، حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فورا نجاست آن را برطرف کند، و همچنین طرف بیرون دیوار مسجد را هم بنابر احتیاط، نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند.

مسأله ۲ ـ نجس کردن حرم امامان علیهم السلام حرام است و اگر یکی از آنها نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد، تطهیر آن واجب است بلکه احتیاط مستحبّ آن است که اگر بی احترامی هم نباشد آن را

تطهیر کنند.

مسأله ۳ ــ اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند وفرش کنند وسیاهی بکوبند واسباب چای در آن ببرند در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند ومانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد.

مسأله ۴ ــ بنابر احتیاط واجب زینت کردن مسجد به طلا حرام و همچنین بنابر احتیاط واجب، نباید صورت چیزهایی که مثل انسان وحیوان روح دارد، در مسجد نقش کنند ونقاشی چیزهائی که روح ندارد مثل گل وبوته مکروه است.

مسأله ۵ ــ وقتی انسان وارد مسجد می شود، مستحبّ است دو رکعت نماز به قصد تحیّت واحترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.

استفتائات مسجد

سئوال ۱: در موالید ائمه اطهار علیهم السلام شعر خواندن و کف زدن در مسجد چه صورت دارد؟

جواب: شعر خواندن اشکال ندارد اما کف زدن اشکال دارد

سئوال ۲: ورود افراد غیر مسلمان به مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که موجب هتك حرمت یا نجس کردن مسجد نباشد اشکال ندارد

سئوال ۳: بخش اذان از بلندگوی مسجد چنانچه موجب ایذاء همسایگان باشد چه صورت دارد؟

جواب: خوب است همسایگان مانع پخش اذان نشوند و از طرفی هم بلندگو را آنقدر بلند نکنند که موجب ایذاء شود

سئوال ۴: با عنایت به اینکه مسجد متعلق به همگان است ممانعت از انجام عبادات و یا کارهای فرهنگی توسط عده ای چه صورت دارد؟

جواب: مسجد از اماکن عمومی است و هیچ کس حق ندارد مانع دیگران برای نماز و عبادت گردد و اما کارهای فرهنگی باید به گونه ای باشد که با شأن مسجد منافات نداشته باشد.

احکام اذان و اقامه

مسأله ۱ ــ برای مرد و زن مستحبّ است پیش از نمازهای واجب یومیّه اذان واقامه بگویند ولی پیش از نمازهای واجب غیر یومیّه مثل نماز آیات، مستحبّ است سه مرتبه بگویند الصلاه.

مسأله ۲ ــ اذان هیجده جمله است: « اللّهُ أکْبَر » چهار مرتبه، « أشْهَدُ أن لاـ إلهَ إلاّ اللّهُ، أشْهَدُ أنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّه، حَیَّ عَلی الصَّلاهِ، حَیَّ عَلی الفَلاحِ، حَیَّ عَلی خَیْرِ العَمَل، اللّهُ اکْبَر، لا إلهَ إلاّ اللّه » هریک دو مرتبه .

واقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه اللّهُ أکبَر از اوّل اذان ویک مرتبه « لا إلهَ إلاّ اللّهُ » از آخر آن کم می شود و بعد از گفتن « حَیَّ عَلَی خَیْرِ العَمَل »، باید دو مرتبه « قَدْ قامَتِ الصّلاه » اضافه نمود.

مسأله ۳ ــ بین جمله های اذان واقامه باید خیلی فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد باید دوباره آن را از سر بگیرد.

مسأله ۴ ــ اگر در اذان واقامه صدا را در گلو بیندازد چنانچه غنا شود،

یعنی بطور آوازه خوانی که در مجالس لهو وبازیگری معمول است، اذان واقامه را بگوید، حرام است و اگر غنا نشود مکروه می باشد.

مسأله ۵ _ کسی که اذان دیگری را شنیده، چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین آن اذان واقامه ونمازی که می خواهد بخواند، زیاد فاصله نشده باشد، می تواند برای نماز خود اذان واقامه نگوید.

مسأله ۶ _ اقامه باید بعد از اذان گفته شود، و اگر قبل از اذان بگویند صحیح نیست.

مسأله ۷ _ باید بین اذان واقامه فاصله ندهد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که اذانی را که گفته اذان واقامه حساب نشود، مستحبّ است دوباره اذان واقامه را بگوید و نیز اگر بین اذان واقامه ونماز به قدری فاصله دهد که اذان واقامه آن نماز حساب نشود، مستحبّ است دوباره برای آن نماز، اذان واقامه بگوید.

واجبات نماز

واجبات نماز یازده چیز است:

۱ _ نیت ۲ _ قیام ۳ _ تکبیره الاحرام یعنی گفتن اللّه اکبر در اول نماز ۴ _ رکوع ۵ _ سجود ۶ _ قرائت ۷ _ ذکر ۸ _ تشهد ۹ _ سلام ۱۰ _ ترتیب ۱۱ _ موالات یعنی اجزای نماز را پی در پی بجا آورد

مسأله ۱ _ برخی از واجبات نماز رکن است یعنی اگر سهواً یا عمداً آنها را ترک کند یا اضافه کند نماز باطل است و برخی دیگر رکن نیستند یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز را باطل می کند و چنانچه اشتباهاً کم

یا زیاد شود، نماز باطل نمی شود.

مسأله ۲ ـ ارکان نماز پنج چیز است ۱ـ نیت ۲ـ تکبیره الاحرام ۳ـ قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع یعنی ایستادن پیش از رکوع ۴ـ رکوع ۵ـ دو سجده

نیت

مسأله ۱ ـ انسان باید نماز را به نیّت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد ولازم نیست نیّت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز می خوانم قربه الی اللّه بلکه همین که قصد داشته باشد که برای خدا بخواند کفایت می کند.

مسأله ۲ ـ انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

تکبیره الاحرام

مسأله ۱ ـ گفتن اللّه اکبر در اوّل هر نماز، واجب ورکن است و باید حروف اللّه و حروف اکبر ودو کلمه اللّه و اکبر را پشت سر هم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید، صحیح نیست.

مسأله ۲ ـ موقع گفتن تکبیره الاحرام باید بدن، آرام باشد و اگر عمدا

در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیره الاحرام را بگوید، باطل است و اگر سهوا حرکت دهد احتیاط در اتمام نماز واعاده آن است.

مسأله ۳ ـ اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده، به شکّ خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر را بگوید احتیاطا.

مسأله ۴ ـ اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، اگر وارد خواندن قرائت نشده احتیاط در اتمام نماز و اعاده آن می باشد ولی اگر مشغول خواندن قرائت شده نماز او صحیح است .

قیام (ایستادن)

مسأله ۱ ـ قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام وقیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گو یند رکن است، ولی قیام در موقع خواندن حمد وسوره وقیام بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

مسأله ۲ ـ اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد وسوره بنشیند ویادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون این که بایستد به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متّصل برکوع را بجا نیاورده، نماز او باطل است.

مسأله ۳ ـ اگر موقعی که ایستاده، از روی فراموشی بدن را حرکت دهد، یا به طرفی خم شود، یا به جایی تکیه کند، اشکال ندارد، ولی در قیام موقع گفتن تکبیره الاحرام وقیام متصل به رکوع اگر از روی

فراموشی هم باشد، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسأله ۴ ــ اگر در موقع خوانـدن حمد وسوره، یا خواندن تسبیحات بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن آنچه را در حال حرکت خوانده، دوباره بخواند.

ق__رائ__ت

مسأله ۱ ــ در رکعت اوّل و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید، اوّل حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

مسأله ۲ ــ اگر وقت نماز تنگ باشد ، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد، یا درنده یا چیز دیگری باو صدمه بزند نباید سوره را بخواند.

مسأله ۳ ــ اگر حمد وسوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

مسأله ۴ ــ اگر در نماز آیه سـجده را بشـنود، یا گوش دهد، نمازش صحیح است و باید درحال نماز با اشاره سجده کند و بعد از نماز، سجده آن را بجاآورد.

مسأله ۵ ــ در نماز مسـتحبّی خواندن سوره لازم نیست، اگرچه آن نماز به واسـطه نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضـی از نمازهای مستحبّی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواهد به

دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.

مسأله ۶ ـ اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره قل هو اللّه احد یا سوره قل یا ایّها الکافرون شود، نمی تواند آن را رها کند وسوره دیگر بخواند، ولی در نماز جمعه ونماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین، یکی از این دو سوره را بخواند، مادامی که تجاوز از نصف نکرده، می تواند آن را رها کند وسوره جمعه ومنافقین را بخواند.

مسأله ۷ ـ اگر در نماز، غیر از سوره « قل هو اللّه احد وقل یا ایّها الکافرون »، سوره دیگر بخواند، تا تجاوز از نصف نکرده می تواند رها کند وسوره دیگر بخواند.

مسأله ۸ ـ اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمدا آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمدا بلند بخواند نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.

مسأله ۹ ـ اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده احتیاط واجب آن است که دوباره نماز را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید مگر آنکه موجب عسر و حرج شود .

مسأله ۱۰ ـ در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند، یا بنابر احتیاط مستحبّ سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید، که

سه مرتبه بگوید: « سُبْحانَ اللّهِ وَالحَمْدُ لِلّهِ وَلا إلهَ إلاّ اللّهُ وَاللّهُ أكْبَر »، اگرچه یک مرتبه کافی است و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر آن است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.

مسأله ۱۱ ــ در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

مسأله ۱۲ ــ بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم وچهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند.

مسأله ۱۳ ــ اگر در دو رکعت اوّل نماز به خیال این که دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد، باید حمد وسوره را بخواند و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

مسأله ۱۴ ــ اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال این که در دو رکعت اوّل است حمد بخواند، یا در دو رکعت اوّل نماز با این که گمان می کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن، نمازش صحیح است.

استفتائات قرائت

سئوال ۱: اگر کسی ذکر مستحبی را در نماز سهواً غلط بگوید تکرار آن واجب است یا مستحب؟

جواب: تکرار آن مستحب است

سئوال ۲: خواندن بیش از یک سوره بعد از حمد در نماز واجب و مستحب چه صورت دارد؟

جواب: خوانـدن بیش از یـک سوره در نماز واجب حرام است و اگر با دانسـتن مسـئله آن را در نماز واجب بخوانـد، نماز باید اعاده شود ولی در نمازهای مستحب اشکال ندارد.

سئوال ۳: اگر در حال قرائت بعضی از آیات را اشتباهی بخواند آیا باید تکرار کند یا خیر؟

جواب: تکرار آن واجب است بلکه احوط آن است که مجموع آیه را تکرار کند و تکرار اصل سوره لازم نیست.

سئوال ۴: شک در تعداد تسبیحات اربعه چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در حال ایستاده و قبل از رکوع شک کند باید تکرار کند تا عدد لازم بدست آید.

سئوال ۵: آیا دعا کردن بفارسی در قنوت و سجده نمازهای واجب جایز است؟

جواب: در نماز واجب جایز نیست.

سئوال ۶: آیا بسم اللّه جزو سوره است؟

جواب: بلی جزء سوره است

سئوال ۷: آیا جهر و اخفات در تمام اذکار نماز لازم است یا فقط در قرائت نماز؟

جواب: رعایت جهر و اخفات فقط در قرائت حمد و سوره در رکعت اول و دوم واجب است

احکام رکوع

مسأله ۱ ـ در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که

بتواند دست را به زانو بگذارد واین عمل را رکوع می گویند بلکه اگر اطراف انگشتها به زانو برسد کافی است.

مسأله ۲ _ احتیاط آنست که دست ها را به زانوها بگذارد .

مسأله ۳ _ در رکوع به احتیاط واجب باید، سه مرتبه « سُبْحانَ اللّهِ » یا یک مرتبه « سُبْحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمْدِهِ » بگوید و هر ذکری کفایت نمی کند بلکه درتنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک سبحان اللّه محل اشکال است پس احتیاطاً تسبیح کبیر را یکبار بگوید.

مسأله ۴ _ در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحبّ هم اگر آن را به قصد ذکری که برای رکوع دستور داده اند، بگوید بنابر احتیاط واجب، آرام بودن بدن لازم است.

مسأله ۵ _ اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید نمازش باطل است.

مسأله ۶ _ انسان باید بعد از سربرداشتن از رکوع کاملاً بایستد و سپس به سجده برود و مستحب است در حال ایستاده و در حال آرامی بدن ذکر سمع اللّه لمن حمده را بگوید

احکام سجود

مسأله ۱ _ نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب ومستحبّ، بعد ازرکوع دو سجده کند وسجده آن است که پیشانی وکف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد.

مسأله ۲ _ اگر پیشانی را عمدا یا سهوا به زمین نگذارد، سجده

نکرده است، اگرچه جاهای دیگر به زمین برسد ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و سهوا جاهای دیگر را به زمین نرساند، یا سهوا ذکر نگوید، سجده صحیح است.

مسأله ۳ ـ باید در سجده سه مرتبه « سُبْحانَ اللّهِ » یا یک مرتبه « سُبْحانَ رَبِّیَ الأَعْلی وَبِحَمْدِهِ » بگوید و احتیاطاً مطلق ذکر کافی نیست. چنانچه در رکوع گذشت و باید این کلمات دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود ومستحبّ است « سُبْحانَ رَبِّیَ الأَعْلَی وَبِحَمْدِهِ » را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

مسأله ۴ ـ در سجود باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد وموقع گفتن ذکر مستحبّ هم اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.

مسأله ۵ ـ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد وبدن آرام بگیرد، عمدا ذکر سجده را بگوید یا پیش از تمام شدن ذکر، عمدا سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

مسأله ۶ ـ اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، سهوا پیشانی را از زمین بردارد نمی تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهوا از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

مسأله ۷ ـ بعد از تمام شدن ذکر سجده اوّل، بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

مسأله ۸ ـ باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند، چیزی نباشد

پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد، سجده باطل است ولی اگر مثلاً رنگ مهر تغییر کرده باشد، اشکال ندارد.

مسأله ۹ _ در سجده باید کف دست را به زمین بگذارد ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد، و اگر پشت دست ممکن نباشد، باید مچ دست را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند، باید تا آرنج هر جا را که می تواند، بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازو کافی است.

مسأله ۱۰ _ در سجده بنابر احتیاط واجب سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد و اگر انگشتهای دیگر پا، یا روی پا را به زمین بگذارد، یا به واسطه بلند بودن ناخن سر شست به زمین نرسد، نماز باطل است و کسی که به واسطه ندانستن مسأله نمازهای خود را اینطور خوانده، باید دوباره بخواند.

مسأله ۱۱ _ اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، واین یک سجده حساب می شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگهدارد وبی اختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.

مسأله ۱۲ _ اگر روی تشک پر یا چیز دیگری که بدن روی آن آرام نمی گیرد سجده کند، باطل است.

مسأله ۱۳ _ در رکعت اوّل ورکعت سومی که تشهّد ندارد، مثل رکعت سوم نماز ظهر وعصر وعشا بنابر احتیاط واجب، باید بعد از

سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد.

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

مسأله ۱ ــ باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می رویند مانند چوب و برگ درخت، سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی و معدنی صحیح نیست.

مسأله ۲ ــ سجده بر چیزهائی که از زمین می روید وخوراک حیوان است مثل علف وکاه صحیح است.

مسأله ۳ ــ سجده بر سنگ آهک وسنگ گچ صحیح است و همچنین به گچ وآهک پخته وآجر وکوزه گلی ومانند آن سجده کردن اشکال ندارد گرچه احتیاط آنست که در حال اختیار به آنها سجده نکنند .

مسأله ۴ ــ اگر کاغذی را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه ساخته باشند می شود بر آن سجده کرد، بلکه سجده بر کاغذی که از پنبه ومانند آن ساخته شده نیز جائز است مگر انسان یقین پیدا کند که از چیزهایی درست شده که سجده بر آن صحیح نیست .

مسأله ۵ ــ برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیّد الشهداء علیه السلام می باشد، بعد از آن خاک، و بعد از آن سنگ و بعد از سنگ، گیاه است.

مسأله ۶ ــ اگر در سجده اوّل، مهر به پیشانی بچسبد واجب است آن را جدا کند و اگر بدون این که مهر را بردارد، دوباره به سجده رود، احتیاط واجب آن است که نماز را اعاده نماید.

مسأله ۷ ـ اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، اشکال ندارد گرچه احتیاط آنست که بعد از نماز ، نماز را اعاده نماید .

مسأله ۸ ـ سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می باشد وبعضی از مردم عوام که مقابل امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد، اشکال ندارد و گرنه حرام است.

سجده واجب قرآن

مسأله ۱ ـ در هریک از چهار سوره نجم و علق و فصّلت و سجده یک آیه سجده است، که اگر انسان بخواند یا بشنود، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فورا سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

مسأله ۲ ـ اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود بنابر احتیاط واجب باید دو سجده نماید.

مسأله ۳ ـ در سجده واجب قرآن، باید جای انسان غصبی نباشد و بنابر احتیاط واجب جای پیشانی او از جای زانوها وسر انگشتانش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد، ولی لازم نیست با وضو یا غسل ورو به قبله باشد و عورت خود را بپوشاند وبدن وجای پیشانی او پاک باشد و نیز چیزهائی که در لباس نمازگزار شرط می باشد، در لباس او شرط نیست امّا اگر لباس او غصبی است، چنانچه سجده کردن، تصرّف در آن لباس باشد، سجده باطل است.

مسأله ۴ ــ هرگاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد، اگرچه ذکر نگوید کافی است و گفتن ذکر مستحبّ است و بهتر است بگوید: « لا إلهَ إلا اللّهُ حَقًّا حَقًّا، لا إلهَ إلاّ اللّهُ ایمانا وَتَصْدِیقا، لا إلهَ إلاّ اللّهُ عُبودِیَّةً وَرِقًّا، سَجَدتُ لَکَ یا رَبِّ تَعَبُّدا وَرِقّا لا مُسْتَنْکِفَا وَلا مُسْتَکْبِرا، بَلْ أنَا عَبْد ذَلیل ضَعیف خائِف مُسْتَجیر ».

استفتائات رکوع و سجود

سئوال ۱: اگر کسی در رکوع بجای سبحان ربی العظیم وبحمده، سبحان ربی الاعلی وبحمده بگوید نمازش چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در حال رکوع متوجه اشتباه خود شد باید ذکر را بطور صحیح بخواند و اگر بعد از رکوع متوجه شد نمازش صحیح است و مستحب است بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد

سئوال ۲: آیا در حال سجده اگر غیر از انگشت بزرگ بقیه انگشتها هم به زمین برسد اشکال ندارد؟

جواب: لازم است در سجده تکیه گاه او به انگشت بزرگ باشد

سئوال ۳: اگر هنگام سجده دو مرتبه سر به مهر بخورد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر سر به زمین بخورد و قهراً بلند شود چنانچه دوباره به سجده رفتن او با اراده باشد باید بنشیند چون یک سجده محسوب شده است ولی اگر دوباره بی اختیار به سجده رفته سپس ذکر سجده را بخواند همان یک سجده حساب می شود

سئوال ۴: اگر در حال سجده، کف دست از زمین بلند شود نماز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر زمانی که دست را از زمین بر می دارد، ذکر نخواند اشکال ندارد

سئوال ۵: اگر انسان در تعداد سجده شک کند که یک سجده بجا آورده است یا دو یا سه سجده حکمش چیست؟

جواب: بنا بگذارد که دو سجده بجا آورده است و اگر بعداً یقین کرد که سه سجده انجام داده، نماز او صحیح است و باید دو سجده سهو بجا آورد و اگر یک سجده انجام داده بعد از نماز یک سجده را قضا کند و دو سجده سهو بجا آورد.

تشهّـد و سلام

مسأله ۱ ـ در رکعت دوم تمـام نمازهای واجب ورکعت سوم نماز مغرب ورکعت چهارم نماز ظهر وعصـر وعشاء، بایـد انسان بعـد از سـجده دوم بنشـیند و در حال آرام بودن بـدن، تشـهّد بخواند یعنی بگوید: « أشْـهَدُ أنْ لا إلهَ الاّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَـريكَ لَهُ وَأشْهَدُ أنّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ ورَسُولُهُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ». و احتیاط واجب آن است که به غیر این ترتیب نگوید .

مسأله ۲ ـ اگر تشـهّد را فراموش کند وبایسـتد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشـهّد را نخوانده، باید بنشیند وتشهّد را بخواند ودوبـاره بایسـتد و آنچه بایـد در آن رکعت خوانـده شود، بخوانـد ونمـاز را تمام کنـد و بنابر احتیاط واجب، بعـد از نماز برای ایستادن بیجا، دو سجده سهو بجا

آورد، و اگر در رکوع یا بعـد از آن یادش بیایـد، بایـد نماز را تمام کنـد و بعـد از سـلام نماز، تشـهّد را قضا کند وبرای تشـهّد فراموش شده دو سجده سهو بجا آورد.

مسأله ۳ _ بعد از تشـهّد رکعت آخر نماز، مسـتحبّ است درحالی که نشسته وبدن آرام است بگوید: « السّلامُ عَلَیْکَ ایُّها النَبِیّ وَرَحْمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ » و بعـد از آن بایـد بگوید: « السّـلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللّه ِوَبَرکاتُه » یا بگوید: « السّـلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللّهِ الصّالِحین » ولی اگر این سلام را بگوید مستحبّ آن است که بعد آن « السّلامُ عَلَیْکُم وَ رَحْمَهُ اللّه ِوَبَرکاتُه » را هم بگوید .

مسأله ۴ _ اگر سـلام نماز را فراموش کند وموقعی یاد ش بیاید که صورت نماز به هم نخورده وکاری هم که عمدی وسـهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده، باید سلام را بگوید ونمازش صحیح است.

مسأله ۵ _ اگر سـلام نمـاز را فرامـوش کنـد وموقعی یـادش بیایـد که صورت نمـاز به هم خورده است، احتیـاط آنست که دو سجـده سـهو انجام دهـد و بعد نماز را دوباره بخواند و همچنین است اگر کاری که عمدی وسـهوی آن نماز را باطل می کند، مثل پشت به قبله کردن انجام داده باشد.

استفتائات تشهد و سلام

سئوال ۱: آیا در تشهد نماز «اشهد انّ علیاً ولی اللّه» گفتن جایز است؟

جواب: در تشهد نماز واجب ذکر «اشهد انّ علیاً ولی اللّه» گفته نشود

اما در نمازهای مستحبی، اگر به قصد ورود در نماز نباشد، اشکال ندارد

سئوال ۲: خواندن تشهد اضافی در نماز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر سهواً خوانده است سجده سهو بجا آورد و اگر عمداً تشهد اضافی خوانده است نماز باطل است.

سئوال ۳: اگر تشهد نماز را فراموش کرد آیا بعد از قضای آن باید سلام نماز را هم بخواند؟

جواب: اگر تشهد اول باشد، سلام واجب نیست و اگر تشهد دوم را قضا می کند، احتیاطاً سلام را هم بگوید

احکام ترتیب و موالات

مسأله ۱ ــ اگر رکنی ازنماز را فراموش کند ورکن بعد از آن را بجا آورد، مثلًا پیش از آن که رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

مسأله ۲ ــ اگر رکنی را فراموش کند وچیزی را که بعد از آن است ورکن نیست بجا آورد، مثلاًـ پیش از آن که دو سجده کند، تشهّد بخواند باید رکن را بجا آورد و آنچه را اشتباها پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

مسأله ۳ ــ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند ورکن بعد از آن را بجا آورد، مثلًا حمد را فراموش کند ومشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.

مسأله ۴ ــ اگر در نماز سهوا بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد وفاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود، چنانچه مشغول

رکن بعد نشده باشد، باید آن حرفها یا کلمات را بطور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده، نمازش صحیح است.

احکام مبطلات نماز

دوازده چیز نماز را باطل می کند

اوّل: آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود مثلًا در بین نماز بفهمد که مکانش غصبی است

دوّم: آنکه در بین نماز عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند پیش بیاید مثلاً بول از او بیرون بیاید یا خوابش ببرد.

مسأله ۱ ــ کسی که بی اختیار خوابش برده، اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، باید نمازش را دوباره بخواند.

سوم: آنکه مثل اهل سنت دستها را روی هم بگذارد

چهارم: آنکه بعد از خواندن حمد آمین بگوید

مسأله ۲ ــ اگر اشتباهاً یا از روی تقیّه آمین بگوید نماز باطل نمی شود

پنجم: عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند یا به چپ و راست برگردد

ششم: عمداً کلمه ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد اگرچه معنی هم نداشته باشد

مسأله ۳ ــ سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در صورتی که صدق

تکلّم نکنـد در نماز اشـکال نـدارد ولی گفتن آخ وآه ومانـنـد اینها که دو حرف است، اگر عمدی باشد، نماز را باطل می کند مگر آن که گفتن آه شکایت نزد خدا باشد که نمازش را باطل نمی کند.

مسأله ۴ _ در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد، مثلاً اگر گفته سلام علیکم در جواب بگوید سلام علیکم ونباید علیکم السلام بگوید و بنابر احتیاط واجب باید بین سلام وجواب مماثلت در تعریف و تنکیر اِفراد وجمع باشد.

مسأله ۵ _ اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

مسأله ۶ _ جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می کند واجب نیست.

هفتم: آنکه با صدا و عمداً خنده کند و اگر سهواً خنده کند نماز باطل نیست در صورتی که از وضع نمازگزار خارج نشود

هشتم: آنکه برای کار دنیایی عمداً با صدا گریه کند و احتیاط واجب آن است که برای کار دنیایی بی صدا هم گریه نکند.

نهم: آنکه کاری کند که صورت نماز را بهم بزند مثلاً به هوا بپرد اما اشاره کردن به دست در نماز اشکال ندارد

دهم: خوردن و آشامیـدن در نماز اگر طوری باشـد که نگوینـد نماز می خوانـد موجب بطلان نماز است خواه عمـدی باشـد یا سهوی

یازدهم: آنکه در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو

رکعت اول نمازهای چهار رکعتی شک کند

دوازدهم: آنکه رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید

شکیّات

شکیّات نماز **۲۳** قسم است هشت قسم آن شکهایی است که نماز را باطل می کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است

شکهای باطل

مسأله ۱ _ شکهایی که نماز را باطل می کند از این قرار است:

اوّل: شک در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شکّ در شماره رکعتهای نماز مستحبّ دو رکعتی ونماز احتیاط نماز را باطل نمی کند.

دوم: شک در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی.

سوم: آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

چهارم: آن که در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

پنجم شک بین دو وپنج یا دو وبیشتر از پنج.

ششم: شک بین سه وشش یا سه وبیشتر از شش.

هفتم: شک در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

هشتم: شک بین چهار وشش یا چهار و بیشتر از شش که اگر قبل از اکمال سجدتین باشد نماز باطل است ولی اگر بعد از اکمال سجدتین باشد، احتیاط واجب آن است که بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد دو سجده سهو بجا آورد و بعد نماز را دوباره بخواند.

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

مسأله ۱ _ شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

اوّل: شک در چیزی که محلّ بجا آوردن آن گذشته است، مثل آن که در تشهّد شک کند که سجده را بجا آورده یا نه.

دوم: شکّ بعد از سلام نماز.

سوم: شک بعد از گذشتن وقت نماز.

چهارم: شک کثیر الشک یعنی کسی که زیاد شک می کند.

پنجم: شک امام در شماره رکعتهای نماز در صورتی که مأموم شماره آنها را بداند و همچنین شکّ مأموم در صورتی که امام شماره رکعتهای نماز را بداند.

ششم: شک در نماز مستحبّی.

احکام شک هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

مسأله ۱ _ اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب آن را

انجام داده یا نه، مثلاً شک کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده، باید آنچه را که در انجام آن شک کرده بجا آورد و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد شده، بشکّ خود اعتنا نکند.

مسأله ۲ _ اگر بعد از رکوع یا سجود شک کند که کارهای واجب آن، مانند ذکر وآرام بودن بدن را انجام داده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۳ _ اگر شک کند که یکی از رکنهای نماز را بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آن را بجا آورد، لکن مثلاً اگر پیش از خواندن تشهّد، شک کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را بجا آورده، چون رکن زیاد شده، نمازش باطل است.

مسأله ۴ _ اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع را بجا آورده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

مسأله ۵ _ اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم مثلاً در نماز صبح وظهر وعصر شک کند، کثیر الشک است، و چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس

نباشد، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۶ _ کسی که در یک چیز نماز زیاد شک می کند، چنانچه در چیزهای دیگر نماز شک کند، باید به دستور آن عمل نماید مثلاً کسی که زیاد شک می کند سجده کرده یا نه اگر در بجا آوردن رکوع شک کند باید به دستور آن رفتار نماید یعنی اگر به سجده نرفته رکوع را بجا آورد و اگر به سجده رفته اعتنا نکند.

مسأله ۷ _ کسی که زیاد شک می کند اگر شک کند رکنی را بجا آورده یا نه و اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده، چنانچه مشغول رکن بعد نشده، باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده، نمازش باطل است مثلاً اگر شک کند رکوع را بجا آورده یا نه و اعتنا نکند، چنانچه پیش از سجده دوم یادش بیاید که رکوع را بجا نیاورده باید رکوع را بجا آورد اگرچه در این صورت اعاده نماز احتیاطا واجب است و اگر در سجده دوم یادش بیاید، نمازش باطل است.

مسأله ۸ _ کسی که زیاد شک می کند، اگر شک کند چیزی را که رکن نیست بجا آورده یا نه واعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده، چنانچه از محلّ بجا آوردن آن نگذشته، باید آن را بجا آورد و اگر از محلّ آن گذشته، نمازش صحیح است، مثلاً اگر شک کند که حمد خوانده یا نه واعتنا نکند چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

شکهای صحیح

مسأله ۱ _ در نه صورت اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی

شک کند، احتیاط واجب آن است که فورا فکر نماید، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد، همان طرف رابگیرد ونماز را تمام کند وگرنه به دستورهایی که گفته می شود عمل نماید، و آن نه صورت از این قرار است:

اوّل: آن که بعد از فارغ شدن از ذکر واجب در سجده دوم شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز ایستاده به احتیاط واجب بخواند و احتیاطاً نماز را دوباره بخواند مگر این که شک بعد از سر برداشتن از سجده دوم باشد که در این صورت اعاده لازم نیست .

دوم: شک بین دو وچهار بعد از سربرداشتن از سجده دوم که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از سربرداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نماز نشسته بجا آورد.

چهارم: شک بین چهار وپنج بعد از سربرداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد ونماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

پنجم: شک بین سه وچهار که در هر جای نماز باشد، باید بنا را بر چهار بگذارد ونماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط

ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته بجا آورد و احتیاط مستحبّ آن است که دو رکعت نشسته بیاورد.

ششم: شک بین چهار وپنج در حال ایستاده که باید بنشیند وتشهّد بخواند ونماز را سلام دهد ویک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته بجا آورد و احتیاط مستحبّ آن است که دو رکعت نشسته بخواند.

هفتم: شک بین سه وپنج در حال ایستاده که باید بنشیند وتشهّد بخواند ونماز را سلام دهد ودو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

هشتم: شک بین سه وچهار وپنج در حال ایستاده، که باید بنشیند وتشهّد بخواند و بعد از سلام نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نماز نشسته بجا آورد.

نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهّد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد .

مسأله ۲ ــ اگر یکی از شکهایی که نماز احتیاط برای آنها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند وبدون خواندن نماز احتیاط، نماز را از سر بگیرد، معصیت کرده است پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند، نماز را از سر گرفته، نماز دومش هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شده، نماز دومش صحیح است.

مسأله ۳ ــ اگر اوّل گمانش به یک طرف بیشتر باشد، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود، باید به دستور شک عمل نماید، و اگر اوّل دو طرف

در نظر او مساوی باشد وبطرفی که وظیفه اوست بنا بگذارد، بعد گمانش بطرف دیگر برود، باید همان طرف را بگیرد ونماز را تمام کند.

مسأله ۴ _ اگر موقعی که ایستاده بین سه وچهار یا بین سه وچهار وپنج شک کند و یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش بجا نیاورد، نمازش باطل است.

مسأله ۵ _ اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش آید، مثلاً اوّل شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد شک کند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید به دستور شک دوم عمل نماید.

مسأله ۶ _ اگر بعد از نماز شک کند که در نماز مثلاً بین دو وچهار شک کرده، یا بین سه و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند ونماز را هم دوباره بخواند.

نماز احتیاط

مسأله ۱ _ کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، باید بعد از سلام نماز فورا نیّت نماز احتیاط کند وتکبیر بگوید وحمد را بخواند و به رکوع رود ودو سجده نماید پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهّد بخواند وسلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده یک رکعت دیگر مثل رکعت اوّل بجا آورد و بعد از تشهّد، سلام دهد.

مسأله ۲ _ نماز احتیاط سوره وقنوت ندارد و باید آن را آهسته بخواند ونیّت آن را به زبان نیاورد و احتیاط واجب آن است که بسم اللّه

آن را هم آهسته بخواند.

مسأله ۳ ـ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعتهای نمازش کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می کند انجام نداده، باید آنچه از نماز نخوانده، بخواند و برای سلام بیجا دو سجده سهو بنماید، و اگر کاری که نماز را باطل می کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده باید نماز را دوباره بجاآورد.

مسأله ۴ ـ اگر در نماز احتیاط رکنی را زیاد کند، یا مثلاً به جای یک رکعت دو رکعت بخواند، نماز احتیاط باطل می شود و باید دوباره نماز احتیاط واصل نماز را بخواند.

مسأله ۵ ـ موقعی که مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از کارهای آن شک کند، چنانچه محلّ آن نگذشته، باید بجا آورد و اگر محلّش گذشته، باید به شک خود اعتنا نکند، مثلاً اگر شک کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند، و اگر به رکوع رفته، به شکّ خود اعتنا نکند.

مسأله ۶ ـ اگر در شماره رکعتهای نماز احتیاط شک کند، چنانچه بطرف بیشتر شک، نماز را باطل می کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد و اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد، مثلاً موقعی که مشغول خواندن دو رکعت نماز احتیاط است، اگر شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده و اگر شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت چون طرف بیشتر شک نماز را باطل

نمی کنـد، بایـد بنا بگـذارد که دو رکعت خوانـده است و احتیاط واجب آن است که نماز را بعـد از اعاده نماز احتیاط مجدّداً اعاده کند .

مسأله ۷ ـ اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهوا کم یا زیاد شود بنابر احتیاط واجب باید دو سجده سهو را بیاورد.

مسأله ۸ ـ اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند که یکی از اجزاء یا شرائط آن را بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۹ ـ اگر در نماز احتیاط، تشهّد یا یک سجده را فراموش کند، باید احتیاطا بعد از سلام نماز، آن را قضا نماید.

مسأله ۱۰ ـ اگر نماز احتیاط وقضای یک سجده یا قضای یک تشهّد یا دو سجده سهو بر او واجب شود، باید اوّل نماز احتیاط را بجا آورد.

سجده سه‍و

مسأله ۱ ـ برای پنج چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعدا گفته می شود بجا آورد:

اوّل آن که در بین نماز، سهوا حرف بزند.

دوم جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلاً در رکعت اوّل سهوا سلام بدهد.

سوم آن که یک سجده را فراموش کند .

چهارم آن که تشهّد را فراموش کند.

پنجم آن که در نماز چهار رکعتی بعـد از سـجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت و نیز اگر در جایی که باید بایستد مثلاً موقع

خواندن حمد و سوره اشتباها بنشیند یا در جایی که باید بنشیند مثلاً موقع خواندن تشهّد اشتباها بایستد، که بنابر احتیاط واجب، باید دو سجده سهو بجا آورد، بلکه برای هر چیزی از افعال که در نماز اشتباها کم یا زیاد کند، احتیاط واجب آن است که دو سجده سهو بنماید واحکام این چند صورت در مسائل آینده گفته می شود.

مسأله ۲ _ اگر انسان اشتباها یا بخیال این که نمازش تمام شده حرف بزند، باید دو سجده سهو بجا آورد.

مسأله ۳ _ برای حرفی که از آه کشیدن وسرفه پیدا می شود، سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً سهوا آخ یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید.

مسأله ۴ _ اگر سهوا تسبیحات اربعه را نگوید یا بیشتر از سه مرتبه بگوید، احتیاط واجب آن است که بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

مسأله ۵ _ اگر در جایی که نباید سلام دهد اشتباها هر سه سلام رابگوید، دو سجده سهو کافی است، لکن احتیاط مستحبّ تکرار سجده است به تکرار سلام.

مسأله ۶ _ اگر سجده سهو را بعد از نماز عمدا بجا نیاورد، معصیت کرده وواجب است هرچه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهوا بجا نیاورد، هر وقت یادش آمد باید فورا انجام دهد ولازم نیست نماز را دوباره بخواند.

مسأله ۷ _ اگر بداند یکی از دو سجده سهو را بجا نیاورده، باید دو سجده سهو بجا آورد و اگر بداند سهوا سه سجده کرده باید دو سجده

سهو را اعاده نماید .

دستور سجده سهو

مسأله ۱ _ دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فورا نیّت سجده سهو کند و بنابر احتیاط واجب پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگوید: « بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّها النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه »، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکری که گفته شد، بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهّد سلام دهد.

قضای سجود و تشهّد فراموش شده

مسأله ۱ _ سجده وتشهّد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آن را بجا می آورد، باید تمام شرائط نماز مانند پاک بودن بدن ولباس ورو به قبله بودن وشرطهای دیگر را داشته باشد.

مسأله ۲ _ اگر بین سلام نماز وقضای سجده یا تشهّد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود، مثل آن که سهوا حرف بزند، بنابر احتیاط واجب باید سجده یا تشهّد را قضا کند وغیر از سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهّد لازم است، بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو دیگر بنماید.

مسأله ۳ _ اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهّد را، باید هر دو را قضا نماید و هرکدام را اوّل بجا آورد اشکال ندارد در صورتی که

تقدّم را در فرض فوق نداند.

مسأله ۴ ـ کسی که باید سجده یا تشهّد را قضا نماید، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود، باید بعد از نماز، سجده یا تشهّد را قضا نماید، بعد سجده سهو را بجا آورد.

استفتائات شکیات و نماز احتیاط

سئوال ۱: اخیراً مهری برای نماز درست کرده اند که عدد رکعات را مشخص می کند آیا برای اثبات عدد رکعات شرعاً حجیّت دارد؟

جواب: اگر اطمینان حاصل کند حجیّت دارد

سئوال ۲: کسی که مشغول نماز عشاء است و در بین نماز، شک می کند که نماز مغرب را خوانده یا نه تکلیف او چیست؟

جواب: اگر به رکوع رکعت چهارم نرسیده و در وقت مشترک نماز است، نیّتش را عدول دهد به نماز مغرب و اگر در وقت مختص نماز عشاء شک کند بنا بگذارد بر اینکه نماز مغرب را بجا آورده است.

سئوال ۳: اگر انسان در نماز چهار رکعتی یکی از شکهای صحیح برایش پیش آید ولی بعد از نماز نمی داند کدام بوده است وظیفه او چیست؟

جواب: یک رکعت نماز احتیاط ایستاده و همچنین دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو سجده سهو بقصد مافی الذمّه انجام دهد

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

مسأله ۱ ـ اگر به واسطه ندانستن مسأله، چیزی از واجبات نماز را

کم یا زیاد کند، اگر رکن باشد نمازش باطل است و اگر رکن نباشد نماز او بنابر احتیاط واجب باطل است، ولی اگر به واسطه ندانستن مسأله حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را آهسته بخواند، یا حمد وسوره ظهر و عصر را بلند بخواند، یا در مسافرت نماز ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی بخواند، نمازش صحیح است.

مسأله ۲ ــ اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده، یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده، باید نماز را به هم بزند و دوباره باوضو یا غسل بخواند و اگر بعد از نماز بفهمد، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بجا آورد و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسأله ۳ ــ اگر پیش از گفتن السلام علینا والسلام علیکم یادش بیاید که دو سجده رکعت آخر را بجا نیاورده، باید دو سجده را بجا آورد ودوباره تشهّد بخواند ونماز را سلام دهد وواجب است دو سجده سهو برای زیادتی تشهّد بجا آورد.

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشاء را با هشت شرط شکسته بجا آورد یعنی دو رکعتی بخواند

شرط اول: آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی (۵/۵ کیلومتر) نباشد

مسأله ۱ ــ اگر محلّی دو راه داشته باشد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، چنانچه انسان از راهی

که هشت فرسخ است به آنجا برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید تمام بخواند.

شرط دوم: آنکه از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد

مسأله ۲ _ کسی که قصد هشت فرسخ دارد، اگرچه در هر روز مقدار کمی راه برود، وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند مسافر است باید نمازش را تمام بخواند .

شرط سوم: آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد

مسأله ۳ _ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود وتصمیم داشته باشد که همان روز یا شب آن برگردد، باید نماز را شکسته بخواند و همچنین اگر در همان روز یا همان شب برنگردد وبخواهد کمتر از ده روز در آنجا بماند، نمازش را شکسته بخواند.

شرط چهارم: آنکه پیش از هشت فرسخ از وطن خود یا جایی که قصد ماندن ده روز در آنجا را کرده، نگذرد.

مسأله ۴ _ کسی که نمی داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می گذرد یا نه، یا ده روز در جایی می ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

شرط پنجم: آنکه برای کار حرام همانند دزدی سفر نکند

مسأله ۵ _ سفری که اسباب اذیّت پدر ومادر باشد حرام است وانسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند وروزه هم بگیرد.

مسأله ۶ _ کسی که سفر او حرام نیست وبرای کار حرام هم سفر

نمی کند، اگرچه در سفر معصیتی انجام دهد، مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند.

مسأله ۷ _ اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

مسأله ۸ _ اگر برای لهو وخوش گذرانی به شکار رود، نمازش تمام است و چنانچه برای تهیّه معاش شکار رود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب وزیاد کردن مال برود، احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته وهم تمام بخواند، ولی باید روزه نگیرد گرچه در روزه هم اگر احتیاط کند بسیار خوب است.

مسأله ۹ _ کسی که برای معصیت سفر کرده، موقعی که از سفر برمی گردد باید نماز را شکسته بخواند خواه توبه کرده باشد یا توبه نکرده باشد مگر این که در برگشتن هم قصد معصیت کند یا برگشتن آن هم جزو سفر قبلی حساب شود.

مسأله ۱۰ _ کسی که برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیّه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است.

شرط ششم: آن که از صحرانشینان و عشایر نباشد

شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد پس راننده و ناخدا باید نماز را تمام بخوانند

شرط هشتم: آنکه بحد ترخّص برسد یعنی از وطن یا جایی که قصد ده روز در آنجا را کرده بقدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای

اذان آن را نشنود.

وطن و احکام آن

مسأله ۱ ــ جایی را که انسان برای اقامت و زنـدگی خود اختیار کرده وطن اوست چه در آنجا بـدنیا آمده ووطن پدر ومادرش باشد یاخودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

مسأله ۲ ــ اگر قصد دارد در جایی که وطن اصلیش نیست مدّتی بماند و بعد به جای دیگر رود آنجا وطن او حساب نمی شود ولی اگر قصد دارد که بیش از دو سال در آنجا بماند حکم وطن را دارد.

مسأله ۳ ــ جایی را که انسان محلّ زنـدگی خود قرار داده ومثل کسـی که آنجا وطن اوست در آنجا زنـدگی می کند که اگر مسافرتی برای او پیش آیـد، دوباره به همانجا برمیگردد، اگرچه قصد نداشـته باشد که همیشه در آنجا بماند، احکام وطن بر او مترتّب می شود.

مسأله ۴ ــ کسـی که در دو محلّ زنـدگی می کنـد، مثلاً شـش ماه در شـهری و شـش ماه در شـهر دیگر می ماند، هر دو وطن اوست و نیز اگر بیشتر از دو محلّ را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها وطن او حساب می شود.

مسأله ۵ ــ احکـام وطن بر جـایی که صـرف نظر از آن کرده است جـاری نیست چه در آنجا ملک داشـته باشـد یا نه، وچه در آنجا شش ماه مانده باشدیانه.

احکام قصد ده روز ماندن

مسأله ۱ ـ مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در جایی بماند، یا می داند که بدون اختیار ده روز در جایی می ماند در آن محلّ باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۲ ـ مسافری که می خواهد ده روز در جایی بماند، لازم نیست قصد ماندن شب اوّل یا شب یازدهم را داشته باشد وهمین که قصد کند از اوّل آفتاب روز اوّل تا غروب روز دهم بماند باید نماز را تمام بخواند و نیز اگر مقصودش این باشد که از ظهر روز اوّل تا ظهر روز یازدهم بماند واجب آن است که نماز را تمام بخواند

مسأله ۳ ـ مسافری که بخواهد ده روز در محلّی بماند، اگر از اوّل قصد داشته باشد که در بین ده روز باطراف آنجا برود، چنانچه جایی که می خواهد برود به قدری دور باشد که از آنجا صدای اذان آن محلّ را نشنود، اگرچه بخواهد همان روزی که می رود برگردد، باید در تمام ده روز نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحبّ آن است که نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند و اگر به این مقدار دور نباشد باید نماز را تمام بخواند .

مسأله ۴ ـ مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جایی بماند مثلاً قصدش این است که اگر رفیقش بیاید، یا منزل خوبی پیدا کند، ده روز بماند باید نماز را شکسته بخواند.

مسأله ۵ ـ اگر مسافر قصد کند ده روز در جایی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردّد شود

که آنجا بماند یا جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند، و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردّد شود، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۶ _ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد ازظهر ازماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه اش صحیح است وتا وقتی در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد، روزه آن روزش صحیح است اگرچه بنابر احتیاط مستحبّ روزه را قضا بنماید امّا نمازهای خود را باید شکسته بخواند وروزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

احکام ماندن ۳۰ روز در یک مکان

مسأله ۱ _ اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ سی روز درجایی بماند و در تمام سی روز در رفتن وماندن مردد باشد، بعد از گذشتن سی روز اگرچه مقدار کمی در آنجا بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ در رفتن بقیه راه مردد شود ، از وقتی که مردد می شود ، باید نماز را تمام بخواند .

مسأله ۲ _ مسافری که می خواهد نه روز یا کمتر در جایی بماند، اگر بعد از آن که نه روز یا کمتر در آنجا ماند، بخواهد دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند و همینطور تا سی روز، روز سی ویکم باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۳ ـ مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یکجا بماند پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بماند بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

استفتائات نماز مسافر و وطن و کثیرالسفر

سئوال ۱: منظور از اعراض از وطن چیست؟

جواب: اعراض از وطن این است که تصمیم بگیرد که دیگر برای زندگی کردن به وطن مورد اعراض برنگردد و یا اینکه عملاً طوری رفتار کند که عرفاً بگویند دیگر از این وطن اعراض نموده و اعراض صدق کند

سئوال ۲: دانشجویی که برای تحصیل به شهری رفته و قصد می کند که چند سال در آنجا بماند آیا آنجا صدق وطن می کند؟

جواب: به نظر ما حکم وطن را دارد و نماز او تمام است و روزه باید گرفته شود در صورتی که قصد ماندن بیش از دو سال را دارد

سئوال ۳: اینجانب دانشجو هستم و هر هفته باید به شهری دیگر رفته و دو روز آنجا برای درس بمانم حکم نماز و روزه من چیست؟

جواب: با فرض مذکور شما مسافر هستید و باید نماز را شکسته بخوانید مگر آنکه در دو هفته اول هر هفته دو بار سفر کنید تا مصداق کثیرالسفر محقق شود و بعد از آن اگر هفته ای یک مرتبه هم به سفر بروید نماز شما تمام است و روزه را می توانید بگیرید مگر آنکه تا ده

روز به سفر نروید که در اینصورت مجدّداً که سفر کردید نماز شما شکسته می شود.

سئوال ۴: اگر کسی در مکانی قصد ده روز را کند و روز یازدهم به محلّی که کمتر از مسافت است، برود آیا قصد او بهم می خورد و در مکان جدید نماز او چگونه است؟

جواب: قصد اقامه او به هم نمی خورد و در محل جدید هم، نماز او تمام است چون کمتر از مسافت شرعی است.

سئوال ۵: آیا بنظر شما وظیفه کسی که شغل او سفر است با کسی که شغل او در سفر است فرقی دارد؟

جواب: در مورد کسی که شغل او سفر است، اگر مسافرتی کند که مربوط به شغل او نیست و مثلًا با ماشین عمومی به زیارت می رود نماز او شکسته است ولی در مورد کسی که شغل او در سفر است ملاک، کثرت سفر است و لذا اگر مسافرتی کند که در رابطه با شغلش نیست باز از ملاک آن که کثرت سفر است خارج نمی شود و لذا نمازش تمام است.

سئوال ۶: مسافر از چه روزی کثیرالسفر می شود و روز چندم باید نماز را تمام بخواند؟

جواب: ملاک در کثیرالسفر شدن، تعدّد سفر است نه روز، پس مسافر باید در سفر اول نماز را شکسته بخواند و در سفر دوّم نماز را احتیاطاً جمع بخواند و در سفر سوم تمام بخواند.

سئوال ۷: آیا تبعیت از پدر در قصر و اتمام بر اولاد لازم است؟ تبعیت از مادر چطور؟

جواب: فرزند در صورتی که تحت تکفّل پدر باشد باید در نماز هم از او تبعیت کند و همچنین اگر پدر ندارد و یا مادر از او جدا شده و فرزند تحت تکفّل مادر هست باید از مادر در قصر و اتمام نماز تبعیت کند

احکام نماز قضا

مسأله ۱ _ کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد اگرچه در تمام وقت نماز، خواب مانده یا به واسطه مستی نماز نخوانده باشد و فرقی نمی کند در این که مستی او از روی اختیار بوده یا غیر اختیار و همچنین فرقی نمی کند که از حلال باشد یا از حرام

مسأله ۲ _ اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده، باید قضای آن را بخواند.

مسأله ۳ _ کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست فورا آن را بجا آورد.

مسأله ۴ _ کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبّی بخواند.

مسأله ۵ _ واجب است در نمازهای قضاء یومیّه به همان ترتیبی که از او فوت شده است بجا آورد اگر در اداء آن شرعا ترتیب باشد مثل نماز ظهر وعصر یک روز، و در غیر مرتّب ترتیب لازم نیست.

مسأله ۶ _ تا انسان زنده است اگرچه از خواندن نماز قضاهای خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید.

مسأله ۷ _ نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا ولازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر وعصر امام بخواند اشکال ندارد.

نماز جماعت

مسأله ۱ _ مستحبّ است نمازهای واجب خصوصا نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح ومغرب وعشاء خصوصا برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود، بیشتر سفارش شده است.

مسأله ۲ _ حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنایی جائز نیست، وسزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مسأله ۳ _ اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، باید امر آنها را اطاعت کند و نماز را به جماعت بخواند .

مسأله ۴ _ نماز مستحبّ را نمی شود به جماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می خوانند ونمازی که واجب بوده و به جهتی مستحبّ شده است، مانند نمازعید فطر وقربان که در زمان حضور امام علیه السلام واجب بوده و به واسطه غائب شدن ایشان مستحبّ می باشد.

مسأله ۵ _ موقعی که امام جماعت نماز یومیّه را می خواند هرکدام از نمازهای یومیّه را می شود به او اقتدا کرد

مسأله ۶ _ در جمیع حالات جائز است که در بین نماز جماعت نیّت فرادی بنماید.

مسأله ۷ _ اگر در بین نماز جماعت نیّت فرادی نماید، نمی تواند دوباره نیّت جماعت کند ولی اگر مردد شود که نیّت فرادی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد که نماز را با جماعت تمام کند ، نمازش صحیح است.

مسأله ۸ _ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگرچه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش صحیح است ویک رکعت حساب می شود، امّا اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش باطل است.

مسأله ۹ _ اگر اوّل نماز یا بین حمد وسوره اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع رود، امام سر از رکوع بردارد نماز او صحیح است.

مسأله ۱۰ _ مأموم نباید جلوتر از امام بایستد بلکه احتیاط واجب آن است که مساوی هم نایستد ولی اگر قد او بلندتر از امام است، بنابر احتیاط واجب باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

مسأله ۱۱ _ اگر در نماز، بین مأموم وامام، یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک گام بلند فاصل پیدا شود، چنانچه فورا هم قصد فرادی نکند، نماز جماعتش باطل است ولی فرادی حساب می شود اگر به وظیفه فرادی عمل کند.

مسأله ۱۲ _ اگر در رکعت دوم اقتدا کند، لازم نیست حمد وسوره را بخواند ولی قنوت و تشهّد را با امام بخواند و احتیاط آن است که موقع

خوانـدن تشـهّد انگشـتان دست و سـینه پا را به زمین بگـذارد و زانوها را بلنـد کند و باید بعد از تشـهّد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا سجود خود را به امام برساند و اگر در سجده به امام برسد احوط آن است که قصد فرادی کند.

مسأله ۱۳ ـ اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است، اقتـدا کند باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعـد از دو سـجده بنشـیند و تشـهّد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع خود را به امام برساند.

مسأله ۱۴ ـ اگر در رکعت سوم یا چهارم باشـد ومأموم بدانـد که اگر اقتدا کند وحمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید.

مسأله ۱۵ ـ اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتـدا کنـد، باید حمد وسوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند ، ولی اگر در سجده به امام برسد ، احتیاطاً نماز را قصد فرادی کند .

مسأله ۱۶ ـ کسـی که اطمینان دارد که اگر سوره را شـروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می رسد، احتیاط واجب آن اسـت که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید.

احکام نماز جماعت

مسأله ۱ ـ مأموم باید غیر از حمد وسوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوم او با رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲ ـ اگر مأموم سلام امام را بشنود، یا بداند چه وقت سلام می گوید، احتیاط مستحبّ آن است که پیش از امام سلام نگوید و چنانچه عمدا یا سهوا پیش از امام سلام دهد، نمازش صحیح است، ولازم نیست دوباره با امام سلام دهد.

مسأله ۳ ـ اگر سهوا پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی کند، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد نمازش باطل است.

مسأله ۴ ـ اگر اشتباها سر بردارد وببیند امام در سجده است، باید به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد برای زیاد شدن دو سجده که رکن است نماز باطل نمی شود.

مسأله ۵ ـ اگر سهوا پیش از امام به رکوع رود وطوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می رسد، چنانچه سر بردارد و با امام به رکوع رود، نمازش صحیح است و اگر عمدا برنگردد، نمازش صحیح است گرچه به احتیاط مستحبّ نماز را تمام کند و دوباره اعاده نماید.

مسأله ۶ ـ اگر سهوا پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگرددبه چیزی از قرائت امام نمی رسد، در صورتی که صبر کند تا امام به او برسد،نمازش صحیح است.

مسأله ۷ ـ اگر سهوا پیش از امام به سجده رود بنابر احتیاط واجب برگردد و متابعت امام بنماید و در صورتی که صبر کند تا امام به او برسد نمازش به جماعت صحیح است ، در صورتی که امام زود برسد وگرنه فرادی می شود .

نماز جمعه

نماز جمعه از عبادت های سیاسی و عبادی است که می تواند بسیاری از مشکلات امت اسلامی در خطبه های نماز جمعه مطرح و رفع گردد و لذا حضور در نماز جمعه بسیار نیکو و شایسته است

مسأله ۱ ـ نماز جمعه همانند نماز صبح دو رکعت است و امتیازش از نماز صبح این است که دو خطبه در پیش دارد و واجب شدن آن به نحو مذکور چند شرط دارد

اوّل: داخل شدن وقت که عبارت است از زوال آفتاب تا گفتن اذان و خواندن دو خطبه و نماز جمعه پس اگر خواندن نماز بیش از این مقدار به تأخیر بیفتد بنابر احتیاط واجب نمی تواند نماز جمعه را بخواند

دوّم: شماره افراد که با امام هفت نفر است

سوّم: بودن امام عادل و جامع الشرائط برای اقامه نماز

مسأله ۲ ـ صحیح بودن نماز جمعه چند شرط دارد

اول: به جماعت باشد

دوم: خواندن دو خطبه قبل از نماز

سوم: مسافت بین دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ نباشد

مسأله ۳ _ بنابر اظهر نماز جمعه کفایت از نماز ظهر نمی کند

مسأله ۴ _ حرف زدن در هنگام خطبه جائز نیست، امام باشد یا مأموم و چنانچه حرف بزند مرتکب حرام شده است ولی موجب بطلان خطبه ونماز نمی شود.

مسأله ۵ _ گوش دادن به دو خطبه بنابر احتیاط، واجب است چون به منزله دو رکعت نماز است گرچه اگر گوش نداد موجب بطلان نماز نمی شود.

نماز آیات

مسأله ۱ _ نماز آیات که دستور آن بعدا گفته خواهد شد، به واسطه چهار چیز واجب می شود:

اوّل گرفتن خورشید،

دوم گرفتن ماه اگرچه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد،

سوم زلزله اگرچه کسی هم نترسد،

چهارم رعد وبرق وبادهای سیاه وسرخ ومانند اینها در صورتی که بیشتر مردم بترسند .

مسأله ۲ _ چیزهائی که نماز آیات برای آنها واجب است، در هر

شهری اتّفاق بیفتـد، فقط مردم همان شـهر بایـد نماز آیات بخوانند وبر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود، نماز آیات بر آنها هم واجب است.

مسأله ۳ ـ از وقتی که خورشـید یا ماه شـروع به گرفتن می کنـد، انسان بایـد نماز آیات را بخواند و بنابر احتیاط واجب باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع بباز شدن کند.

مسأله ۴ ـ اگر خوانـدن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شـروع به باز شدن کند، در این صورت باید بنابر احتیاط واجب نیّت ادا و قضا نکند ، ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند باید نیّت قضا نماید.

مسأله ۵ ـ اگر بعـد از باز شـدن آفتاب یا ماه بفهمـد که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند، ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.

مسأله ۶ ـ اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده باطل بوده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسأله ۷ ـ موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند باید نیت اداء کند

دستور نماز آیات

مسأله ۱ ـ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد

ودستور آن این است که انسان بعد از نیّت، تکبیر بگوید ویک حمد ویک سوره تمام بخواند و به رکوع رود وسر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد ویک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید وبرخیزد ورکعت دوم را هم مثل رکعت اوّل بجا آورد وتشهّد بخواند وسلام دهد.

مسأله ۲ ـ در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیّت وتکبیر وخواندن حمد، آیه های یک سوره را پنج قسمت کند ویک آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود وسر بردارد وبدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود وهمینطور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید، مثلاً ـ به قصد سوره « قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَد »، « بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم » بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: « قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَد » دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: « اللّهُ الصَّمَد »، باز به رکوع رود وبایستد و بگوید: « لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ » و برکوع برود و باز هم سر بردارد و بگوید: « وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوا أَحَد » و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند، ورکعت دوم را هم مثل رکعت اوّل بجا آورد و بعد از سجده دوم تشهّد بخواند ونماز را سلام دهد .

مسأله ۳ ـ اگر در نماز آیات شک کند که چند رکعت خوانده وفکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

مسأله ۴ ـ هریک از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمدا یا سهوا کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

استفتائات نماز آیات

سئوال ۱: آیا باران شدیدی که موجب خوف اکثر مردم شود، نماز آیات دارد؟

جواب: اگر اکثر مردم بترسند نماز آیات واجب است

سئوال ۲: آیا نماز آیات را می توان به جماعت خواند؟

جواب: بلی اشکال ندارد

سئوال ۳: آیا در نماز آیات هم جهر و اخفات شرط است؟

جواب: اگر جهراً خوانده شود بهتر است

نماز عید فطر و قربان

مسأله ۱ _ نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السلام غائب است، مستحبّ می باشد و می شود آن را به جماعت یا فرادی خواند.

مسأله ۲ _ وقت نماز عید فطر وقربان از اوّل آفتاب روز عید است تا ظهر.

مسأله ۳ _ نماز عید فطر وقربان دو رکعت است که در رکعت اوّل بعد از خواندن حمد وسوره، باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود ودو سجده بجا آورد وبرخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر، قنوت بخواند وتکبیر پنجم را بگوید

و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند وتشهّد بخواند ونماز را سلام دهد.

مسأله ۴ _ در قنوت نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکری بخوانند کافی است ولی بهتر است دعایی را که در کتب مفصّل نوشته شده را بخوانند

مسأله ۵ _ در نماز عید هم مثل نمازهای دیگر، مأموم باید غیر از حمد وسوره چیزهای دیگر نماز را خودش بخواند.

مسأله ۶ _ اگر مأموم موقعی برسد که امام مقداری از تکبیرها را گفته بعد از آن که امام به رکوع رفت، باید آنچه از تکبیرها وقنوتها را که با امام نگفته خودش بگوید و اگر در هر قنوت یک سبحان اللّه یا یک الحمد للّه بگوید کافی است.

مسأله ۷ _ اگر در نماز عید، موقعی برسد که امام در رکوع است می تواند نیّت کند وتکبیر اوّل نماز را بگوید و به رکوع رود، ولی اگر به هیچ تکبیر ویک سبحان اللّه نمی رسد، بهتر آن است که فرادی بخواند حتّی در صورتی که به یک تکبیر برسد.

روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند خودداری کند

نیّت

مسأله ۱ _ انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیّت کند و بهتر است که شب اوّل ماه هم نیّت روزه همه ماه را بنماید.

مسأله ۲ _ وقت نیّت روزه ماه رمضان از اوّل شب است تا اذان صبح.

مسأله ۳ _ اگر بداند ماه رمضان است وعمدا نیّت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می شود ونه روزه ای که قصد کرده است.

مسأله ۴ _ اگر پیش از اذان صبح نیّت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه اش صحیح است.

مسأله ۵ _ اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیّت کند و روزه او صحیح است و اگر کاری که روزه را باطل

می کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که رمضان است، روزه او باطل می باشد ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

چیزهایی که روزه را باطل می کند

مسأله ۱ ــ نه چیز روزه را باطل می کند: اوّل: خوردن وآشامیدن، دوم: جماع، سوم: استمناء، و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، چهارم: دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السلام ، پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق، ششم: فرو بردن تمام سر در آب، هفتم: باقی ماندن بر جنابت وحیض ونفاس تا اذان صبح، هشتم: اماله کردن با چیزهای روان، نهم: قی کردن، واحکام اینها در مسائل آینده گفته می شود.

خوردن وآشامیدن

مسأله ۱ ــ اگر روزه دار عمدا چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن وآشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان وآب، چه معمول نباشد مثل خاک وشیره درخت وچه کم باشد یا زیاد، حتّی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد ودوباره به دهان ببرد ورطوبت آن را فرو ببرد، روزه او باطل می شود مگر آن که رطوبت مسواک در آب دهان به طوری ازبین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود.

مسأله ۲ ــ اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح

شـده، بایـد لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمـدا فرو برد روزه اش باطل است و به دسـتوری که بعـدا گفته خواهد شـد کفّاره هم واجب می شود.

مسأله ۳ ـ اگر روزه دار سهوا چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

مسأله ۴ ـ اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است عمدا فرو ببرد، روزه اش باطل می شود وکفّاره هم باید بدهد.

مسأله ۵ ـ فرو بردن اخلاـط سر و سـینه، تـا به فضـای دهان نرسـیده، اشـکال نـدارد ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد .

مسأله ۶ ـ انسان نمی توانـد برای ضـعف، روزه رابخورد ولی اگر ضـعف او به قـدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمّل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

استمناء

مسأله ۱ ـ اگر روزه دار استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.

مسأله ۲ ـ اگر بی اختیار منی از او بیرون آیـد، روزه اش باطل نیست ولی اگر کاری کنـد که بدانـد بی اختیار منی از او بیرون خواهد آمد، و منی بی اختیار بیرون آمد روزه اش باطل می شود.

مسأله ۳ ـ کسی که می داند که اگر عمدا منی ازخود بیرون آورد،

روزه اش باطل می شود در صورتی که به قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی وشوخی کند، اگرچه منی از او بیرون نیاید، روزه او باطل می شود بنابر احتیاط.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر

مسأله ۱ ـ اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره ومانند اینها به خدا وپیغمبران وجانشینان پیغمبران عمدا نسبت دروغ بدهد، اگرچه فورا بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که به حضرت زهراء علیهاالسلام هم نسبت دروغ ندهد.

مسأله ۲ ـ اگر چیزی را باعتقاد این که راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه اش باطل نمی شود.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسأله ۱ ـ رساندن غبار غلیظ به حلق، روزه را باطل می کند چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک، و بنابر احتیاط واجب باید غباری را هم که غلیظ نیست به حلق نرساند مگر در صورتی که اجتناب از او مشکل وسخت باشد که در این صورت، روزه او صحیح است.

مسأله ۲ ـ احتیاط واجب آن است که روزه دار بخار غلیظ ودود سیگار و تنباکو و مانند اینها را هم به حلق نرساند.

فرو بردن سر در آب

مسأله ۱ ـ اگر روزه دار عمدا تمام سر را در آب فرو ببرد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، روزه اش باطل می شود ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی شود.

مسأله ۲ ـ اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو ببرد، روزه اش باطل نمی شود.

مسأله ۳ ـ اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند، روزه باطل می شود.

مسأله ۴ ـ اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد یا فراموش کند که روزه است و سر را در آب فروبرد، روزه او باطل نمی شود.

مسأله ۵ ـ اگر فراموش کند که روزه است و به نیّت غسل سر را در آب فرو برد، روزه وغسل او صحیح است.

مسأله ۶ ـ اگر بداند که روزه است وعمدا برای غسل سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او مثل روزه رمضان واجب معیّن باشد، روزه وغسل هر دو باطل است و اگر روزه مستحبّ باشد، یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفّاره، وقت معیّنی ندارد، غسل صحیح وروزه باطل می شود.

باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

مسأله ۱ ـ اگر جنب عمدا تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او

تیمّم است عمـدا تیمّم ننمایـد، اگر روزه او روزه ماه رمضان یا قضای رمضان باشـد، روزه اش باطل است و همچنین است بنابر احتیاط واجب در روزه های واجب دیگر.

مسأله ۲ ـ کسـی که جنب است ومیخواهـد روزه واجبی بگیرد که مثـل روزه رمضان وقت آن معیّن است چنانچه عمـدا غسـل نکند تا وقت تنگ شود، باید تیمّم کند وروزه بگیرد، اگرچه گناه کرده است.

مسأله ۳ ـ اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید و اگر بعـد از چنـد روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده، قضا نماید مثلًااگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضاکند.

مسأله ۴ ـ کسی که در شب ماه رمضان برای هیچکدام از غسل وتیمّم وقت ندارد اگر خود را جنب کند، روزه اش باطل است وقضـا وکفّـاره بر او واجب می شود، ولی اگر برای تیمّم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کنـد، بایـد تیمّم نمایـد وروزه بگیرد اگرچه گناه کرده است.

مسأله ۵ ـ کسـی که در شب مـاه رمضان جنب است و می دانـد یا اطمینان دارد که اگر بخوابـد پیش از اذان صـبح بیـدار می شود، چنانچه تصـمیم داشـته باشـد که بعـد از بیـدار شـدن غسل کنـد و با این تصـمیم بخوابـد وتا اذان خواب بماند، روزه اش صحیح است.

مسأله ۶ ـ خوابی را که در آن محتلم شده، خواب اوّل حساب نمی شود و بعد از علم به جنابت اگر دوباره به قصد این که بعد از بیدار

شدن قبل از اذان، غسل کند، بخوابد در حالی که بداند و یا اطمینان داشته باشد که بیدار می شود و تا اذان خواب بماند روزه او صحیح است و قضا و کفاره هم ندارد و اگر دو مرتبه بخوابد با همان شرائط و تا اذان صبح خواب بماند روزه آن روز را باید قضا کند و اگر برای بار سوم بخوابد با همان شرائط و تا اذان صبح بیدار نشود قضای آن روز را بگیرد و به احتیاط واجب کفاره هم بدهد و در دو صورتی که باید روزه را قضا کند حق ندارد آن روز را افطار نماید.

مسأله ۷ _ اگر روزه دار در روز محتلم شود، واجب نیست فورا غسل کند.

مسأله ۸ _ هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود وببیند محتلم شده، اگرچه بداند پیش از اذان صبح محتلم شده، روزه او صحیح است.

مسأله ۹ _ اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان وقضای آن، تا اذان صبح جنب بماند ولی از روی عمد نباشد، چنانچه وقت آن روزه معیّن است مثلاً ـ نذر کرده که آن روز را روزه بگیرد، روزه اش صحیح است و اگر مثل روزه کفّاره وقت آن معیّن نیست، احتیاط مستحبّ آن است که غیر از آن روز، روز دیگری را روزه بگیرد.

مسأله ۱۰ _ اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود وعمدا غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمّم است عمدا تیمّم نکند، روزه اش باطل است.

مسأله ۱۱ _ اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک

شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگرچه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

مسأله ۱۲ _ کسی که مسّ میّت کرده یعنی جایی از بدن خود را به بدن میّت رسانده، می تواند بدون غسل مسّ میّت روزه بگیرد، و اگر در حال روزه هم میّت را مسّ نماید، روزه او باطل نمی شود.

اماله کردن

مسأله ۱ _ اماله کردن با چیز روان اگرچه از روی ناچاری وبرای معالجه باشد، روزه را باطل می کند.

قی کردن

مسأله ۱ _ هرگاه روزه دار عمدا قی کند اگرچه به واسطه مرض ومانند آن ناچار باشد، روزه اش باطل می شود ولی اگر سهوا یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد.

مسأله ۲ _ اگر سهوا چیزی را فرو ببرد و پیش از رسیدن به گلو یادش بیاید که روزه است، چنانکه ممکن باشد باید آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است.

مسأله ۳ _ اگر آروغ بزند وچیزی در دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است.

استفتائات مبطلات روزه

سئوال ۱: اگر کسی متوجه نبود و قبل از آنکه اذان مغرب از رادیو پخش شود روزه را افطار کرد روزه او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بدون تحقیق و همراه با بی توجهی بوده احتیاطاً روزه را قضا کند و اگر با تحقیق افطار کرده است روزه او صحیح است.

سئوال ۲: آیا استفاده از آمپول هایی که برای دارو و درمان است یا آمپول های تقویتی و سرم برای روزه اشکال دارد؟

جواب: استفاده از آمپول های غیر تقویتی برای روزه دار مانعی ندارد ولی احتیاطاً از آمپول های تقویتی اجتناب شود

سئوال ۳: آیا مسواک زدن روزه را باطل می کند؟

جواب: اگر آب یا خمیر دندان وارد حلق نشود روزه را باطل نمی کند

سئوال ۴: شخصی که جنب بوده اگر قبل از اذان تیمم کند و بعداً غسل کند روزه او صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر دسترسی به آب جهت غسل ندارد یا وقت برای غسل کافی نباشد، تیمّم بدل از غسل کند و روزه او صحیح است.

سئوال ۵: استعمال سیگار برای روزه دار چه حکمی دارد؟

جواب: با احتیاط واجب نباید دود سیگار به حلق برسد والا روزه باطل است

سئوال ۶: اگر فردی عمداً در ماه رمضان یکی از مفطرات روزه را انجام داد آیا بعد از بطلان روزه می تواند مفطرات دیگر را انجام دهد؟ (مفطرات یعنی کارهایی که روزه را باطل می کند)

جواب: بعد از بطلان روزه این فرد بجا آوردن مفطرات دیگر در طول روز حرام است.

سئوال ۷: غلط خواندن قرآن در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

جواب: غلط خوانی عمـدی قرآن جایز نیست و اگر بـدون توجه غلط خوانـده شود اشـکال ندارد گرچه باید سـعی شود که در خواندن قرآن دقت شود

سئوال ۸: آیا اعتیاد به سیگار، نوعی مریضی حساب می شود و فرد معتاد به آن، می تواند افطار کند؟

جواب: افطار کردن جایز نیست.

کفاره روزه

مسأله ۱ ــ کسـی که کفّاره روزه رمضان بر او واجب است، بایـد یک بنده آزاد کند یا به دسـتوری که در مسأله بعد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد یا شـصت فقیر را سـیر کند یا به هرکدام یک مدّ که تقریبا ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، مخیّر است یا هیجده روز پی در پی روزه بگیرد و یا هر چند مد که می تواند به فقیر اطعـام بدهـد واحوط مسـتحبّ آن است که اختیـار نمایـد تصـدّق بر فقراء را و اگر نتوانـد روزه بگیرد وطعـام بدهـد، باید استغفار کند اگرچه مثلاً یک مرتبه بگوید « أَسْتَغْفِرُ اللّه » و واجب آن است که هر وقت بتواند، کفّاره را بدهد.

مسأله ۲ ــ کسـی که می خواهد دو ماه کفّاره روزه رمضان رابگیرد، باید سی ویک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیّه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد.

مسأله ۳ _ اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند، وعقیده هم داشته که این کار حلال است بنابر احتیاط کفّاره بر او واجب می شود اگر می توانسته مسأله را یاد بگیرد.

مسأله ۴ _ کسی که می خواهد دو ماه کفّاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی ویک روز، روزی باشد که مانند عید قربان، روزه آن حرام است البته این حکم در صورتی است که بداند، وامّا اگر نداند وغافل بوده ضرر ندارد.

مسأله ۵ _ اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد مثل خوردن غذای حلالی که برای انسان ضرر دارد ونزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، کفّاره جمع بر او واجب می شود یعنی باید یک بنده آزاد کند ودو ماه روزه بگیرد وشصت فقیر را سیر کند یا به هرکدام آنها یک مدّ که تقریبا ده سیر است گندم یا جو یا نان ومانند اینها بدهد و چنانچه هرسه برایش ممکن نباشد، هرکدام آنها که ممکن است باید انجام دهد.

مسأله ۶ _ اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر نسبت دهد، بنابر احتیاط واجب کفّاره جمع بر او واجب می شود.

مسأله ۷ _ اگر روزه دار آروغ بزند وچیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمدا آن را فرو ببرد، روزه اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد وکفّاره هم بر او واجب می شود و اگر خوردن آن چیز حرام باشد مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده، به

دهان او بیاید وعمدا آن را فرو برد باید قضای آن روزه را بگیرد و بنابر احتیاط کفّاره جمع هم بر او واجب می شود.

مسأله ۸ ـ انسان نباید در بجا آوردن کفّاره کوتاهی کند ولی لازم نیست فورا آن را انجام دهد.

مسأله ۹ ـ اگر کفّاره بر انسان واجب شود وچند سال آن را بجا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود.

مسأله ۱۰ ـ کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمدا کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، باید به ده فقیر هرکدام یک مدّ که تقریبا ده سیر است طعام بدهد و اگر نمی تواند، سه روز روزه بگیرد.

جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

مسأله ۱ ـ در چند صورت فقط قضای روزه واجب است و کفاره واجب نیست

۱ ـ خروج منی به ملاعبه و امثال آن در صورتی که قصد خروج منی را نداشته باشد و عادت او هم خروج منی نباشد

۲ ـ آنکه در شب ماه رمضان جنب شود و بعد از علم به جنابت دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود

۳ ـ آنکه روزه را بقصد ریا بگیرد یا نیت روزه را نکند و یا نیت کند که روزه نباشد

۴ ـ آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت

یک یا چند روز روزه را بگیرد

۵ _ آنکه در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه و یا به گمان یا شک در اینکه صبح شده یا نه کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

۶ _ آنکه طبق گفته فردی که می گوید هنوز صبح نشده کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

۷ _ آنکه کسی بگوید صبح شده و مکلف به خیال اینکه آن فرد شوخی می کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

۸ _ آنکه کور و مانند آن طبق گفته کس دیگر افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

۹ _ آنکه در هوای صاف به واسطه تاریکی هوا یقین کند مغرب شده و افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

۱۰ _ آنکه برای خنک شدن و یا بی جهت مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود.

احکام روزه قضا

مسأله ۱ _ روزه ای که از انسان به واسطه مستی فوت شود، باید قضا نماید اگرچه چیزی را که به واسطه آن مست شده، برای معالجه خورده باشد.

مسأله ۲ _ کسی که قضای روزه رمضان را گرفته اگر وقت قضای

روزه او تنگ نباشد، می تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید.

مسأله ۳ _ اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدا قضای روزه را نگیرد باید روزه را قضا کند وبرای هر روز یک مدّ گندم یا جو ومانند اینها هم به فقیر بدهد.

مسأله ۴ _ اگر قضای روزه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد، باید قضا را بگیرد وبرای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

مسأله ۵ _ بعد از مرگ پدر، بر پسر بزرگتر واجب است قضای روزه رمضان و همچنین روزه های واجب دیگری مانند روزه نذری که پدر نگرفته را بجا آورد و احتیاط مستحب آن است که قضای روزه مادر را هم بگیرد

احکام روزه مسافر

مسأله ۱ _ مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند نباید روزه بگیرد ومسافری که نمازش را تمام می خواند، مثل کسی که شغلش مسافرت، یا سفر او سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسأله ۲ _ مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

مسأله ۳ _ اگر نذر کند روزه بگیرد وروز آن را معیّن نکند، نمی تواند آن را در سفر بجا آورد ولی چنانچه نذر کند که روز معیّنی را در سفر

روزه بگیرد، بایـد آن را در سـفر بجا آورد و نیز اگر نـذر کند روز معیّنی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد، باید آن روز را اگرچه مسافر باشد، روزه بگیرد.

مسأله ۴ _ مسافر می تواند برای خواسـتن حاجت سه روز در مدینه طیّبه روزه مستحبّی بگیرد و بنابر احتیاط باید سه روز، چهار شنبه وپنج شنبه وجمعه باشد.

مسأله ۵ _ کسـی که نمی دانـد روزه مسافر باطل است، اگر در سـفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد، روزه اش باطل می شود و اگر تا مغرب نفهمد، روزه اش صحیح است.

مسأله ۶ _ اگر فراموش کنـد که مسـافر است، یـا فراموش کنـد که روزه مسافر باطل می باشـد و در سـفر روزه بگیرد، روزه او باطل است.

مسأله ۷ _ اگر روزه دار بعـد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حدّ ترخّص برسـد، بایـد روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، کفّاره بر او واجب است وامّا اگر قبل از ظهر از شهر خود حرکت کند ولکن بعد از ظهر به حدّ ترخّص برسد روزه او صحیح است ولی اگر قبل از ظهر به حدّ ترخّص برسد لکن بعد از ظهر وارد شهر خود بشود در این صورت بنابر احتیاط واجب قضا هم دارد.

مسأله ۸ _ اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسـد، یا به جایی برسـد که می خواهـد ده روز در آنجا بمانـد، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، روزه آن

روز بر او واجب نیست.

مسأله ۹ ــ اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

استفتائات کفاره و قضای روزه

سئوال ۱: شخص جنب در ماه رمضان وقتی سر و گردن خود را می شوید اذان صبح می شود آیا روزه او صحیح است؟

جواب: در صورتی که عمداً غسل را تأخیر نینداخته و مقصّر نبوده، روزه او صحیح است و در صورت تقصیر، فقط باید روزه را قضا کند.

سئوال ۲: اگر کسی در ماه رمضان به صحنه تهییج کننده یا نامحرم نگاه کند و جنب شود آیا روزه او باطل است و کفاره هم دارد یا خیر؟

جواب: اگر اطمینان داشته که منی از او خارج نمی شود ولی اتفاقاً بیرون بیاید به احتیاط مستحب روزه را قضا کند ولی اگر اطمینان ندارد و به نامحرم یا صحنه تهییج کننده نگاه کند و منی از او خارج شود روزه را قضا کند و کفاره هم بدهد

خمس

مسأله ۱ ـ در هفت چیز خمس واجب می شود:

اوّل: منفعت کسب؛

دوم: معدن؛

سوم: گنج؛

چهارم: مال حلال مخلوط به حرام؛

پنجم: جواهری که به واسطه غوّاصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید؛

ششم: غنیمت جنگ؛

هفتم: زمینی که کافر ذمّی از مسلمان بخرد

منفعت کسب و کار

مسأله ۱ ـ هرگاه انسان از راه تجارت یا صنعت یا زراعت یا کسبهای دیگر، مالی را بدست آورد چنانچه از مخارج سال خود و یا عیالش بیشتر بیاید باید ۵۱ آن را خمس بدهد

مسأله ۲ _ اگر از غیر کسب مالی به دست آورد مثلاً چیزی به او ببخشند و از مخارج سالش بیشتر بیاید واجب است خمس آن را بدهد.

مسأله ۳ _ مالی که به او ارث می رسد خمس ندارد مگر در چند حالت:

۱ _ بداند که آن فردی که از او مال را به ارث برده خمس مال را نداده است که اول باید خمس مال را بدهد و سپس در آن تصرّف کند

۲ _ از آن مال بعنوان سرمایه استفاده کند و سودی بدست آورد که آن سود اگر از سال او زیاد بیاید خمس دارد

۳ _ صاحب آن مال خمس آن را داده است ولی مال زمانی که به او ارث می رسد افزایش قیمت پیدا کند که در این صورت افزایش قیمت آن خمس دارد

۴ _ مال از جایی به او ارث برسد که انتظار آن را نمی کشید مثلاً از پسرخاله یا پسرعمو مالی به او ارث برسد

مسأله ۴ _ انسان می تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آمد خمس آن را بدهد بعد از این که اطمینان پیدا کند که از مصارف سالش زیاد می آید و جائز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد، و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد با مصالحه با حاکم شرع یا وکیل او مانعی ندارد.

مسأله ۵ _ آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراك و پوشاك و اثاثیه وخرید منزل و عروسی وجهیزیّه دختر وزیارت ومانند اینها می رسد، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد وزیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

مسأله ۶ ـ اگر در اوّل سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

مال حلال مخلوط به حرام

مسأله ۷ ـ اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد وصاحب مال حرام ومقدار آن، هیچکدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد ، و بقیه مال، حلال می شود.

مصرف خمس

مسأله ۱ ـ خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است و باید به سیّد فقیر، یا سیّد یتیم، یا به سیّدی که در سفر درمانده بدهند ونصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند، یا به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند

مسأله ۲ ـ سیّد یتیمی که به او خمس می دهند، باید فقیر باشد ولی به سیّدی که در سفر درمانده شده، اگر در وطنش فقیر هم نباشد، می شود خمس داد.

مسأله ۳ ـ به سیّدی که عادل نیست می شود خمس داد ولی به سیّدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند.

مسأله ۴ _ اگر کسی بگوید سیّدم نمی شود به او خمس داد، مگر آن که دو نفر عادل سیّد بودن او را تصدیق کنند، یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین کند سیّد است.

استفتائات خمس

سئوال ۱: آیا خمس از ضروریات دین است یا مذهب و منکر خمس چه حکمی دارد؟

جواب: خمس از ضروریات دین است و منکر آن مرتدّ و حکم کافر را دارد

سئوال ۲: آیا پولی را که جوانان برای ازدواج یا خرید مسکن پس انداز می کنند یا برای ثبت نام حج در بانک می گذارند خمس دارد؟

جواب: باید خمس آن را بدهند

سئوال ۳: فرزندی با پدر زندگی می کند و حدود هفتصد هزار تومان پول دارد که از راه هدیه و کار بدست آورده است آیا خمس دارد یاخیر؟

جواب: در فرض مذکور تمام پس انداز خمس دارد

سئوال ۴: فرزندی که تحت تکفّل والدین (پدر و مادر) خود است تکلیف خمس او چگونه است؟

جواب: اگر درآمدی دارد باید برای خود زمانی را به عنوان سر سال خمسی معین کند و تمام درآمد حاصله را در سر سال خمسی تخمیس کند یعنی ۵۱ آن را بابت خمس بدهد

سئوال ۵: آیا هبه، هدیه و عیدی خمس دارد؟

جواب: بنظر ما اگر صرف در هزینه زندگی شود خمس ندارد و اگر کنار بگذارد و سال به آن بگذرد باید خمس آن را بپردازد.

سئوال ۶: آیا وام بانکی خمس دارد؟

جواب: اگر صرف در هزینه زندگی نشود و کنار گذاشته شود خمس دارد

زکاه

مسأله ۱ ـ زکاه به نه چیز تعلّق می گیرد

۱ ـ گندم

۲ ـ جو

۳ ـ خرما

۴ ـ کشمش

۵ ـ طلا

۶ ـ نقره

۷ ـ گاو

۸ ـ گوسفند

۹ ـ شتر

مسأله ۲ ـ زکاه این ۹ چیز در صورتی واجب می شود که به حدّ نصاب برسد و نصاب هریک از آنها در رساله عملیّه نوشته شده است.

مسأله ۳ ـ مستحقین زکاه هشت دسته هستند که در کتاب رساله نوشته شده است

زکاه فطره

مسأله ۱ _ کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ وعاقل وهوشیار

است و فقیر وبنـده کس دیگر نیست، بایـد برای خودش وکسانی که نان خور او هسـتند، هر نفری یک صاع که تقریبا سه کیلو است گندم یا جو یا خرما یا کشـمش یا برنج یا ذرّت ومانند اینها را به مستحقّ بدهد و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است .

مسأله ۲ _ کسـی که مخارج خود وعیالاتش را نـدارد و کسـی را هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند فقیر است و دادن زکاه فطره بر او واجب نیست.

مسأله ۳ _ مستحقین زکات فطره همان ۸ دسته مستحقین زکات هستند که در رساله های عملیه بیان شده است.

حج

مسأله ۱ ـ حج از واجباتی است که در طول عمر یک بار بر هر انسان مستطیع، واجب می شود و آن به معنای زیارت خانه خدا است

مسأله ۲ ـ استطاعت یعنی توان بجا آوردن حج خانه خدا که به چند چیز است

۱ ـ استطاعت بدنی یعنی سلامت مزاج داشته باشد

۲ ـ استطاعت مالی یعنی توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد

۳ ـ استطاعت طریقی یعنی راه بسته نباشد و یا مانع دیگری وجود نداشته باشد

۴ ـ استطاعت زمانی یعنی زمان برای انجام مناسک حج وجود داشته باشد

مسأله ۳ ـ یکی از شرایط استطاعت مالی این است که انسان بعد از رجوع از حج، مخارج خود و یا فرزندان و عیال خود را داشته باشد و محتاج دیگران نباشد که آن را رجوع به کفایت گویند

مسأله ۴ _ حج از واجباتی است که احکام زیادی دارد و لذا علما کتاب مستقلی در باب احکام حج نوشته اند که بنام مناسک حج معروف است و برای اطلاع از احکام حج باید به آن مراجعه شود.

خرید و فروش

مسأله ۱ _ معاملات حرام شش چیز است

۱ _ خرید و فروش عین نجس مثل بول و غائط

۲ _ خرید و فروش مال غصبی

۳ _ خرید و فروش چیزی که مال نیست مثل حیوان درنده در صورتی که منفعت عقلائی نداشته باشد

۴ _ معامله چیزی که منفعت غالب آن فقط در راه حرام است مثل اسباب قمار

۵ _ معامله ای که در آن ربا باشد

۶ _ فروش جنسی که با دیگری مخلوط باشد در صورتی که آن جنس مخلوط، معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار چیزی نگوید که این را غشّ گویند

مسأله ۲ _ فروختن چیز پاکی که نجس شده وآب کشیدن آن ممکن است اشکال ندارد، ولی اگر مشتری آن چیز را برای کاری بخواهد که شرط آن پاک بودن است مثل لباس که می خواهد با آن نماز بخواند ،

احتیاط واجب آن است که فروشنده نجس بودن آن را به او بگوید.

مسأله ۳ _ خرید وفروش دواهای متنجّس حرام است اگر منفعتشان در خوردن وآشامیدن منحصر باشد ولی اگر بشود استفاده های دیگر کرد از آنها مثل سوزانیدن یا مالیدن به بدن مانعی ندارد و همچنین اگر پول را برای ظرف آن یا برای زحمت دوا فروش بدهند اشکال ندارد.

مسأله ۴ _ خرید وفروش مسکرات حرام ومعامله آنها باطل است.

مسأله ۵ _ خرید و فروش آلات لهو مثل تار وساز حتّی سازهای کوچک حرام است.

مسأله ۶ _ اگر چیزی که می شود استفاده حلال از آن ببرند به قصد این بفروشد که آن را در حرام مصرف کنند مثلاً انگور را به این قصد بفروشد که از آن شراب تهیّه نماید، معامله آن حرام وباطل است.

مسأله ۷ _ خرید و فروش مجسّمه مکروه است به کراهت شدید، ولی خرید و فروش صابونی که روی آن مجسمه دارد، اگر مقصود معامله صابون باشد کراهتی ندارد.

مسأله ۸ _ خرید و فروش انواع مختلف و شرائط متعددی دارد که برای اطلاع از آنها باید به کتاب رساله مراجعه شود

استفتائات خرید و فروش

سئوال ۱: خرید و فروش موادّ مخدّر، دخانیات و تهیه و توزیع آنها چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش و تهیه و توزیع مواد مخدّر از قبیل هروئین

و کوکائین جایز نیست ولی خرید و فروش دخانیات اشکال ندارد.

سئوال ۲: خرید و فروش کتب ضالّه و غیر اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش کتب ضالّه که دارای مطالب باطل و گمراه کننده است جایز نیست مگر اینکه فردی از لحاظ علمی و دینی دارای اطلاعات کافی است بطوریکه از مطالب کتاب، گمراه نمی شود که در این صورت خرید آن برای او اشکال ندارد

صلح

مسأله ۱ ــ صلح آن است که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند، یا از طلب یا حقّ خود بگذرد که او هم در عوض، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب یا حقّی که دارد بگذرد بلکه اگر بدون آن که عوض بگیرد مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کند، یا از طلب یا حقّ خود بگذرد بازهم صلح صحیح است.

مسأله ۲ ــ اگر کسی بخواهد طلب یا حقّ خود را به دیگری صلح کند در صورتی صحیح است که او قبول نماید، ولی اگر بخواهد از طلب یا حقّ خود بگذرد قبول کردن او لازم نیست ولی عنوان صلح ندارد بلکه ابراء است.

مسأله ۳ ــ اگر از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدّتی بگیرد، اگر هرآینه مقداری از طلب خود را گذشت کند وبقیّه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

مسأله ۴ ــ اگر دو نفر چیزی را باهم صلح کنند، با رضایت یکدیگر

می توانند صلح را به هم بزنند و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از آنان حقّ به هم زدن معامله را قرار داده باشند، کسی که آن حقّ را دارد می تواند صلح را به هم بزند.

قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده که هرکس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و مانعی هم ندارد و ندهد، بهشت بر او حرام می شود

مسأله ۱ ـ هر وقت بدهکار بدهی خود را بدهد، طلبکار باید قبول نماید مگر در وقت قرض دادن تأجیل شده باشد در این صورت قبول لازم نیست .

مسأله ۲ ـ اگر در صیغه قرض برای پرداخت، مدّتی قرار دهند، واجب آن است که طلبکار پیش از تمام شدن آن مدّت طلب خود را مطالبه نکند ولی اگر مدّت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را مطالبه نماید .

مسأله ۳ ـ اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار

بتواند بدهی خود را بدهد، باید فورا آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.

مسأله ۴ _ اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد .

مسأله ۵ _ اگر طلبکار هنگام پس گرفتن مال بیشتر از مقداری را که داده است، طلب کند ربا و حرام است و همچنین اگر موقع دادن مال شرط کند که بیشتر از این مقدار را پس می گیرم حرام است اما اگر خود بدهکار با رضایت خود و بدون اینکه طلبکار شرط کند، هنگام دادن بدهی خود مقداری بیشتر به طلبکار بدهد، اشکال ندارد بلکه مستحب است

مسأله ۶ _ اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد چک یا سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کمتر از آن بفروشد، اشکال ندارد.

احکام ودیعه (امانت)

مسأله ۱ _ اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند یا بدون اینکه حرفی بزنند به صاحب مال بفهماند که مال را برای نگهداری به او داده و او هم به قصد نگهداری بگیرد باید در نگهداری آن تمام تلاش خود را بکار ببرد

مسأله ۲ _ کسی که چیزی را امانت می گذارد، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که امانت را قبول می کند، هر وقت بخواهد می تواند آن را به صاحبش برگرداند.

مسأله ۳ _ اگر انسان از نگهداری امانت منصرف شود و ودیعه را به هم بزند باید در صورت امکان هرچه زودتر مال را به صاحب آن یا وکیل یا ولیّ صاحبش برساند، یا به آنان خبر دهد که به نگهداری حاضر نیست و اگر بدون عذر، مال را به آنان نرساند وخبر هم ندهد، چنانچه مال تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

مسأله ۴ _ کسی که امانت را قبول می کند، اگر در نگهداری آن کوتاهی نکند وتعدّی یعنی زیاده روی هم ننماید واتّفاقا آن مال تلف شود، ضامن نیست ولی اگر آن را در جایی بگذارد که گمان می رود ظالمی بفهمد یا در جایی بگذارد که ایمن از فهمیدن ظالم نیست هرچند گمان بفهمیدن ظالم نرود و ظالم آن را ببرد، چنانچه تلف شود باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

مسأله ۵ _ اگر صاحب مال بمیرد، امانت دار باید مال را به وارث او برساند و اگر نمی تواند برساند به وارث او خبر دهد و چنانچه مال را به وارث او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند ومال تلف شود ضامن است، ولی اگر برای آن که می خواهد بفهمد کسی که می گوید من وارث میّتم راست می گوید یا نه، یا میّت وارث دیگری دارد یا نه، مال را ندهد و مال تلف شود، ضامن نیست.

احکام عاریه

مسأله ۱ ــ عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض چیزی هم از او نگیرد.

مسأله ۲ ــ چیزی را که منفعتش مال انسان است مثلاً آن را اجاره کرده می تواند عاریه بدهد اگر عاریه گیرنده محلّ وثوق باشد ولی اگر در اجاره شرط کرده باشد که خودش از آن استفاده کند، نمی تواند آن را به دیگری عاریه دهد.

مسأله ۳ ــ اگر در نگهداری چیزی که عاریه کرده کوتاهی نکند و در استفاده از آن هم زیاده روی ننماید واتّفاقا آن چیز تلف شود ضامن نیست، ولی چنانچه شرط کنند که اگر تلف شود عاریه کننده ضامن باشد، یا چیزی را که عاریه کرده طلا ونقره باشد، باید عوض آن را بدهد.

مسأله ۴ ــ اگر عاریه دهنده بمیرد، عاریه گیرنده باید چیزی را که عاریه کرده به ورثه او بدهد.

مسأله ۵ ــ کسی که چیزی را عاریه داده هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده هر وقت بخواهد می تواند آن را پس دهد.

مسأله ۶ ــ چیزی را که عاریه کرده بدون اجازه صاحب آن نمی تواند به دیگری اجاره یا عاریه دهد.

ازدواج

مسأله ۱ _ به واسطه عقد ازدواج زن به مرد حلال می شود و آن بر دو قسم است

۱ _ عقـد موقت: که مـدّت زناشویی در آن معین شود مثلاً زن را به مـدّت یک روز یا یک ماه یا بیشتر عقـد نماینـد که آن را متعه یا صیغه می نامند

۲ _ عقد دائم: که مدت زناشویی در آن معیّن نشود

مسأله ۲ _ در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم باید صیغه خوانده شود وتنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند.

مسأله ۳ _ وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود.

مسأله ۴ _ زن و مرد تا یقین نکننـد که وکیل آنها صـیغه را خوانـده است، نمی توانند بیکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی کند ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی است.

مسأله ۵ ـ یک نفر می تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شود وامّا زوج بنابر احتیاط واجب نمی توانـد از طرف زن وکیل شود و او را برای خود بطور دائم یا غیر دائم عقـد کنـد ولی زن می تواند وکیل از زوج در قبول عقد خود بشود و احتیاط مستحبّ آن است که عقد را دو نفر بخوانند.

دستور خواندن عقد دائم و موقت

مسأله ۱ ـ اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند، اوّل زن بگوید: « زَوَّجْتُکَ نَفْسی عَلَی الصِّداقِ المَعْلوم » (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معیّن شـده) پس از آن بـدون فاصـله مرد بگویـد: « قَبِلْتُ التَّزْویج » (یعنی قبول کردم ازدواج را) که عقد صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند، چنانچه مثلاً اسم مرد احمد واسم زن فاطمه باشـد و وکیل زن بگویـد: « زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتی فاطِمَهَ مُوَکِّلَکَ أحْمَـدَ عَلی الصِّداقِ المَعْلوُم »، پس بـدون فاصـله وکیل مرد بگوید: « قَبِلْتُ لمِوُکِّلی أحْمَدَ عَلَی الصِّداق »، صحیح می باشد و بنابر احتیاط مستحبّ باید لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد، مثلاً اگر زن « زَوَّجتُ » می گوید، مرد هم « قَبِلْتُ الْتَّزویج » بگوید.

مسأله ۲ ـ اگر خود زن و مرد بخواهنـد صـیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آن که مدّت و مهر را معیّن کردند، چنانچه زن بگوید: « زَوَّجْتُکَ نَفْسِی فِی المُدَّهِ المَعْلُومَهَ عَلی المَهْرِ المَعْلوم »، بعد بدون فاصله

مرد بگوید: « قَبِلْتُ ذلِکَ »، صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند و اوّل وکیل زن به وکیل مرد بگوید: « مَتَّعْتُ مُوَکِّلَتی مُوَکِّلَکَ فِی المُدّهِ المَعْلُومَهِ عَلی المَهْرِ المَعْلوم »، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: « قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا »، صحیح می باشد.

شرائط عقد

مسأله ۱ _ عقد ازدواج چند شرط دارد:

اوّل: آن که بنابر احتیاط واجب به عربی صحیح خوانده شود، و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، چنانکه ممکن باشد احتیاط آن است کسی را که می تواند به عربی صحیح بخواند، وکیل کنند و اگر ممکن نباشد، خودشان می توانند به غیر عربی بخوانند امّا باید لفظی بگویند که معنی زوّجتُ وقبلت را بفهماند؛

دوم: مرد و زن، یا وکیل آنها که صیغه را می خواند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند، زن به گفتن زوّجتک نفسی قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن قبلت التزویج، زن بودن او را برای خود قبول نماید و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می خوانند، به گفتن زوّجت وقبلت قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند، زن و شوهر شوند؛

سوم: کسی که صیغه را می خواند، باید بالغ و عاقل باشد چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد؛

چهارم: اگر وکیل زن و شوهر یا ولیّ آنها صیغه را می خوانند، در

عقد، زن و شوهر را معیّن کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند پس کسی که چند دختر دارد اگر به مردی بگوید « زوّجتكَ احدی بناتی » (یعنی زن تو نمودم یکی از دخترانم را) و او بگوید قبلت (یعنی قبول کردم)، چون در موقع عقد، دختر را معیّن نکرده اند عقد باطل است؛

پنجم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند ولی اگر زن ظاهرا به سختی اذن دهد ومعلوم باشد قلبا راضی است، عقد صحیح است.

مسأله ۲ _ اگر در عقد یك حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند، عقد باطل است.

مسأله ۳ _ دختری که بحدّ بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد اگر بخواهد شوهر کند چنانچه باکره باشد، بنابر احتیاط واجب باید از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد و اجازه مادر و برادر لازم نیست.

مسأله ۴ _ اگر پدر و جدّ پدری غائب باشند و دختر نیز احتیاج به تزویج داشته باشد یا دختر باکره نباشد، اجازه پدر وجدّ لازم نیست.

عدّه ای از زنها که ازدواج با آنان حرام است

مسأله ۱ _ ازدواج با زنهایی که مثل مادر وخواهر ومادر زن با انسان محرم هستند، حرام است.

مسأله ۲ _ اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید اگرچه با او نزدیکی نکند، مادر ومادر مادر آن زن و مادر پدر او به آن مرد محرم می شوند.

مسأله ۳ _ اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید دختر و نوه دختری و پسری آن زن هرچه پایین روند چه در وقت عقد باشند یا بعدا به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند.

مسأله ۴ _ عمّه وخاله پدر وعمّه وخاله پدر پدر وعمّه وخاله مادر وعمّه وخاله مادر مادر هرچه بالا روند، به انسان محرمند.

مسأله ۵ _ پدر وجدّ شوهر هرچه بالا روند وپسر ونوه پسری ودختری او هرچه پایین آیند چه در موقع عقد باشند یا بعدا به دنیا بیایند، به زن او محرم هستند.

مسأله ۶ _ اگر زنی را برای خود عقد کند، دائمه باشد یا صیغه، تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید بلکه همچنین است اگر در عدّه متعه باشد.

مسأله ۷ _ زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر درآید، مرد مسلمان هم نمی تواند با زنهای کافره بطور دائم ازدواج کند ولی صیغه کردن زنهای اهل کتاب مانند یهود ونصاری مانعی ندارد .

مسأله ۸ _ اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود ونمی تواند بعدا هم او را برای خود عقد کند.

احکام عقد دائم

مسأله ۱ _ زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذّتی که او می خواهد تسلیم نماید وبدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از

شوهر اطاعت کند تهیّه غذا ولباس ومنزل او بر شوهر واجب است و اگر تهیّه نکند چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد، مدیون زن است.

مسأله ۲ ـ اگر زن در کارهائی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند، گناهکار است و حقّ غذا و لباس و منزل و همخوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی رود.

مسأله ۳ ـ مرد حقّ ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند.

مسأله ۴ ـ مرد بنابر احتیاط واجب باید در هر چهار شب یک شب نزد زن دائمی خود بماند .

مسأله ۵ ـ شوهر نمی تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند.

متعه یا صیغه

مسأله ۱ ـ صیغه کردن زن اگرچه برای لذّت بردن هم نباشد، صحیح است.

مسأله ۲ ـ احتیاط واجب آن است که شوهر بیش از چهار ماه نزدیکی با متعه خود را ترک نکند مگر با رضایت او باشد.

مسأله ۳ ـ زنی که صیغه می شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می تواند لذّتهای دیگر از او ببرد ولی اگر بعد به نزدیکی راضی شود، شوهر می تواند با او نزدیکی نماید.

مسأله ۴ ـ زنی که صیغه شده اگرچه آبستن شود، حقّ خرجی ندارد.

مسأله ۵ _ زنی که صیغه شده حقّ همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد.

مسأله ۶ _ زنی که صیغه شده اگر نداند که حقّ خرجی وهمخوابی ندارد عقد او صحیح است وبرای آن که نمی دانسته حقّی به شوهر پیدا نمی کند.

مسأله ۷ _ اگر مرد مدّت صیغه زن را ببخشد، چنانچه با او نزدیکی کرده باید تمام چیزی را که قرار گذاشته به او بدهد و اگر نزدیکی نکرده باید نصف آن را بنابر اظهر بدهد.

استفتائات ازدواج

سئوال ۱: شخصی زنی را در حال حیض به عقد خود درآورده است آیا عقد اشکال دارد؟ و آیا نزدیکی در زمان حیض اشکال دارد

جواب: عقد صحیح است اما نزدیکی در زمان حیض حرام است

سئوال ۲: خواندن خطبه عقد با تلفن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر اطمینان به مخاطب دارد اشکال ندارد

سئوال ۳: آیا در اجرای صیغه عقد دائم مرد باید مقدم شود یا زن؟

جواب: هر کدام مقدّم شود اشکالی ندارد ولی به نظر ما اگر زن مقدّم شود بهتر است

سئوال ۴: آیا ایجاب از طرف زن است یا مرد؟

جواب: ایجاب از جانب زن است

سئوال ۵: آیا در عقد موقّت نذر زن منوط به اذن شوهر است؟

جواب: در عقد موقت اینگونه امور نیاز به اذن شوهر ندارد

سئوال ۶: دختر و پسری هم شأن هم هستند آیا در ازدواج دختر اجازه پدر شرط است؟

جواب: اجازه پدر لازم است

استفتائات محرمیّت

سئوال ۱: آیا زن برادر به انسان محرم است

جواب: محرم نیست

سئوال ۲: آیا در شرع اسلام صیغه ای بنام صیغه خواهر و برادری وجود دارد که باعث محرمیّت شود

جواب: در شرع اسلام چنین صیغه ای وجود ندارد و دو نفر نامحرم فقط از طریق عقد دائم یا موقت باهم محرم می شوند.

سئوال ۳: آیا دختر عمو و دختر دایی به انسان محرم هستند؟

جواب: محرم نیستند

احکام نگاه کردن

مسأله ۱ ــ نگـاه کردن مرد به بـدن زن نـامحرم ودختری که نه سالش تمام نشـده ولی خوب وبـد را می فهمـد و همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصـد لـذّت وچه بـدون آن، حرام است ونگاه کردن به صورت ودسـتها اگر به قصد لذّت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بـدون قصـد لـذّت هم به آنها نگاه نکند، و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد.

مسأله ۲ ــ اگر انسان بدون قصد لذّت بصورت و دستهای زنهای اهل کتاب مثل زنهای یهود ونصاری نگاه کند در صورتی که نترسـد که بحرام بیفتـد، اشـکال ندارد بلکه همچنین زنهای دیگر از کفّار، و نیز نگاه به غیر صورت و دسـتهای آنان که معمولاً آنها آن قسمتها را نمی پوشانند بدون قصد لذّت بی اشکال است.

مسأله ۳ ــ زن باید بدن وموی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن وموی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند.

مسأله ۴ ــ مرد و زنی که با یکدیگر محرمند اگر قصد لذّت نداشته

باشند می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مسأله ۵ ــ مرد نباید با قصد لذّت به بدن مرد دیگر نگاه کند ونگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذّت حرام است.

مسأله ۶ ــ مرد نبایـد عکس زن نامحرم را بینـدازد و اگر در بین عکس گرفتن قصد لذّت باشد، حرام است و اگر زن نامحرمی را بشناسد، نباید به عکس او نگاه کند.

مسأله ۷ ــ زن و شوهر به همه جـای بـدن یکـدیگر حـتی به عورت هم می تواننـد نگـاه کننـد گرچه نگـاه به عورت یکـدیگر کراهت دارد

مسائل متفرقه زناشویی

مسأله ۱ _ کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می افتد، واجب است زن بگیرد گرچه در هر حال واجب است از حرام دوری کند.

مسأله ۲ _ ماندن مرد و زن نامحرم در محلّ خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود حرام است چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت دیگر، خواب باشند یا بیدار، ولی اگر طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود یا بچه ای که خوب وبد را می فهمد در آنجا باشد، اشکال ندارد.

مسأله ۳ _ اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.

مسأله ۴ _ مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر شود یا حکم ضروری دین یعنی حکمی را که مسلمانان جزء دین اسلام می دانند مثل واجب بودن نماز وروزه را انکار کند در صورتی که بداند آن حکم ضروری دین است مرتدّ می شود.

استفتائات نگاه کردن

سئوال ۱: دیدن زنهای بی حجاب در فیلم ها چه حکمی دارد؟

جواب: اگر زنـان مسـلمان هسـتند و آنها را نمی شناسـند و مفسـده ای هم بر آن بار نمی شود نگاه کردن اشـکال نـدارد و اگر زنان مسـلمان نیسـتند در صورتی که دیدن فیلم آن ها مفسده ای نداشته باشد دیدن فیلم آنان اشکال ندارد البته اگر فیلم هایی را بصورت مستقیم پخش می کنند و زنان مسلمان بدحجاب را نشان می دهند از نگاه کردن به آنان باید اجتناب شود

سئوال ۲: نگاه کردن مرد به دست زنی که به قصد زینت انگشتر بدست نموده چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است

سئوال ۳: دیدن عکس زن و مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: دیدن عکس زن و مرد اگر شناخته نشده و موجب هیجان نباشد اشکال ندارد

غصب

غصب آن است که انسان از روی ظلم بر مال یا حق کسی مسلط شود که از گناهان بزرگ است و غاصب در قیامت به عذاب سختی گرفتار می شود

مسأله ۱ _ اگر انسان چیزی را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.

مسأله ۲ _ هرگاه دو نفر باهم چیزی را غصب کنند اگر هریک به تنهایی می توانسته اند آن را غصب نمایند، هرکدام آنان ضامن تمام آن است در صورتی که فعلاً ـ عین مال در تصرّف هر دو باشد و اگر هر کدام نصف آن را تحت قدرت دارند ضامن نصف هستند.

مسأله ۳ _ اگر چیزی را که غصب کرده به طوری تغییر دهد که از اوّلش بهتر شود مثلاً ـ طلا ـ یی را که غصب کرده گوشواره بسازد، چنانچه صاحب مال بگوید مال را به همین صورت بده، باید به او بدهد ونمیتواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، بلکه بدون اجازه مالک حقّ ندارد آن رابه صورت اوّلش در آورد و اگر بدون اجازه او آن چیز را مثل اوّلش کند،باید مزد ساختن آن را به صاحبش بدهد بلکه تفاوت

قیمت هم را ضامن است.

مسأله ۴ _ هرگاه مالی را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند یا مدّتی نزد خود نگهدارد تا اگر پسندید بخرد، در صورتی که آن مال تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

مالی که انسان آن را پیدا می کند

مسأله ۱ ـ مالی که انسان پیدا می کند اگر نشانه ای نداشته باشد که به واسطه آن، صاحبش معلوم شود، نمی تواند به قصد این که ملک خودش شود آن را بردارد بلکه احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

مسأله ۲ ـ اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد وقیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکّه دار کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد وانسان نداند راضی است یا نه، نمی تواند بدون اجازه او بردارد، و اگر صاحب آن معلوم نباشد، می تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد ، گرچه احتیاط واجب آن است که هر وقت صاحبش پیدا شد،عوض آن را به او بدهد و در صورتی که خود مال باقی است خود مال را بدهد. و در صورتی که مال در حرم مکه پیدا شود احتیاط واجب آنست که برندارد .

مسأله ۳ ـ اگر انسان چیزی پیدا کند که قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار بیشتر است باید آن را درمحل اجتماع مردم تا یکسال اعلام کند

مسأله ۴ ـ اگر تا یک سال اعلان کند وصاحب مال پیدا نشود، می تواند آن را برای خود بردارد، به قصد این که هروقت صاحبش پیدا

شـد عوض آن را به او بدهـد، یا برای او نگهـداری کنـد که هروقت پیدا شد به او بدهد، ولی احتیاط مسـتحبّ آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد یا به حاکم شرع برساند خصوصاً اگر در حرم مکه پیدا شده باشد .

مسأله ۵ ـ کسی که مالی راپیدا کرده، اگر عمدا به دستوری که گفته شد اعلان نکند، گذشته از این که معصیت کرده باز هم واجب است اعلان کند.

سربریدن و شکار حیوانات

مسأله ۱ ــ اگر حیوان حلال گوشت را سر ببرند با شرائطی که خواهد آمد خواه وحشی باشد یا اهلی بعد از جان دادن گوشت آن حلال و بدن آن پاك است مگر آنکه حیوانی باشد که انسان با او وطی کرده باشد و یا حیوان نجاستخوار شده باشد که بعد از سر بریدن گوشت آن حلال نیست

مسأله ۲ ــ حیوان وحشی حلال گوشت با شکار کردن همراه با شرائط شکار، پاك و حلال است اما حیوان حلال گوشت اهلی با شکار کردن پاك و حلال نمی شود

مسأله ۳ ــ حیوان حلال گوشت وحشی در صورتی با شکار پاك و حلال می شود که بتواند فرار کند یا پرواز کند پس بچه آهو و بچه کبك و امثال آن با شکار کردن پاك و حلال نمی شود

مسأله ۴ ــ حیوان حلال گوشتی که مانند ماهی خون جهنده ندارد، اگر بخودی خود بمیرد، پاك است ولی گوشت آن را نمی شود خورد.

مسأله ۵ ــ حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد مانند مار با سر بریدن حلال نمی شود ولی مرده آن پاك است.

مسأله ۶ _ سگ وخوک به واسطه سر بریدن و شکار کردن پاک نمی شوند و خوردن گوشت آنها هم حرام است وحیوان حرام گوشتی را که درنده وگوشتخوار است مانند گرگ وپلنگ اگر به دستوری که گفته می شود سر ببرند، یا با تیر ومانند آن شکار کنند پاک است ولی گوشت آن حلال نمی شود و اگر با سگ شکاری آن را شکار کنند، پاک شدن بدنش هم اشکال دارد.

دستور سربریدن حیوان

مسأله ۷ _ دستور سر بریدن حیوان آن است که حلقوم (مجرای نفس) و مری (مجرای غذا) و دو شاهرگ را که در دو طرف حلقوم است و به آنها اوداج اربعه (چهار رگ) گفته می شود از پایین برآمدگی زیر گلو بطور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند، کافی نیست.

مسأله ۸ _ اگر بعضی از چهار رگ را ببرند وصبر کنند تا حیوان بمیرد بعد بقیه را ببرند فائده ندارد، امّا اگر به این مقدار هم صبر نکنند ولی بطور معمول چهار رگ را پشت سر هم نبرند، اگر چه پیش از جان دادن، بقیه رگها را ببرند، اشکال دارد.

شرایط سر بریدن حیوان

مسأله ۹ _ سر بریدن حیوان شش شرط دارد

اوّل: آن کسی که سر حیوان را می برد مسلمان باشد و بچه مسلمان ممیّز هم می تواند سر حیوان را ببرد

دوّم: سر حیوان را با آهن ببرند و یا با چیز فلزی تیزی که مثل استیل که چهار رگ را جدا کند سر را ببرند

سوّم: در موقع سربریدن، محل بریدن و شکم حیوان رو به قبله باشد

چهارم: موقع بریدن سر حیوان یا موقع گذاشتن کارد به گلوی حیوان به نیّت خدا بسم اللّه بگوید

پنجم:حیوان پس از سر بریدن حرکت کند ولو به اینکه چشم یا دم خود را حرکت دهد

مسأله ۱۰ _ اگر فراموش کرد که حیوان را رو به قبله کند یا مسئله را نمی دانست یا قبله را اشتباه گرفت و حیوان را سر برید اشکال ندارد

مسأله ۱۱ _ اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد، اشکال ندارد

احکام شکار کردن با اسلحه

مسأله ۱۲ _ اگر حیوان وحشی حلال گوشت را با اسلحه شکار کنند با پنج شرط پاک و حلال است

اول: آنکه اسلحه شکار تیز یا برنده باشد و بدن حیوان را پاره کند

دوم: آنکه شکار کننده مسلمان یا بچه مسلمان باشد

سوم: اسلحه را برای شکار حیوان بکار برد و اگر مثلاً جایی را نشانه رفته و اتفاقاً به حیوانی برخورد کند و آن را بکشد پاک وحلال نیست

چهارم: در وقت استفاده از اسلحه نام خدا را ببرد

پنجم: وقتی انسان به حیوان برسد مرده باشد یا اگر زنده است فرصت برای سربریدن او نیست و الا باید سر حیوان را ببرد

تا پاک و حلال شود

صید ماهی

مسأله ۱۳ _ اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند وبیرون آب جان دهد، پاک است وخوردن آن حلال است و چنانچه در آب بمیرد پاک است وخوردن آن حرام می باشد وماهی بی فلس را اگرچه زنده از آب بگیرند وبیرون آب جان دهد، حرام است.

مسأله ۱۴ _ اگر ماهی از آب بیرون بیفتد یا آن را بیرون بیندازند یا آب فرو رود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه پیش از آن که بمیرد، با دست یا بوسیله دیگر کسی آن را بگیرد، بعد از جان دادن حلال است.

مسأله ۱۵ _ کسی که ماهی را صید می کند، لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد ولی باید بداند که در بیرون آب جان داده است.

خوردنیها و آشامیدنیها

مسأله ۱ ــ خوردن گوشت مرغی که مثل شاهین چنگال دارد، حرام است و خوردن پرستو وهدهد مکروه است.

مسأله ۲ ــ اگر چیزی را که روح دارد از حیوان زنـده جـدا نماینـد، مثلاً دنبه یا مقداری گوشت از گوسـفند زنده ببرند، نجس وحرام می باشد.

مسأله ۳ ــ پانزده چیز از حیوان حلال گوشت حرام است:

۱ ــ خون، ۲ ــ فضله، ۳ ــ نری، ۴ ــ فرج، ۵ ــ بچه دان، ۶ ــ غدد که آن را دشول می گویند، ۷ ــ تخم که آن را دنبلان می گویند، ۸ ــ چیزی که در مغز کلّه است و به شکل نخود می باشد، ۹ ــ مغز حرام که در میان تیره پشت است، ۱۰ ــ پی که در دو طرف تیره پشت است، ۱۱ ــ زهره دان،۱۲ ــ سپرز (طحال)، ۱۳ ــ بول دان (مثـانه)، ۱۴ ــ حدقه چشم ۱۵ ــ چیزی که در میان سم است و به آن ذات الاشاجع می گویند.

مسأله ۴ ــ خوردن سرگین و بول حیوان و آب دماغ و چیزهای خبیث دیگر که طبیعت انسان از آن متنفّر است، حرام می باشد ولی اگر پاک باشد ومقداری از آن به طوری با چیزحلال مخلوط شود که در نظر مردم نابود حساب شود، خوردن آن اشـکال ندارد.

مسأله ۵ ـ خوردن خاک، حرام است ولی خوردن کمی که از اندازه نخود تجاوز نکند از تربت حضرت سیّد الشهداء علیه السلام برای شفا، وخوردن گل داغستان و گل ارمنی برای معالجه اشکال ندارد.

مسأله ۶ ـ فرو بردن آب بینی وخلط سینه که در دهن آمده، حرام نیست و نیز فرو بردن غذایی که موقع خلال کردن، از لای دندان بیرون می آید، اگر طبیعت انسان از آن متنفّر نباشد، اشکال ندارد.

مسأله ۷ ـ خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است.

مسأله ۸ ـ اگر با حیوان حلال گوشتی مانند گاو و گوسفند نزدیکی کنند، بول و سرگین آنها نجس می شود وآشامیدن شیر آنها هم حرام است و باید فوری حیوان را بکشند و بسوزانند و کسی که با آن وطی کرده، پول آن را به صاحبش بدهد.

مسأله ۹ ـ آشامیدن شراب حرام است و از بزرگترین گناهان است و کسی که آن را حلال بداند کافر است

مسأله ۱۰ ـ نشستن سر سفره ای که در آن شراب می خورند، اگر انسان یکی از آنان حساب شود حرام و چیز خوردن از آن سفره نیز حرام است.

استفتائات خوردن و آشامیدن

سئوال ۱: حکم سوسیس و کالباس هایی که از کشورهای دیگر وارد می کنند چیست؟

جواب: محل اشکال است مگر احراز شود که از حیوان حلال

گوشت و تذکیه شده است

سئوال ۲: در بعضی شربتها که مصرف پزشکی دارد الکل وجود دارد آیا می توان آن را مصرف کرد؟

جواب: تا یقین پیدا نکند که الکل آن مست کننده است مصرف آن اشکال ندارد

سئوال ۳: خوردن از غذای اهل کتاب چگونه است؟

جواب: در صورتیکه علم به تنجیس (نجس شدن) آن غذا داشته باشد استفاده از آن جایز نیست

سئوال ۴: خوردن دنبلان حیوان چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است

سئوال ۵: نوشیدن ماء الشعیر چه حکمی دارد؟

جواب: اگر جزو فقّاع یا آب جو مست کننده نباشد نوشیدن آنها جایز است.

سئوال ۶: خوردن چه نوع پرندگانی جایز است؟

جواب: هر پرنده ای که در هنگام پرواز بال زدن او بیشتر از بازکردن بالهایش بطور ثابت باشد و همچنین پرندگانی که سنگ دان و چینه دان و ناخن در پشت پا دارند حلال گوشت هستند

نذر

مسأله ۱ _ احکام نـذر آن است که انسان بر خود واجب کنـد که کار خیری را برای خدا بجا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای خدا ترک نماید.

مسأله ۲ _ در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست آن را به عربی بخوانند، پس اگر بگوید چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا ده تومان به فقیر می دهم باید وفا به نذر خود بنماید.

مسأله ۳ _ اگر فرزنـد با اجازه پـدر نـذر کنـد، باید به آن نذر عمل نماید، بلکه اگر بدون اجازه او نذر کند، بنابر احتیاط عمل کردن به آن نذر واجب است مگر آن که او را منع کرده باشد که نذرش در اینصورت صحیح نیست.

مسأله ۴ _ انسان کاری را می توانـد نـذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که نمی تواند پیاده کربلا برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.

مسأله ۵ _ اگر نذر کند که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد، یا کار واجب یا مستحبّی را ترک کند، نذر او صحیح نیست.

مسأله ۶ ـ اگر انسان با اختیار به نذر خود عمل نکند گناه کرده و باید کفاره بدهد و کفاره نذر همانند کفاره روزه است یعنی یا دو ماه روزه بگیرد و یا شصت فقیر را سیر کند یا یک بنده آزاد کند

مسأله ۷ ـ اگر نـذر کنـد که به زیـارت یکی از امامان مثلاً به زیارت حضـرت اباعبـداللّه علیه السـلام مشـرّف شود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود کافی نیست و اگر به واسطه عذری نتواند آن امام را زیارت کند چیزی بر او واجب نیست.

قسم

مسأله ۱ ــ اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترک کند مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد، یا دود استعمال نکند، چنانچه عمـدا مخالفت کند باید کفّاره بدهد یعنی بنده آزاد کند یا ده فقیر را سیر کند یا ده فقیر را بپوشاند و اگر اینها را نتواند ، باید سه روز روزه بگیرد .

مسأله ۲ ــ قسم چند شرط دارد:

اوّل ــ کسی که قسم می خورد باید بالغ وعاقل باشد و از روی قصد واختیار قسم بخورد پس قسم خوردن بچه ودیوانه ومست و کسی که مجبورش کرده اند، درست نیست و همچنین است اگر در حال عصبانی بودن بی اختیار قسم بخورد.

دوّم ــ کاری را که قسم می خورد انجام دهد باید حرام و مکروه نباشد و کاری را که قسم می خورد ترک کند، باید واجب و مستحب نباشد و اگر قسم بخورد که کار مباحی را بجا آورد باید ترک آن در نظر مردم بهتر از انجامش نباشد و نیز اگر قسـم بخورد که کار مباهی را ترک کند باید انجام آن در نظر مردم بهتر از ترکش نباشد.

سوّم ــ به یکی از اسمهای خداوند عالم قسم بخورد که بغیر ذات

مقدّس او گفته نمی شود مانند خداود و اللّه یا به اسمی قسم بخورد که غالباً در مورد خدا بکار رود بطوریکه هرگاه کسی آن را بگوید ذات مقدّس حق در نظر آید مثل خالق و رازق بلکه اگر نیّت خدا را با اسمی بکند مثل بصیر و سمیع به احتیاط واجب هم صحیح است.

چهارم _ قسم را به زبان بیاورد

پنجم _ عمل کردن به قسم برای او ممکن باشد

مسأله ۳ _ اگر فرزند بدون اجازه پدر قسم بخورد پدر می تواند قسم او را بهم بزند

امر به معروف و نهی از منکر

یکی از واجبات دینی امر به معروف و نهی از منکر است و همه مسلمانان باید خود را در مقابل دیگران مسئول بدانند

مسأله ۱ ـ « معروف » یعنی چیزی که به حکم شرع یا عقل انجام آن واجب یا مستحب است، و« منکر » یعنی چیزی که به حکم شرع یا عقل انجام آن قبیح وحرام یامکروه است؛ واز این نظر فرقی میان امور فردی واجتماعی نیست. بنابراین امر به معروف ونهی از منکر یک وظیفه عمومی است وحکومتها وافراد مردم همه در برابر یکدیگر مسئولیت دارند وباید به این وظیفه عمل نمایند.

مسأله ۲ ـ امر به معروف ونهی از منکر واجب کفایی می باشد؛ بنابراین اگر بعضی از مکلفین به آن اقدام کنند ومقصود حاصل شود، از دیگران ساقط می شود. واگر اقامه معروف وجلوگیری از منکر بر اجتماعِ جمعی از مکلفین متوقف باشد، واجب است اجتماع نمایند.

مسأله ۳ ـ اگر امر ونهی بعضی افراد مؤثر واقع نشود وبرخی دیگر احتمال دهند امر ونهی آنان اثربخش است، برآنها واجب می شود.

مسأله ۴ ـ هنگام وجوب امر به معروف ونهی از منکر با زبان،

یادآوری مسائل شرعی کفایت نمی کند؛ بلکه انسان باید امر ونهی نماید.

شرائط امر به معروف و نهی از منکر

مسأله ۵ _ در واجب بودن امر به معروف ونهی از منکر سه شرط لازم است:

۱ _ احتمال دهد امر ونهی او اثربخش باشد؛ پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست.

۲ _ بداند یا مطمئن باشد که گنهکار، قصد ادامه یا تکرار گناه را دارد؛ پس اگر بداند یا گمان کند که تکرار نمی کند واجب نیست.

۳ _ در امر ونهی مفسده مهمتری وجود نداشته باشد؛ پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح عقلایی دهد که با امر ونهی او زیان جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجهی به او یا خویشان یا نزدیکان او ویا به عده ای از مؤمنین می رسد، امر ونهی واجب نیست؛ بلکه در بسیاری موارد حرام می باشد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مسأله ۶ _ امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که باید مراعات شود

مرتبه اوّل: آنکه به گونه ای با گنهکار برخورد شود که احساس کند ارتکاب گناه سبب این برخورد با او شده مانند رو برگرداندن از او و چهره را خشمگین کردن

مرتبه دوم: آنکه با زبان امر به معروف و نهی از منکر کند

مرتبه سوم: استفاده از زور است مشروط بر اینکه از قدر لازم تجاوز نکند

استفتائات امر به معروف و نهی از منکر

سئوال ۱: آیا برای امر به معروف و نهی از منکر می توان آبروی افراد را ببریم و یا حیثیت شخصی آنها را کم کنیم؟

جواب: از بین بردن آبروی فردی در جامعه و خدشه دار کردن شخصیت او جایز نیست

سئوال ۲: اگر بدانیم در صورت امر به معروف و نهی از منکر مورد توهین قرار می گیریم آیا امر و نهی واجب است؟

جواب: با فرض مذکور امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست

سئوال ۳: وظیفه فرزند نسبت به والدینی که اهتمام به تکالیف دینی ندارند چیست؟

جواب: سعی کنند از راههای مختلف امر به معروف و نهی از منکر کنند و اگر اثر نمی کند وظیفه ای ندارند

استفتائات متفرقه در مورد مسائل روز

۱ _ شعبه بازی

سئوال ۱: آیا شعبه بازی حرام است و نگاه کردن آن از تلویزیون

چه حکمی دارد؟

جواب: شعبده بازی حرام است و نگاه کردن به آن در صورتی که عرفاً نگویند پای عمل حرام نشسته، اشکال ندارد

۲ _ شطرنج و پاسور و بیلیارد

سئوال ۲: بازی با شطرنج و پاسور و بیلیارد چه حکمی دارد؟

جواب: بنظر ما بازی با شطرنج و پاسور حرام است

سئوال ۳: آیا کسب درآمد از طریق شطرنج مثل شرکت در مسابقات و گرفتن جایزه حرام است و آیا مالک می شوند

جواب: کسب درآمد از طریق شطرنج حرام است و مالک آن نمی شوند

۳ _ تراشیدن ریش

سئوال ۴: درآمد حاصله از تیغ انداختن چگونه است؟

جواب: درآمد حاصله از اصلاح صورت با تیغ، حرام است و آرایشگر مالک آن نمی شود

سئوال ۵: آیا گذاشتن ریش پرفسوری جایز است؟

جواب: ریش باید کامل گذاشته شود و گذاشتن ریش پرفسوری جایز نیست.

سئوال ۶: چه مقدار از ریش را می توان تیغ زد؟ و آیا گذاشتن ریش بایک جایز است

جواب: تیغ زدن زیر گلو و روی گونه بمقدار کم مانعی ندارد و گذاشتن ریش باریک جایز نیست

۴ _ قمار

سئوال ۷: بازی با آلات قمار، کامپیوتر و مانند آن که یک طرف آن انسان و طرف دیگر کامپیوتر است و همچنین آتاری و مانند آن چه حکمی دارد؟

جواب: بازی با کامپیوتر از قسم قمار به شمار نمی رود و لذا نمی توان حکم به حرکت کرد

۵ _ ماهواره و اینترنت

سئوال ۸: آیا خرید ماهواره اشکال دارد؟

جواب: اگر چنانچه برای کارهای حرام و دیدن برنامه های نامناسب باشد جایز نیست

سئوال ۹: آیا نصب ماهواره و شبکه اینترنت برای افراد اشکال دارد؟ آیا مالك پول آن می شود؟

جواب: اگر بداند که آن فرد ماهواره و اینترنت را برای کارهای حرام استفاده می کند نصب آن حرام است چون کمک بر گناه است و پول آن را هم مالك نمی شود

۶ _ غیبت

سئوال ۱۰: چند نفر در مورد کسی باهم صحبت می کنند ولی قصد

توهین به او را ندارند آیا غیبت محسوب می شود؟

جواب: اگر صحبت ها بگونه ای باشد که در صورت شنیدن آنها توسط غیبت شونده، او ناراحت بشود غیبت محسوب می شود و قصد یا عدم قصد توهین دخالتی در صدق غیبت ندارد

سئوال ۱۱: آیا دفع غیبت واجب است؟

جواب: اگر بتواند منع کند و آثار شوخی نداشته باشد باید جلوگیری کند چون شنیدن غیبت در حکم غیبت کردن است

۷ ـ فیلم و موسیقی

سئوال ۱۲: آیا درآمد انسان از راه خوانندگی مطرب اشکال دارد و مالک می شود؟

جواب: درآمد شخص از خوانندگی و مطربی حرام است و مالک آن نمی شود

سئوال ۱۳: دیدن فیلمهای مستهجن و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

جواب: دیدن فیلم هایی که موجب تهییج شهوت شود جایز نیست و خرید و فروش آن حرام است و مالک پول آن هم نمی شود

سئوال ۱۴: آیا دیدن داماد، فیلم عروسی خود را در صورتی که زنان نامحرم و سرلخت و بعضاً با پوشش نامناسب در فیلم باشند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چنانچه آن زنان را بشناسد حرام است

سئوال ۱۵: نگاه کردن به تلویزیون کشورهای خارجی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مشتمل بر فیلم های مبتذل یا آهنگ غنا یا برنامه های مخرّب اعتقاد و دین باشد دیدن و شنیدن آن حرام است

سئوال ۱۶: آیا شنیدن موسیقی که توسط زن اجرا می شود اشکال دارد؟

جواب: تک خوانی زن حرام است

سئوال ۱۷: حکم زدن و گوش دادن دف و تنبک و ارگ چیست؟

جواب: زدن آلات مذکور جایز نیست و گوش دادن به آن اگر مصداق موسیقی مطرب باشد حرام است

سئوال ۱۸: حکم موسیقی که از رادیو و تلویزیون ایران پخش می شود چیست؟

جواب: هر گونه موسیقی مطرب حرام است ولو آنکه از رادیو و تلویزیون ایران باشد

۸ _ رقص

سئوال ۱۹: آیا رقصیدن جایز است و اگر کسی از این طریق اجرتی بگیرد آیا مالک می شود؟

جواب: رقص برای مرد و زن حرام است و مالك اجرت آن نمی شود.

۹ _ استعمال تریاک

سئوال ۲۰: آیا استعمال تریاک برای جوانان جایز است؟

جواب: جایز نیست

۱۰ _ لباس و آرایش مو و شبیه شدن به بیگانه

سئوال ۲۱: آرایش موی سر و پوشیدن لباسهای خارجی نامناسب چه حکمی دارد؟

جواب: پوشیدن لباسهایی که از مظاهر غربی به حساب می آید و همچنین آرایش موی سر به صورت غربی در شئونات جوان مسلمان نیست و جایز نمی باشد.

سئوال ۲۲: پوشیدن لباس زنانه توسط مردان و بالعکس در مجامع عمومی چه صورتی دارد؟

جواب: در مواردیکه صدق تشبّه زن به مرد و بالعکس کند جایز نیست

سئوال ۲۳: سگ بازی و آوردن آن به خانه ها و ماشین ها و خیابان ها که نوعی تقلید از بیگانگان است چه صورت دارد؟

جواب: حرام است

سئوال ۲۴: استفاده از کراوات در مجالس چه حکمی دارد؟

جواب: از مظاهر غربی است و حرام است

سئوال ۲۵: بعضی از پسران بر صورت و ابروها بند می اندازند مثل زنها این کار چه حکمی دارد؟

جواب: تشبیه مرد به صورت زنانه حرام است

۱۱ _ عزاداری

سئوال ۲۶: حکم سینه زنی بصورت عریان چیست؟

جواب: خوب است سینه زدن بطور متعارف باشد تا انسان دچار محذوراتی نگردد

سئوال ۲۷: آیا پوشیدن لباس سیاه در عزای ائمه جایز است

جواب: رجحان دارد

سئوال ۲۸: آیا قمه زنی جایز است

جواب: در مواردیکه موجب وهن اسلام و تشیّع شود جایز نیست

سئوال ۲۹: آمدن زنان با وضع نامناسب به دنبال هیئت های عزاداری چه صورت دارد؟

جواب: اگر موجب مفسده شود حرام است و اگر قصد شرکت در عزای ائمه علیهم السلام را دارند باید جوانب عفاف را رعایت کنند

۱۲ _ اختلاط زن و مرد

سئوال ۳۰: حد گفتگوی مجاز نامحرمان را بیان کنید:

جواب: در موارد غیر ضروری باید اجتناب گردد زیرا در بیشتر مواقع موجب وقوع در حرام می گردد ولی اگر ضرورتی باشد، حرام نیست البته در مواردیکه ریبه و شبهه نباشد

سئوال ۳۱: گفتگوی دانشجوی پسر و دختر در موارد مسائل درسی

و رفع اشکال آن چه صورت دارد؟

جواب: فی حدّ نفسه حرام نیست ولی چون احتمال ریبه و شبهه وقوع در حرام می باشد شایسته است که اجتناب گردد مگر در حد ضرورت

سئوال ۳۲: گفتگوی تلفنی با نامحرم در چه مواردی جایز است؟

جواب: اگر خوف وقوع در حرام نباشد و به مقدار ضرورت باشد، اشکال ندارد

۱۳ _ اهانت و آزار مؤمن

سئوال ۳۳: آیا اهانت به علما و مراجع و مجتهدین جایز است و آیا موجب ارتداد می شود؟

جواب: اهانت به مراجع و علما دینی حرام است و اگر اهانت او بگونه ای باشد که موجب انکار دین یا ضروریات دین شود و این امر ثابت شود موجب ارتداد است

سئوال ۳۴: گفتن لطیفه هایی که موجب تمسخر قوم یا قشری خاص باشد و همچنین رد و بدل کردن پیامهای اینگونه از طریق موبایل و امثاله چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که موجب آزار و اذیت آن قوم یا قشر شود جایز نیست و اشاعه و گسترش آن هم از هر طریق جایز نیست

۱۴ _ عید نوروز

سئوال ۳۵: آیا عید نوروز بدعت است؟

جواب: بدعت نیست چون به دین نسبت داده نمی شود

سئوال ۳۶: آیا هفت سین مرسوم در عید نوروز جایز است و اگر پدر امر به نشستن در کنار سفره هفت سین کند واجب است اطاعت کنم؟

جواب: به نظر ما هفت سین مرسوم اعتباری ندارد و بهتر است از هفت سین قرآنی که حضرت علی علیه السلام دستور داده اند استفاده شود و اگر پدر امر به نشستن در کنار سفره هفت سین کند نشستن در کنار سفره با رعایت ضوابط شرعی اشکال ندارد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹